روزنامه گویه
سیاسی، فرهنگی، اجتماعی
گویه

معاون استاندار قم:
شهر نوآوری قم در پهنه ۱۰۰ هکتاری پشت کوه خضر جانمایی شد
معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری قم از جانمایی اولیه شهر نوآوری قم در پهنه‌ای حدود ۱۰۰ هکتاری در حوالی پشت کوه خضر ... صفحه ۲

یادداشت - نجمه سیددخت
به بهانه ۲۶ مرداد سال ۱۳۶۹ آزادگانی که اسارت را به‌حقارت گرفتند
پنج سال از اسارتش گذشته و تمام ثانیه‌های این پنج سال را با خاطرهٔ خانه، خانواده و وطن شمرده است. حالا اتوبوس حامل آزادگان ... صفحه ۵

یادداشت - وحید حاج سعیدی
رسانه؛ چشم تیزبین یا تزئین جلسات؟
مدیران با سابقه و فتوتیتر!
برگزاری جلسات در هیات دولت، ادارات، نهادها و سازمان های دولتی و خصوصی امری طبیعی و رایج است. از سویی اهمیت ... صفحه ۸

یادداشت - مرتضی نجفی قدسی
از مبارزه با رانت ، انحصار و فساد تا گرانی بنزین کدام به عدالت نزدیک است؟
در اکثر آیات قرآن که بحث رسالت انبیاء مطرح است هدف غایی آنها ایجاد جامعه ای بر اساس قسط و عدالت عنوان شده است، ... صفحه ۱

عاشق یارم، مرا با کفر و با ایمان چه کار — تشنه‌دردم، مرا با وصل و با هجران چه کار — *** — چون که اندر هر دو عالم یار می‌باید مرا — با بهشت و دوزخ و با حور و با غلمان چه کار — حافظ شیرازی

یکشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۵ شمسی / ۲ ربیع الاول ۱۴۴۸ / ۱۶ آگوست ۲۰۲۶ میلادی / سال بیست‌ودوم/ شماره ۲۹۰۷ / ۸ صفحه / قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان
وب سایت: www.gooyeh-qom.com - پست الکترونیکی: gooyehqom@gmail.com

تست اعصاب و روان توانیر از مردم؛

خاموشی‌های بی‌اطلاع تا کجا ادامه دارد

صفحه ۳

دو ماه سرنوشت‌ساز برای زیرزمین قم

مترو قم در پیچ آخر؛ تکلیف پردیسان روشن می‌شود

صفحه ۲

گزیده خبرها

زنگ خطر برای بازار مسکن
جهش قیمت مواد اولیه فولاد، گرانی میلگرد را به دنبال دارد؟
صفحه ۵

سونامی سالمندی در ایران؛
امروز نسل سالمندان تنها و بیمار فردا را می‌سازیم
صفحه ۷

حمایت از معیشت یا بنزینِ تورم؟
منبع افزایش مبلغ کالابرگ کجاست؟ وعده‌ای که نباید با چاپ پول تأمین شود
صفحه ۵

تراستی‌ها؛ ابزار دور زدن تحریم یا گلوگاه جدید ارزی؟
صفحه ۳

محمد گل افروز:
اسرائیل ایران را تهدید وجودی می‌نگرد و به دنبال قوم‌گرایی و تجزیه‌ی ایران است
صفحه ٦

معاون اداره کل حفاظت محیط زیست استان:
کاهش منابع آبی می‌تواند آینده دریاچه نمک قم را تحت تأثیر قرار دهد
صفحه ۲

از مبارزه با رانت ، انحصار و فساد تا گرانی بنزین کدام به عدالت نزدیک است؟

مرتضی نجفی قدسی

در پی بحث عرضه ی بنزین آزاد در کرمان با نرخ ۸۷/۲۰۰ تومان مرتضی نجفی قدسی در یادداشتی نسبت به مطرح شدن چنین طرح ها و راهکارهایی به شدت انظار داده ومی نویسد: گرچه عرضه بنزین آزاد با نرخ ۸۷/۲۰۰ تومان بنا به تصمیم سران قوا منتفی شده است ولی چون به هر جهت دولت برای اداره کشور ناچار است در این موضوع به تصمیمی برسد، لازم است قدری انظار داده شود. مسلماً این طرح نه مشکل دولت را حل می کند و نه به نفع مردم است، چرا که در صورت اجرای این طرح ، تورمی ایجاد می شود که ارزش ۸۷ هزار تومان برای دولت همان ۵ هزار تومان خواهد شد و نتیجه ای نمی گیرد و جامعه هم در این شرایط جنگی دچار بحران می شود و آنانکه مدتهاست منتظر جرقه ای هستند تا سر برآورند و جامعه را به آشوب و بلوا بکشانند فرصت جولان پیدا می کنند و دشمنان عنود هم از فرصت استفاده کرده و حمله ور می شوند! بنابراین از طرح هر نقشه ای که منجر به ناامیدی مردم و ایجاد آشوب و بلوا می شود باید خودداری کرد، حداقل عرضه بنزین محدود در قالب همین سهمیه های اعلام شده و علی السویه بهتر است تا عرضه بنزین نامحدود و آزاد! متن یاد داشت به شرح زیراست:

«وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵)

خداوند به همراه پیامبران، کتاب و میزان را نازل کرد تا مردم به قسط و عدل روی آورند.

در اکثر آیات قرآن که بحث رسالت انبیاء مطرح است هدف غایی آنها ایجاد جامعه ای بر اساس قسط و عدالت عنوان شده است، بنابراین به هر میزانی که جامعه ای با عدالت فاصله داشته باشد در حقیقت از رسالت الهی انبیاء فاصله گرفته است.

***

اخیراً در خبرها خواندم که قرار است در استان کرمان بنزین آزاد به نرخ لیتری ۸۷/۲۰۰ تومان عرضه شود! ابتدا باورم نشد و چند بار خبر را مرور کردم و رقم را دقیقاً دیدم شاید ۸/۷۲۰ تومان باشد ولی دیدم نه در کمال تعجب رقم را ۸۷/۲۰۰ تومان اعلام کرده اند!

گرچه هر کس این خبر را می خواند می فهمید که از این طرح بوی توطئه می آید و طراحان قصد حل مسئله را ندارند، یا در این کشور زندگی نمی کنند و با سطح درآمدهای مردم آشنا نیستند و یا ناشیانه ترین روش یعنی راه گران کردن بنزین را انتخاب کرده اند آن هم از رقم ۵/۰۰۰ تومان ناگهان برسد به ۸۷/۲۰۰ تومان!

گرچه این طرح خطرناک با تصمیم سران قوا فعلاً کنسل شده است ولی چون به هر جهت دولت برای اداره کشور ناچار است در این موضوع به تصمیمی برسد، لازم است قدری نسبت به این نقشه خطرناک انظار داده شود.

عمده ترین بهانه دولت برای گران کردن بنزین، بحث قاچاق بنزین به کشورهای همسایه است و به جای اینکه در مبارزه با قاچاق جدیت داشته باشد و خط قاچاق را از مبدأ تا مقصد رصد کند و عوامل خاطی را به قوه قضائیه اعلام و خواستار مجازات آنان شود، راهی را انتخاب می کند که کشور را به آشوب و بلوا می کشاند.

مثلاً اعلام کرده اند به حساب یک شعبه پمپ بنزین رقمی یک میلیارد تومانی واریز شده است که خوب باید در چنین مواردی مجازاتی جدی و آشکار با قاچاق صورت بگیرد تا همه قاچاقچیان درس بگیرند.

گیرم دولت در شرایط فعلی که وضعیت جنگی محسوب می شود، دولت قادر به تولید بنزین به هر میزان تقاضا نباشد، خوب این موضوع برای اکثریت مردم پذیرفته است که هر مقدار بنزین تولید می شود علی السویه و به عدالت توزیع شود، مثلاً بگویند ما همین سهمیه هایی که اعلام کرده ایم را تأمین می کنیم و بیشتر از آن عرضه ای نداریم و یا به هر کد ملی فلان مقدار بنزین می دهیم.

مسلماً عرضه نکردن بنزین اضافه بهتر است تا قیمت آن را ۸۷/۲۰۰ تومان اعلام کنیم و تورمی افسار گسیخته را مجدداً به ملت تحمیل کنیم چون به تبع آن تمام اجناس دهها برابر می شود و زندگی برای توده های مردم طاقت فرسا می شود!

بخوبی معلوم است که این طرح نه مشکل دولت را حل می کند و نه مشکل مردم را فقط وضعیتی خطرناک برای جامعه پدید می آورد تا آنان که مدتهاست منتظر جرقه ای هستند تا کشور را به هم بریزند و آمریکای جنایتکار را خوشحال کنند به صحنه بیایند و خدای ناکرده کنترل اوضاع از دست برود و دشمنان هم از هر طرف حمله ور شوند! بنابراین از هر طرح و سوژه ای که موجب تشنج در جامعه می شود باید خودداری کرد.

گرچه نهادهای امنیتی باید نسبت به طراحان این طرح خطرناک مشکوک شوند و به بررسی وضعیت آنها بپردازند مبادا نقشه ای عامدانه برای بهره برداری دشمنان فراهم کرده اند!

آنان باید ثابت کنند که این رقم ۸۷/۲۰۰ تومان از کجا بدست آوردند، بر اساس چه محاسبه ای انجام شده است که اینقدر دقیق هم وانمود می کنند که رقم ۲۰۰ تومان آن را هم در نظر گرفته اند و حال آنکه می توانستند ۸۷ هزار تومان یا ۸۸ هزار تومان اعلام کنند چون ارقام زیر یک هزار تومان عملاً در جامعه منسوخ شده است و اصلاً پول دویست تومانی دیگر چاپ نمی شود امّا معلوم است که این رقم ۲۰۰ تومانی را با رندی گذاشته اند تا بگویند کار ما دقیق است! مانند میوه فروشانی که قیمت یک میوه را ۱۹۹/۹۰۰ تومان اعلام می کنند و از اعلام ۲۰۰ هزار تومان پرهیز می کنند تا بگویند رقم آنقدر دقیق است که یکصد تومان آن هم حساب است!

به هر حال دولت اگر ناتوان از راه حل هست می تواند از کارشناسان فنی در صدا و سیما با گفتگو و نقد آزاد استفاده کند و یکطرفه به تصمیم نرسد و حساب انقلاب و ملت و نظام را هم در نظر بگیرند.

آیا جواب مردمی که حدود ۶ ماه است هر شب به میدان می آیند و به عشق رهبر شهید و مظلوم انقلاب اشک می ریزند اینست که عرصه ی زندگی را برای آنان تنگ کنیم! دولت چرا با رانتخواران مبارزه نمی کند؟! چرا صادرات و واردات در انحصار عده ای خاص است؟! چرا تلاشی برای برگرداندن یکصد میلیارد دلار پولهای ارز کشور از تراستها و شرکت های خصولتی نمی کند؟!

دولت برای تأمین درآمد راههای بسیار دارد ولی ساده ترین راه که افزایش نرخها هست را انتخاب می کند! این هنر نیست، باید مبارزه جدی با انحصار طلبان و رانتخواران و ویژه خواران کرد و حتی دست آنها را از صادرات و واردات کوتاه کرد، مبارزه جدی با مفسدان اقتصادی شکل بگیرد تا مردم به انقلاب و نظام گرایش بیشتری پیدا کنند و خلاصه این را همه بدانند که دوام نظام در گرو عدالت اجتماعی است که همواره مورد تأکید رهبر شهید انقلاب و امام راحل عظیم الشأن بوده است. ارائه کالا برگ هم طرح خوبی است ولی تأثیر چندانی ندارد و راه حل اصلی گرفتن منابع ثروت از ویژه خواران و مفسدان اقتصادی و ایجاد عدالت و فرصت های برابر اقتصادی برای همه مردم است.

دولت هنوز نتوانسته است با فساد خودروسازان مبارزه کند، چطور اجازه داده می شود آنان هر ماه بهای خودروهای بی کیفیت داخلی را در این شرایط جنگی افزایش دهند و موجب تورم افسار گسیخته شوند!

چرا اجازه نمی دهید خودروی خارجی حتی بدون انتقال ارز توسط همه ی کسانی که توانایی دارند وارد شود! شما اگر چنین اجازه ای را فقط اعلام کنید که هر کس می تواند بدون انتقال ارز از داخل، خودروی خارجی وارد کند قیمت خودروهای داخلی از نصف هم پائین تر می آید و اینکه اینها پیوسته می گویند ما ضرر می کنیم چیزی جز حقه بازی نیست!

عرصه برای دولت برای مبارزه با مفاسد اقتصادی فراوان است و یا به شرطی که عزم این کار را داشته باشد و کارگزارانی قوی و معتمد هم برای اینکار مهم برگزینند.

اجمالاً به هیچ وجه وارد بازی خطرناک بنزین نشوید! فوقش به مردم بگوئید ما توان تولید و عرضه مان در حد همین سهمیه های اعلام شده است، آنوقت مردم هم وقتی ببینند سهمیه بنزین شان محدود است برنامه ریزی می کنند که از این بنزین در اولویت کارهایشان استفاده کنند و اینطور نباشد که عده ای هر هفته به شمال رفت و آمد می کنند و سفرهای تفریحی بی اندازه می روند و آنها هم حساب دستشان می آید.

از خدای متعال مسئلت داریم دولت محترم را در اجرای منویات رهبر حکیم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای بیش از پیش موفق بدارد و بتواند خدماتی شایسته به این ملت بزرگوار و فداکار انجام دهد.

قالیباف: مذاکره یعنی مبارزه

ترامپ به‌رسمیت‌شناختن جبهه مقاومت را امضا کرد

رئیس مجلس شورای اسلامی روایتی از چگونگی عقب‌نشینی ترامپ درباره بازگشایی تنگه هرمز توسط ایران در زمان امضا تفاهمنامه ارائه کرد و در عین حال، گفت: تاکید وی کنارگذاشتن موشکی، مقاومت، هسته‌ای و تنگه هرمز بود اما رئیس‌جمهور آمریکا رسمیت جبهه مقاومت را به زبان فارسی امضا کرده است.

محمدباقر قالیباف در بخشی از گفت‌وگویی که در نشست جمعی از نخبگان فرهنگی بیان کرد، با اشاره به روند مذاکرات میان و آمریکا به بیان روایتی از توقف مذاکره پس از حمله به ضاحیه لبنان پرداخت و اظهار کرد: در زمان مذاکرات که آخرین حمله توسط رژیم صهیونیستی به ضاحیه بیروت انجام شد و بر اثر آن مسئول اطلاعات حزب الله با خانواده شهید شدند، در همان زمان مذاکرات را متوقف و اعلام کردم که به این اقدام پاسخ خواهیم داد و اگر رژیم صهیونیستی هم پاسخ بدهد، همه منطقه را مورد هدف قرار خواهیم داد.

وی افزود: نتیجه این صحبت این شد که همان شب ـ نه ۳۰ روز بعد ـ محاصره را برداشتند و ترامپ توئیت زد و گفت ما امشب محاصره را برمی‌داریم و زیر توئیت هم نوشت البته ایرانی‌ها هم تنگه هرمز را باز خواهند کرد.

رئیس مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: وقتی

این توئیت را دیدم، جلوی آن را گرفتم و اعلام کردم چنین توافقی نداریم و به میانجی‌ها گفتم این توئیت اگر الان برداشته نشود، می‌زنیم. ۵۸ دقیقه بعد ترامپ بخش دوم توئیت درباره تنگه هرمز را برداشت و نوشت تنگه هرمز در چارچوب تفاهم‌نامه از روز شنبه باز می‌شود؛ این نوع مذاکره یعنی مبارزه.

قالیباف یادآور شد: از سال ۱۳۶۴ درگیر مباحث لبنان‌ام و با لبنان عجین شده‌ام، حتی قبل از اینکه شهید سلیمانی فرمانده نیروی قدس شود. تک‌تک این بچه‌هایی که شهید شده‌اند را می‌شناختم و با آنها دوست صمیمی بودم و در همین زمان هم با بچه‌های خط آنجا تماس دارم.

وی تاکید کرد: برادران عزیز، ما جبهه مقاومت را در ماده یک آن تفاهمنامه آورده‌ایم. من این‌ها را نمی‌خواهم بگویم؛ بروید ماده یک تفاهمنامه را نگاه کنید. ما آمدیم حاکمیت لبنان، تمامیت ارضی لبنان و جبهه مقاومت را آورده‌ایم.

رئیس مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: در ۱۵ ماده‌ای که ترامپ فرستاده بود، گفته بود موشکی، مقاومت، هسته‌ای و تنگه هرمز؛ این چهارتا را گفت باید ببوسیم و کنار بگذاریم. اما ترامپ پای جبهه مقاومت و رسمیت جبهه مقاومت را به زبان فارسی امضا کرد.

پیامِ پنهان رویکرد جدید کاخ سفید به ایران

یادداشت- سامان مهراد/ در روزهای اخیر شاهد بوده‌ایم که دولت آمریکا به نحو محسوسی به جای تنش‌زایی نظامی علیه ایران، سعی داشته از مسیر اعمال فشار اقتصادی و به طور خاص محاصره دریایی، به دستورکارهای خود علیه کشورمان، جامه عمل بپوشاند. این در حالی است که این رویکردِ جدید، برآمده از وضعیت و البته چشم‌اندازهای ادعایی است که ادراک آن ها از اهمیت زیادی برخوردار است.

دولت آمریکا در میدان جنگ افروزی نظامی علیه ایران به بن‌بست کامل رسیده و این ادراک در نهادها و چهره‌های تصمیم‌ساز این کشور به یک باور عمیق تبدیل شده که ایران از رهگذر جنگ و درگیری نظامی، تسلیم نخواهد شد. از این رو، شکست آمریکا در میدان جنگ افروزی علیه ایران بوده که آن را به سمت اتخاذ رویکردی تازه علیه کشورمان سوق داده است. جنگ روانی ترامپ با محوریت ارزش پول ملی در ایران یا آنچه رسانه‌های غربی و معاند در مورد قیمت سوخت و فشارهای اقتصادی در کشورمان بیان می کنند، همه و همه در این راستا قابل درک است.

مساله دیگر اینکه ترامپ و تیم متحدش در قدرت، ظرفیت جنگ‌افروزی جدید علیه ایران را ندارند. اکنون بخش زیادی از پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه از مدار فعالیت خارج شده اند، وضعیت ذخیره موشک های پدافندی آمریکا به هیچ وجه خوب نیست، گزینه تجاوز زمینی به خاک ایران با توجه به تلفات نیروهای آمریکایی از احتمال چندانی جهت تحقق برخوردار نیست و اساسا مردم آمریکا نیز طبق نظرسنجی های مختلف اقبالی به جنگ افروزی بیشتر علیه ایران ندارند. مجموع این مسائل، ماجراجویی نظامی جدید دولت آمریکا علیه ایران را به یک قمار به مراتب بزرگتر از آنچه در جریان جنگ رمضان شاهد بودیم تبدیل کرده است. همچنانکه منابع سیاسی و نظامی در ایران نیز هشدار داده اند که پاسخ ایران به هرگونه تجاوز جدید به کشورمان، بسیار تهاجمی‌تر و گسترده‌تر از قبل خواهد بود.

ترامپ و متحدانش سعی دارند هرطور که شده ناامنی داخلی در ایران را کلید بزنند و محرک اصلی این موضوع را نیز مسائل اقتصادی و معیشتی مردم می دانند. آن ها از رهگذر محاصره دریایی و فشار اقتصادی بر مردم ایران سعی دارند هم عرصه را بر مردم کشورمان تنگ کنند و هم به زعم خودشان بسترهای مساعدی را فراهم کنند و دولت در ایران را به نقطه ای برسانند که نتواند نیازهای مردم را رفع کند. درست در همین نقطه است که دستگاه های دولتی و حکمرانی در کشورمان باید حد نهایتِ کارایی خود را نشان دهند و البته که مردم نیز در نهایتِ هوشیاری باشند.

اطلاعیه روزنامه گویه

از آنجایی که مطبوعات و رسانه ها پل ارتباطی بین مردم و مسئولان محسوب می شوند، روزنامه گویه بر پایه همین رسالت، در نظر دارد ستون { تریبون شهروندان } خویش را مجددا فعال نماید. تا بر اساس آن مردم بتوانند مشکلات، پیشنهادات و انتقادات خویش را با مقامات ارشد استان در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و شهری با مسئوولان در میان بگذارند. مقامات مسئوول هم می‌توانند بر پایه مطالب مطرح شده پاسخ های لازم را داده و در اختیار گویه قرار دهند تا در همین ستون چاپ و به اطلاع مردم برسد. از این رو روزنامه گویه شبکه مجازی ایتا را برای این منظور برگزیده است. مسئول این بخش در روزنامه گویه هر مطلبی که مستدل، مستند و همراه با مدارک و آدرس صحیح باشد را منتشر خواهد کرد و پاسخی که مسئوولان در اختیار روزنامه گویه قرارمی دهند نیز در همین ستون منعکس خواهد شد. امید است این ستون مورد استقبال مردم و مسئوولان قرار گیرد تا با این تعامل، اندکی از مشکلات و آلام احتمالی مردم کاهش یابد. شماره مورد نظر در ایتا به قرار زیر می باشد. ۰۹۱۲۲۵۲۴۶۳۸

خبـــر

روانبخش نماینده مردم قم در مجلس:

اختصاص یک همت به تکمیل آزادراه شهید سلیمانی در قم ضروری است

نماینده مردم قم در مجلس خواستار تعیین تکلیف اختصاص درآمد عوارض آزادراه قم-تهران به طرح آزادراه شهید سلیمانی و تخصیص دست‌کم یک همت از اعتبارات ۱۲ همتی بزرگراه‌های کشور برای این پروژه شد.
حجت الاسلام والمسلمین قاسم روانبخش ظهر شنبه در گفتگو با خبرنگاران با اشاره به ضرورت استمرار عملیات اجرایی آزادراه شهید سلیمانی، بر لزوم تأمین منابع مالی مورد نیاز این پروژه تأکید کرد و خواستار اختصاص سهم بیشتری از اعتبارات حوزه بزرگراهی کشور به این طرح شد.
نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: فاز نخست آزادراه شهید سلیمانی به طول ۲۰ کیلومتر به بهره‌برداری رسیده و عملیات اجرایی فاز دوم نیز آغاز شده است اما محدودیت منابع مالی موجب ایجاد مشکل در روند اجرای پروژه شده و عملیات آن در مقطعی متوقف شده است.
وی افزود: با توجه به اهمیت آزادراه شهید سلیمانی برای استان قم، تأمین اعتبار مورد نیاز این پروژه باید با سرعت بیشتری دنبال شود تا روند اجرایی آن دچار وقفه نشود و زمینه برای تکمیل طرح فراهم شود.
روانبخش با اشاره به اعتبارات اختصاص‌یافته به پروژه‌های بزرگراهی کشور تصریح کرد: از مجموع ۱۲ همت اعتبار در نظر گرفته شده برای بزرگراه‌های کشور، سهم آزادراه شهید سلیمانی حدود ۱۳۰ میلیارد تومان بوده است و در حالی که پروژه‌های دیگر نیز از این منابع برخوردار شده‌اند، انتظار می‌رود سهم این پروژه افزایش یابد.
نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: انتظار ما این است که دست‌کم یک همت از مجموع ۱۲ همت اعتبارات بزرگراه‌های کشور به آزادراه شهید سلیمانی اختصاص پیدا کند تا عملیات اجرایی این پروژه متوقف نشود.
وی ادامه داد: اختصاص این میزان اعتبار می‌تواند به استمرار عملیات اجرایی آزادراه شهید سلیمانی کمک کند و از ایجاد وقفه بیشتر در مسیر تکمیل پروژه جلوگیری کند.
روانبخش همچنین بر ضرورت تعیین تکلیف هرچه سریع‌تر موضوع اختصاص درآمد حاصل از عوارض آزادراه قم-تهران به پروژه آزادراه شهید سلیمانی تأکید کرد و گفت: این موضوع از حدود هفت تا هشت ماه پیش مطرح و پیگیری شده و در نهایت با تلاش مسئولان مربوط، چند روز قبل حدود ۳۵ میلیارد تومان از این محل به پروژه اختصاص یافته است.
وی از تلاش‌های انجام‌شده برای تأمین بخشی از منابع مالی پروژه قدردانی کرد و افزود: در این زمینه آقایان بازوند، اکبری و دیگر مسئولان پیگیری‌هایی انجام داده‌اند که اختصاص این مبلغ نتیجه همین اقدامات بوده است.
نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود از عملکرد مجموعه راه و شهرسازی استان قم در حوزه مسکن تقدیر کرد و گفت: اقدامات انجام‌شده در این حوزه قابل تقدیر است و پیشرفت طرح‌های مسکن استان به بیش از ۹۰ درصد رسیده است.
وی در ادامه با تأکید بر ضرورت استمرار پیگیری‌ها برای تأمین منابع آزادراه شهید سلیمانی خاطرنشان کرد: دولت تاکنون منابع کافی برای تکمیل این پروژه اختصاص نداده است و لازم است تأمین اعتبار آن با جدیت بیشتری دنبال شود.
نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: با توجه به اهمیت آزادراه شهید سلیمانی برای استان قم و نقشی که این پروژه در توسعه شبکه حمل‌ونقل دارد، باید روند تأمین اعتبار و اجرای آن با سرعت بیشتری دنبال شود تا زمینه تکمیل و بهره‌برداری هرچه سریع‌تر از این طرح فراهم شود.

رئیس کل دادگستری قم:

ساعدی‌نیا متعهد شده هیچ کافه‌ای درکشور نداشته باشد

رئیس کل دادگستری استان قم از تعهد ساعدی‌نیا برای نداشتن کافه در هیچ نقطه‌ای از کشور خبر داد و بر پیگیری جدی مسائل فرهنگی و اجتماعی تأکید کرد.
حجت‌الاسلام والمسلمین سیدکاظم موسوی رئیس کل دادگستری استان قم در نشستی با مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه با قدردانی از خدمات اصحاب رسانه اظهار کرد: از خدمات ارزشمند اصحاب رسانه کمال تشکر را داریم؛ رهبر معظم انقلاب و رئیس قوه قضائیه تأکیدات بسزایی بر نقش رسانه‌ها داشته‌اند.
رئیس کل دادگستری استان قم افزود: باید نسبت به خبرهای خوب قم توجه داشته باشیم و امیدواریم خبرهای خوب از قم منتشر شود؛ قم شهری است که جامع ملیت‌های مختلف است و به دلیل جایگاه مذهبی و حوزوی خود، مسائل مربوط به آن مورد توجه قرار می‌گیرد و در سالهای اخیر، جرائم مرتبط با مسائل اخلاقی و اجتماعی به شدت کاهش یافته است.
حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی بر ضرورت انتشار اخبار امیدوارکننده تأکید کرد و گفت: نیاز است خبرهای امیدوارکننده را منتشر کنیم.
رئیس کل دادگستری استان قم افزود: باید خبرهایی که با سلامت جامعه ارتباط دارد و همچنین خبرهایی که موجب امیدواری مردم می‌شود، از سوی خبرگزاری‌ها منتشر شود.
رئیس کل دادگستری استان قم با تأکید بر ضرورت تمرکز رسانه‌ها بر مسائل شهر قم گفت: بیشتر تمرکز ما باید در قم باشد و معضلات و مناطق مختلف قم مورد بررسی قرار گیرد. باید خوبی‌ها را برجسته کرد و با اندکی کار رسانه‌ای و مطالبه‌گری اجتماعی می‌توان معضلات فرهنگی و دیگر آسیب‌های اجتماعی را تا حد قابل توجهی کاهش داد.
حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی در بخش دیگری از سخنان خود به موضوع کافه‌های ساعدی‌نیا اشاره کرد و گفت: ساعدی‌نیا تعهد داده که هیچ کافه‌ای در هیچ جای کشور نداشته باشد.

دو ماه سرنوشت‌ساز برای زیرزمین قم

مترو قم در پیچ آخر؛ تکلیف پردیسان روشن می‌شود

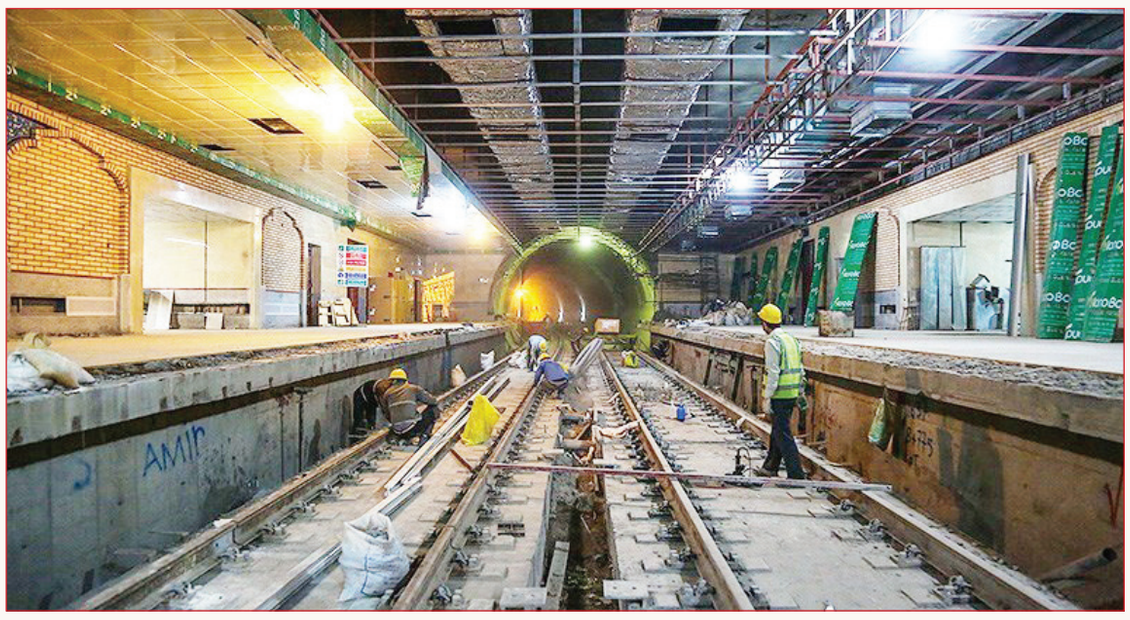

اکبر بهنام‌جو، استاندار قم، در برنامه زنده رادیویی «بدون تعارف»، فصل جدیدی از تصمیم‌گیری‌های حساس را بازگشایی کرد. وی با اشاره به اینکه مطالعات اولیه برای ادامه مسیر مترو به سمت منطقه پردیسان به پایان رسیده، تاکید کرد که استان در آستانه یک تصمیم سرنوشت‌ساز است.

اختصاصی «گویه»/ در حالی که توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی، کلید گشایش گلوگاه‌های ترافیکی در استان قم محسوب می‌شود، پروژه خط یک متروی قم همچنان در میانه مسیر، با دو چالش بزرگ «تعیین تکلیف مسیر به سمت پردیسان» و «تامین منابع مالی پایدار» دست‌وپنجه نرم می‌کند. اکبر بهنام‌جو، استاندار قم، با اعلام بازه زمانی دو ماهه برای نهایی کردن مسیر مترو، بار مسئولیت سنگینی را بر دوش مدیران اجرایی گذاشته است؛ مسیری که اگر با پشتوانه مالی قدرتمند همراه نشود، تنها به وعده‌های بی‌پایان در سایه گردوغبار و بن‌بست‌های بودجه‌ای خواهد ماند.

بحران زیرساخت در استان قم

استان قم، به عنوان قطب علمی و مذهبی کشور، بیش از هر زمان دیگری با فشار جمعیت و گسترش حاشیه‌ای شهر روبروست. این گسترش، نیاز به سیستم حمل‌ونقل مدرن را از یک «رفاه» به یک «ضرورت زیستی» تبدیل کرده است. اما در میان انبوه پروژه‌های عمرانی، پروژه متروی قم، نماد توسعه‌ای است که میان «طرح‌های مهندسی» و «واقعیت‌های اقتصادی» گرفتار شده است.

بخش اول: بازگشایی گره‌های فنی؛ پردیسان در کانون تصمیم‌گیری

اکبر بهنام‌جو، استاندار قم، در برنامه زنده رادیویی «بدون تعارف»، فصل جدیدی از تصمیم‌گیری‌های حساس را بازگشایی کرد. وی با اشاره به اینکه مطالعات اولیه برای ادامه مسیر مترو به سمت منطقه پردیسان به پایان رسیده، تاکید کرد که استان در آستانه یک تصمیم سرنوشت‌ساز است.

طبق اظهارات استاندار، گزینه‌های مختلف فنی پیش روی مدیران قرار دارد و طی یک تا دو ماه آینده، با بررسی دقیق مزایا و معایب هر مسیر، گزارش نهایی به استات‌کمی و اجرایی ارائه خواهد شد. این یعنی پروژه مترو پس از مدت‌ها بلاتکلیفی، قرار است از مرحله «بررسی مطالعات» به مرحله «تعیین نقشه اجرایی» عبور کند. اما سوال اصلی اینجاست: آیا تعیین مسیر، پایان بحران است یا آغاز یک چالش جدید؟

بخش دوم: چالش بودجه؛ وقتی «پول» جای خالی مهندسی را پر می کند

اگر مهندسان بتوانند بهترین مسیر را برای رسیدن به پردیسان ترسیم کنند، واقعیت تلخ این است که بدون «جریان مالی»، این نقشه‌ها تنها روی کاغذ باقی خواهند ماند. استاندار قم با صراحتی بی‌سابقه، ریشه‌ی اصلی توقف یا کندی پیشرفت فیزیکی مترو را در «عدم تامین منابع مالی پایدار برای شهرداری» دانست.

تحلیلگران حوزه مدیریت شهری معتقدند که پروژه‌های کلان مترو، برخلاف پروژه‌های لایه سطحی، نیاز به بودجه‌های چندساله و تضمین‌شده دارند. بهنام‌جو تاکید کرد که بدون تامین اعتبار جدید، اتصال خط یک به پردیسان عملاً غیرممکن خواهد بود. این سخنان نشان می‌دهد که مدیریت استان، بیش از آنکه با چالش «دانش فنی»، با چالش «قدرت خرید و مدیریت منابع» روبرو باشد.

نگاهی به آرای مدیران و مسئولین (تحلیل و استناد)

در بررسی‌های پیشین، مدیران شهری و مسئولین ذی‌ربط در استان قم همواره بر این نکته تاکید داشته‌اند که تمرکز بر پروژه‌های مقطعی، مانع از تحقق برنامه‌ریزی استراتژیک شده است. در حالی که استانداری بر لزوم پیگیری از سوی دولت و وزارتخانه‌ها تاکید دارد، برخی از مدیران میانی معتقدند که «عدالت در تخصیص بودجه‌های عمرانی» میان شهرداری و ستادهای دولتی، باید بازنگری شود.

تعیین تکلیف خط دوم مترو نیز، اگرچه در لایه‌های فنی در حال بررسی است، اما همواره با پرسش‌های جدی در مورد «هماهنگی با طرح‌های جامع شهری» روبرو بوده است. مسئولان ذی‌ربط بر این باورند که خط دوم نباید صرفاً تکرار خط اول باشد، بلکه باید با نگاهی به الگوی «حکمرانی جمعیت» و کاهش ترافیک در محورهای اصلی، طراحی شود.

فراتر از مترو؛ مهار گردوغبار و امنیت آب

استاندار قم در سخنان خود، مترو را تنها از میان نبُرد. او به دو بحران دیگر استان، یعنی «گردوغبار» و «امنیت آب»، اشاره کرد که با هم پیوندی استراتژیک دارند. وی اعلام کرد که عملیات اجرایی مهار کانون‌های گردوغبار در بیش از هزار هکتار از اراضی آغاز شده است.

نکته حائز اهمیت در این میان، استفاده از «پساب» برای تأمین آب این طرح است. بهنام‌جو با اشاره به پایان مطالعات خط انتقال آب، تاکید کرد که اجرای این پروژه با همکاری وزارت نیرو و با تکیه بر ظرفیت بازچرخانی آب دنبال می‌شود. این یعنی استان قم در تلاش است تا با استفاده از «اقتصاد چرخشی»، بحران‌های محیط‌زیستی خود را مدیریت کند.

فرودگاه قم؛ امید به دهه فجر

در بخش دیگری از برنامه‌ریزی‌های عمرانی، فرودگاه قم با چشم‌اندازی کوتاه مدت‌تر، در مرحله عملیاتی قرار دارد. استاندار وعده داد که عملیات آسفالت باند در هفته دولت آغاز شده و ترمینال فرودگاه نیز در مرحله پیمانکاری است. هدفگذاری برای بهره‌برداری از فرودگاه در «دهه فجر سال آینده»، نشان‌دهنده فشار زمانی برای تکمیل زیرساخت‌های پروازی استان است.

در انتظار عملیات، نه فقط تصمیمات

استان قم در مسیر تحولات زیرساختی قرار دارد؛ از زیرزمین‌های مترو گرفته تا آسمان فرودگاه و خاک‌های مهار شده در برابر گردوغبار. اما تجربه نشان داده است که «تصمیم‌گیری» بدون «تامین بودجه» و «اجرای دقیق»، تنها منجر به افزایش انتظارات عمومی و ناامیدی می‌شود. دو ماه آینده، نه تنها تکلیف مسیر مترو به پردیسان را روشن می‌کند، بلکه آزمونی خواهد بود برای مشخص شدن توان اجرایی و مالی دولت و مدیریت استان در مواجهه با پروژه‌های استراتژیک.

معاون استاندار قم:

شهر نوآوری قم در پهنه ۱۰۰ هکتاری پشت کوه خضر جانمایی شد

معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری قم از جانمایی اولیه شهر نوآوری قم در پهنه‌ای حدود ۱۰۰ هکتاری در حوالی پشت کوه خضر خبر داد.

روح‌الله ابراهیمی پیش از ظهر شنبه در گفتگو با خبرنگاران با اشاره به روند شکل‌گیری طرح راهبردی ایجاد شهر نوآوری در قم اظهار کرد: ایده اولیه ایجاد این مجموعه بزرگ از زمان دولت سیزدهم مطرح شد، اما به دلیل برخی مسائل در آن مقطع به مرحله عملیاتی نرسید.

معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری قم افزود: در ماه‌های اخیر با تغییر رویکردها و تأکید ویژه مدیریت استان، این موضوع با جدیت و شتاب بیشتری دنبال شده است.

وی ادامه داد: طی سه تا چهار ماه گذشته جلسات متعددی با حضور استاندار قم برگزار شده و بهنام‌جو شخصاً بر اجرای این طرح تأکید داشته و پیگیری‌های لازم برای پیشبرد ابعاد ملی پروژه و اخذ مجوزهای مربوطه را هدایت کرده است.

ابراهیمی با تشریح مختصات جغرافیایی این طرح گفت: پس از انجام بررسی‌های کارشناسی، جانمایی اولیه شهر نوآوری قم در محدوده‌ای حدود ۱۰۰ هکتاری در حوالی پشت کوه خضر نهایی شده است.

وی افزود: این پهنه پیشنهادی پس از ارزیابی‌های اولیه انتخاب شده و در حال حاضر مراحل قانونی برای بررسی و تصویب نهایی آن در مراجع ذی‌ربط در حال انجام است.

معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری قم با اشاره به کارکردهای شهر نوآوری قم تصریح کرد: این مجموعه با تمرکز ویژه بر اقتصاد دیجیتال طراحی شده است، اما در کنار بخش فناوری و نوآوری، ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز در طراحی آن مورد توجه قرار گرفته است.

وی ادامه داد: در الگوی پیشنهادی، مسجد به عنوان یکی از محورهای اصلی و در کانون این ساختار پیش‌بینی شده است تا میان سبک زندگی و فعالیت‌های نوین پیوند ایجاد شود.

ابراهیمی با تشریح طرح جامع شهر نوآوری قم اظهار کرد: تلاش شده است فعالیت‌های مرتبط با فناوری، نوآوری و کسب‌وکارهای دانش‌بنیان در کنار کاربری‌های مسکونی و تجاری قرار گیرد تا مجموعه‌ای با کارکردهای متنوع و مرتبط شکل بگیرد.

وی هدف اصلی این طرح را فراهم‌کردن محیطی مناسب برای شکل‌گیری و توسعه فعالیت‌های نوآورانه دانست و افزود: در این الگو تلاش شده است میان محل سکونت، محل کسب‌وکار و زیرساخت‌های فناوری پیوندی عمیق ایجاد شود.

معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری قم خاطرنشان کرد: جزئیات فنی و ساختار نهایی این طرح در حال جمع‌بندی است و پس از پایان مراحل کارشناسی و قانونی، اطلاعات دقیق‌تر درباره ابعاد عملیاتی و نحوه اجرای پروژه اعلام خواهد شد.

وی ابراز امیدواری کرد با نهایی‌شدن و عملیاتی شدن این طرح، شهر نوآوری قم به یکی از پیشران‌های توسعه استان در حوزه اقتصاد دیجیتال تبدیل شود و با حمایت از کسب‌وکارهای نوآور، زمینه مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار در استان فراهم کند.

۳۴ هزار واحد نهضت ملی مسکن قم برق رسانی شد

معاون مهندسی شرکت توزیع نیروی برق قم از تداوم بازدیدهای میدانی و پیگیری ویژه برای رفع موانع اجرایی برق‌رسانی به سایت‌های ۳۰ هزار واحدی پرنیان و چهار هزار واحدی طایقان خبر داد.

یونس بابامرادی با اشاره به اهمیت تأمین برق پایدار برای پروژه‌های نهضت ملی مسکن در این استان اظهار کرد: با توجه به اهمیت ویژه برق‌رسانی به سایت ۳۰ هزار واحدی پرنیان و چهار هزار واحدی طایقان، هدف اصلی ما تسهیل در روند اجرای شبکه برق و تأمین برق واحدهای در حال تحویل به هم‌استانی‌ها است.

وی افزود: در این راستا، تمامی تیم‌های تخصصی از جمله مجری طرح‌های مسکن ملی و واحدهای طرح و نظارت، با نگاهی ویژه و اولویت‌بندی بالا، در حال انجام وظایف خود هستند تا موانع اجرایی در کمترین زمان ممکن مرتفع شود.

معاون مهندسی شرکت توزیع نیروی برق قم، پیگیری مستمر میدانی، هماهنگی میان واحدهای تخصصی و رفع سریع موانع اجرایی را از محورهای اصلی این فرآیند عنوان کرد و گفت: روند اقدامات تا تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز و برق‌رسانی به واحدهای آماده تحویل، با جدیت دنبال خواهد شد.

وی افزود: تعهد ما، خدمت به هم‌استانی‌ها و پیشبرد پروژه‌های تأمین برق نهضت ملی مسکن استان است.

خبـــر

معاون اداره کل حفاظت محیط زیست استان:

کاهش منابع آبی می‌تواند آینده دریاچه نمک قم را تحت تأثیر قرار دهد

معاون محیط زیست طبیعی اداره کل حفاظت محیط زیست استان قم گفت: کاهش منابع آبی و تشدید خشکسالی می‌تواند حیات دریاچه نمک و امنیت و سلامت مردم مرکز کشور را تحت تأثیر قرار دهد.
اسماعیل احمدیزاده بعدازظهر جمعه در جریان بازدید مشترک کارشناسان ادارات کل حفاظت محیط زیست استان‌های قم و اصفهان از دریاچه نمک قم اظهار کرد: این پهنه آبی از زیست‌بوم‌های حساس منطقه به شمار می‌رود و وضعیت آن از منظر حفاظت محیط زیست و پایداری شرایط طبیعی منطقه اهمیت ویژه‌ای دارد.
معاون محیط زیست طبیعی اداره کل حفاظت محیط زیست استان قم، مسئولیت حفاظت از این زیست‌بوم را نیازمند توجه همزمان به ابعاد زیست‌محیطی و نحوه مدیریت منابع آب دانست و افزود: تداوم حیات دریاچه نمک باید در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با منابع آبی و فعالیت‌های توسعه‌ای پیرامون این منطقه مورد توجه قرار گیرد.
وی با اشاره به استمرار شرایط خشکسالی و کاهش منابع آبی در این تالاب خاطرنشان کرد: ادامه روند کاهش آب می‌تواند آثار و پیامدهایی فراتر از محدوده دریاچه داشته باشد و از این رو توجه به شرایط این زیست‌بوم در ارتباط با امنیت و سلامت مردم در مرکز کشور ضروری است.
احمدیزاده تصریح کرد: دریاچه نمک قم تنها یک پهنه طبیعی نیست، بلکه از منظر زیست‌محیطی نیز دارای اهمیت قابل توجهی است و هرگونه تصمیم‌گیری درباره منابع و فعالیت‌های مرتبط با این منطقه باید با در نظر گرفتن ظرفیت‌های طبیعی و حساسیت‌های زیست‌بوم انجام شود.
توسعه نباید به زیست‌بوم آسیب بزند
وی با تأکید بر ضرورت بهره‌برداری متناسب با توان اکولوژیک منطقه گفت: فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی در محدوده اثرگذار بر دریاچه نمک باید به گونه‌ای مدیریت شود که ساختار طبیعی و کارکردهای زیست‌محیطی این پهنه حساس دچار آسیب نشود.
معاون محیط زیست طبیعی اداره کل حفاظت محیط زیست استان قم افزود: بهره‌برداری اصولی از ظرفیت‌های منطقه زمانی می‌تواند تداوم داشته باشد که ملاحظات زیست‌محیطی در آن لحاظ شود و فعالیت‌های انسانی به تخریب جبران‌ناپذیر این زیست‌بوم منجر نشود.
احمدیزاده با اشاره به اهمیت جلوگیری از تبدیل پهنه‌های طبیعی به کانون‌های گرد و غبار اظهار کرد: تضعیف شرایط طبیعی دریاچه نمک می‌تواند زمینه را برای شکل‌گیری کانون‌های گرد و غبار فراهم کند و از همین رو حفظ پایداری آن باید مورد توجه جدی قرار گیرد.
وی ادامه داد: کاهش منابع آبی و تشدید خشکسالی از جمله عواملی است که می‌تواند شرایط زیست‌محیطی دریاچه نمک را تحت تأثیر قرار دهد و مقابله با پیامدهای این روند، نیازمند اتخاذ رویکردی جامع در مدیریت منابع آب و فعالیت‌های توسعه‌ای است.
حیات دریاچه به مدیریت جامع نیاز دارد
معاون محیط زیست طبیعی اداره کل حفاظت محیط زیست استان قم خاطرنشان کرد: استمرار حیات دریاچه نمک قم نیازمند آن است که تصمیمات مربوط به مدیریت منابع آب در منطقه با توجه به ملاحظات زیست‌محیطی و ظرفیت طبیعی این زیست‌بوم اتخاذ شود.
احمدیزاده همچنین بر اهمیت توجه به آثار فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی بر ساختار طبیعی دریاچه تأکید کرد و گفت: فعالیت‌های توسعه‌ای نباید به گونه‌ای پیش برود که کارکردهای طبیعی و زیست‌محیطی این پهنه ارزشمند را با آسیب‌های جبران‌ناپذیر مواجه کند.
وی افزود: حفظ شرایط طبیعی دریاچه نمک و جلوگیری از تشدید روند تخریب آن، از جمله موضوعاتی است که باید در برنامه‌ریزی‌های مرتبط با منطقه مورد توجه قرار گیرد تا زمینه برای تداوم حیات این زیست‌بوم حساس فراهم باشد.

بازگشت مسافران ترافیک قم را در برخی محورها نیمه‌سنگین کرد

جانشین فرمانده انتظامی استان قم از حاکم بودن ترافیک نیمه‌سنگین و روان در برخی محورهای مواصلاتی استان همزمان با بازگشت مسافران پس از پایان تعطیلات ماه صفر خبر داد.
سرهنگ منوچهر نصیری عصر جمعه در گفتگو با خبرنگاران با اشاره به وضعیت تردد در محورهای مواصلاتی استان قم اظهار کرد: با پایان یافتن تعطیلات ماه صفر و آغاز موج بازگشت مسافران، در برخی مسیرهای استان شاهد افزایش حجم تردد و شکل‌گیری ترافیک نیمه‌سنگین هستیم که جریان حرکت خودروها در این محورها همچنان روان است.
وی افزود: با وجود افزایش ترددها در برخی محورهای ارتباطی قم، تاکنون هیچ حادثه پرخطر و همچنین هیچ موردی از مسدود شدن محورهای مواصلاتی استان گزارش نشده است.
جانشین فرمانده انتظامی استان قم ادامه داد: مدیریت و کنترل مناسب ترددها در محورهای استان در کنار همراهی و همکاری مطلوب مردم و رانندگان، از عوامل مؤثر در حفظ جریان عبور و مرور و پیشگیری از بروز مشکلات جدی در مسیرهای مواصلاتی بوده است.
نصیری با تأکید بر ضرورت توجه جدی رانندگان به اصول ایمنی در زمان بازگشت از سفر گفت: رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی و توجه به شرایط مسیر، به ویژه در زمان افزایش حجم ترددها، نقش مهمی در کاهش احتمال وقوع حوادث رانندگی دارد.
رعایت فاصله طولی ضروری است
وی افزود: رانندگان باید ضمن بستن کمربند ایمنی، فاصله طولی مناسب با خودروی مقابل را حفظ کنند و از هرگونه شتاب‌زدگی و رفتارهای پرخطر در هنگام رانندگی پرهیز داشته باشند.
جانشین فرمانده انتظامی استان قم ادامه داد: رعایت قوانین و مقررات رانندگی تنها محدود به زمان‌های پرتردد نیست و لازم است رانندگان در تمام طول مسیر نسبت به حفظ ایمنی خود و سایر استفاده‌کنندگان از راه توجه داشته باشند.
نصیری با اشاره به اهمیت آمادگی جسمی رانندگان در سفرهای جاده‌ای اظهار کرد: خستگی و خواب‌آلودگی می‌تواند تمرکز راننده را کاهش داده و زمینه‌ساز بروز حوادث شود بنابراین نباید ادامه مسیر در چنین شرایطی به قیمت به خطر افتادن جان سرنشینان و سایر کاربران جاده انجام شود.
وی تأکید کرد: رانندگانی که در طول مسیر احساس خستگی یا خواب‌آلودگی می‌کنند، باید در نخستین فرصت در محلی امن توقف کرده و پس از استراحت و بازیابی توان جسمی خود، سفر را ادامه دهند.

سازمان آگهی‌های روزنامه گویه
تلفن: ۰۹۱۸۴۴۸۰۴۰۲

تست اعصاب و روان توانیر از مردم؛

خاموشی‌های بی‌اطلاع تا کجا ادامه دارد

اگر قرار باشد برای سنجش میزان صبر و تحمل مردم یک آزمون طراحی شود، ظاهراً توانیر و وزارت نیرو نسخه تازه‌ای از آن را در تهران اجرا کرده‌اند؛ آزمونی که این بار نه پرسشنامه دارد، نه زمان مشخص و نه حتی اطلاع‌رسانی.

در منطقه سنایی تهران، از ساعت ۱۲:۳۰ ظهر روز شنبه تا حدود ۱۷، برق چندین بار قطع شد و هر بار نیز خاموشی‌ها مدت قابل توجهی ادامه داشت؛ آن هم در شرایطی که در اپلیکیشن «برق من» خبری از برنامه خاموشی یا اطلاع‌رسانی مشخص درباره این قطعی‌های پی‌درپی وجود نداشت. نتیجه، چیزی فراتر از خاموش شدن چند لامپ بود؛ اختلال در کسب‌وکارها، آسیب به تجهیزات الکترونیکی، برهم خوردن فعالیت مراکز درمانی و تحمیل خسارت به مردمی که حتی نمی‌دانند قطعی بعدی چه زمانی از راه می‌رسد.

ماجرا وقتی عجیب‌تر می‌شود که بدانیم خاموشی برنامه‌ریزی‌شده، اگر با اطلاع‌رسانی درست انجام شود، هرچند برای مردم آزاردهنده است، اما دست‌کم امکان مدیریت آن وجود دارد. یک مغازه‌دار می‌تواند تجهیزات حساس خود را خاموش کند، یک شرکت می‌تواند جلسات و فعالیت‌هایش را جابه‌جا کند، یک رسانه می‌تواند تجهیزاتش را از مدار خارج کند و حتی یک خانواده می‌تواند برای چند ساعت خودش را آماده کند. اما وقتی برق بدون اطلاع قبلی قطع می‌شود و دوباره وصل می‌شود و باز چند ساعت بعد همان اتفاق تکرار می‌شود، دیگر صحبت از مدیریت مصرف نیست؛ صحبت از غافلگیر کردن مردم است.

امروز در منطقه سنایی تهران دقیقاً همین اتفاق رخ داده است. از حدود ساعت ۱۲:۳۰ ظهر تا ۱۷، چهار مرتبه قطعی برق گزارش شده که هر کدام تقریباً دو ساعت ادامه داشته است. در چنین شرایطی، اولین سؤال کاملاً روشن است: اگر این قطعی‌ها برنامه‌ریزی‌شده بوده‌اند، چرا اطلاع‌رسانی نشده‌اند؟ و اگر برنامه‌ریزی‌شده نبوده‌اند و منشأ فنی داشته‌اند، چرا حداقل اطلاع‌رسانی درباره اختلال انجام نشده است؟

مردم قرار نیست متخصص شبکه برق باشند که از روی خاموش شدن چندباره برق تشخیص دهند مشکل از پست برق است، کابل آسیب دیده، شبکه دچار اضافه‌بار شده یا مدیریت بار در حال انجام است. این وظیفه دستگاه متولی است که وضعیت شبکه را به مردم توضیح دهد.

اپلیکیشن «برق من» دقیقاً برای همین ساخته شده است؛ قرار نیست یک برنامه تزئینی روی تلفن همراه مردم باشد. وقتی قرار است مردم برای خاموشی‌ها برنامه‌ریزی کنند، انتظار بدیهی این است که اطلاعات مربوط به خاموشی در اختیارشان قرار بگیرد. اگر قرار نیست اطلاعات دقیق و به‌روز ارائه شود، اساساً فلسفه چنین سامانه‌ای زیر سؤال می‌رود.

اما مشکل اصلی حتی خود خاموشی نیست؛ مشکل، بی‌خبری است.

خاموشی دو ساعته‌ای که از قبل اعلام شده باشد، یک مشکل است. خاموشی دو ساعته‌ای که بدون اطلاع قبلی اتفاق بیفتد، دوباره برق وصل شود و چند ساعت بعد مجدداً قطع شود، مسئله‌ای کاملاً متفاوت است. این مدل قطعی برق عملاً زندگی روزمره را مختل می‌کند و مردم را در شرایطی قرار می‌دهد که هیچ امکان برنامه‌ریزی برای ساده‌ترین امور خود ندارند.

در منطقه‌ای مانند سنایی و محدوده خیابان مطهری، موضوع حساس‌تر از یک محله مسکونی معمولی است. این محدوده تنها محل زندگی مردم نیست و مجموعه‌ای از مراکز اداری، تجاری، دفاتر، مطب‌ها و مراکز درمانی در آن فعالیت می‌کنند. هر قطعی طولانی برق می‌تواند برای یک مرکز درمانی به معنای اختلال در روند عادی فعالیت باشد. بیمارستان و مرکز درمانی نمی‌تواند به بیمار بگوید «برق رفت، دو ساعت بعد برگردید»؛ تجهیزات پزشکی، سامانه‌های رایانه‌ای، آسانسورها، سیستم‌های تهویه و ده‌ها زیرساخت دیگر به برق پایدار وابسته هستند.

حتی اگر مراکز درمانی از ژنراتور اضطراری استفاده کنند، این مسئله مسئولیت شرکت برق را از بین نمی‌برد. ژنراتور برای شرایط اضطراری است، نه اینکه شبکه برق شهری هر چند ساعت یک بار بدون اطلاع قطع شود و مراکز درمانی مجبور باشند دائم میان برق شهر و برق اضطراری جابه‌جا شوند.

کسب‌وکارها نیز وضعیت بهتری ندارند. در دنیای امروز تقریباً هیچ دفتر یا مجموعه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که فعالیتش به تجهیزات الکترونیکی وابسته نباشد. رایانه، سرور، مودم، روتر، دستگاه‌های حضور و غیاب، سیستم‌های امنیتی، دوربین‌ها و تجهیزات ذخیره‌سازی اطلاعات، همگی به برق پایدار نیاز دارند.

قطع برق به خودی خود همیشه باعث سوختن تجهیزات نمی‌شود؛ چیزی که می‌تواند خسارت سنگین ایجاد کند، تکرار قطع و وصل و نوسانات هنگام بازگشت برق است. همین اتفاق می‌تواند به پاور رایانه‌ها، مانیتورها، تجهیزات شبکه، سرورها و سایر تجهیزات حساس آسیب بزند.

برای مجموعه‌ای مانند تحریریه و بخش‌های فنی تابناک، این مسئله فقط یک ناراحتی ساده نیست. قطع و وصل‌های مکرر برق می‌تواند خسارت سنگینی به تجهیزات وارد کند و در این مورد نیز آسیب‌های مالی چندصد میلیون تومانی به تجهیزات و رایانه‌ها وارد شده است؛ خسارتی که طبیعتاً کسی آن را در قبض برق مردم محاسبه نمی‌کند، اما برای مجموعه‌ای که فعالیت حرفه‌ای و رسانه‌ای دارد، کاملاً واقعی است.

حالا سؤال اینجاست؛ چه کسی مسئول این خسارت است؟

اگر خاموشی برنامه‌ریزی‌شده بوده، چرا اطلاع‌رسانی نشده است؟ اگر اضطراری بوده، چرا توضیحی درباره علت آن ارائه نمی‌شود؟ اگر مشکل شبکه بوده، چرا مردم باید هزینه ضعف یا اختلال شبکه را با از دست رفتن تجهیزات خود پرداخت کنند؟

اینها سؤال‌های عجیب و غریبی نیستند. حداقل حقوق شهروندی این است که وقتی یک خدمت عمومی قرار است برای چند ساعت قطع شود، مردم بدانند چرا و تا چه زمانی قرار است این اتفاق ادامه داشته باشد.

نمی‌توان از مردم انتظار داشت که مصرف برق خود را مدیریت کنند، اما در مقابل، خود شبکه برق بدون اطلاع‌رسانی و در فواصل کوتاه چندین بار از مدار خارج شود. مدیریت مصرف یک خیابان دوطرفه است. همان‌طور که از مشترک انتظار می‌رود در ساعات اوج مصرف، مصرف خود را کنترل کند، از متولی شبکه نیز انتظار می‌رود شبکه را به شکلی مدیریت کند که کمترین آسیب به زندگی و فعالیت اقتصادی مردم وارد شود.

بدتر از همه این است که این وضعیت به تدریج در حال عادی شدن است. خاموشی اتفاق می‌افتد، مردم غر می‌زنند، برق وصل می‌شود و ماجرا تمام می‌شود؛ چند ساعت بعد دوباره برق می‌رود و باز همان چرخه تکرار می‌شود. انگار قرار است مردم آن‌قدر به قطعی برق عادت کنند که دیگر سؤال نکنند.

اما مردم حق دارند سؤال کنند.

حق دارند بدانند برق چرا قطع شده است. حق دارند بدانند قطعی برنامه‌ریزی‌شده بوده یا اضطراری. حق دارند بدانند چه زمانی برق برمی‌گردد و مهم‌تر از همه، حق دارند بدانند اگر تجهیزاتشان در نتیجه نوسان و قطع و وصل‌های مکرر آسیب دید، مسئولیت جبران خسارت با چه نهادی است.

اینکه شهروندی برای استفاده از برق هزینه پرداخت می‌کند، به این معنا نیست که باید در برابر اختلال در این خدمت عمومی کاملاً بی‌دفاع باشد. اتفاقاً هرچه وابستگی جامعه به برق بیشتر می‌شود، مسئولیت متولی شبکه نیز سنگین‌تر خواهد شد.

امروز دیگر برق فقط برای روشن کردن چراغ خانه نیست. اینترنت، ارتباطات، بانکداری، تولید، حمل‌ونقل، بیمارستان، رسانه، فروشگاه و تقریباً تمام فعالیت‌های اقتصادی به آن وابسته‌اند. یک قطعی چندساعته در سال‌های گذشته شاید صرفاً به معنای خاموش شدن چراغ و روشن کردن شمع بود، اما امروز می‌تواند یک زنجیره کامل از خسارت ایجاد کند.

در چنین شرایطی، اطلاع‌رسانی حداقل کاری است که می‌توان انجام داد.

اگر قرار است خاموشی باشد، بگویید. اگر زمانش تغییر کرده، اعلام کنید. اگر مشکل فنی رخ داده، توضیح دهید. اگر شبکه در شرایط اضطراری قرار گرفته، مردم را در جریان بگذارید. نمی‌شود مردم را در تاریکی گذاشت و بعد از آنها انتظار داشت همه چیز را مدیریت کنند.

توانیر و وزارت نیرو باید پاسخ روشنی درباره وضعیت امروز منطقه سنایی ارائه کنند. مشخص شود این چهار قطعی چه منشأیی داشته‌اند، چرا در سامانه‌های اطلاع‌رسانی اعلام نشده‌اند و چه اقدامی برای جلوگیری از تکرار آنها انجام خواهد شد.

این گزارش درباره اعتراض به خاموشی نیست؛ درباره اعتراض به بی‌خبری است. درباره این است که مردم نباید هر بار با خاموش شدن برق، تازه بفهمند شبکه چه تصمیمی برای آنها گرفته است.

اگر خاموشی بخشی از واقعیت فعلی شبکه برق کشور است، حداقل باید با برنامه، اطلاع‌رسانی و مسئولیت‌پذیری همراه باشد.

وگرنه چیزی که در حال اجراست دیگر مدیریت شبکه برق نیست؛ تست اعصاب و روان توانیر از مردم است.

تراستی‌ها؛ ابزار دور زدن تحریم یا گلوگاه جدید ارزی؟

تراستی‌ها که برای فروش نفت در شرایط تحریم شکل گرفتند، امروز به یکی از گلوگاه‌های اصلی بازگشت ارز بدل شده‌اند.

واژه «تراستی» در سال‌های اخیر از یک اصطلاح تخصصی و کم‌استفاده، به یکی از واژه‌های پرکاربرد در ادبیات اقتصاد تحریم‌زده ایران تبدیل شده است؛ واژه‌ای که در ظاهر، از سازوکاری برای مدیریت دارایی و انجام مأموریت مشخص حکایت دارد، اما در عمل، در اقتصاد ایران به شبکه‌ای از واسطه‌های مالی و تجاری اطلاق می‌شود که مأموریت اصلی آنها فروش نفت، میعانات نفتی و فرآورده‌های پتروشیمی در شرایط انسداد کانال‌های رسمی بانکی بوده است.

ضرورتی که در آغاز، راه‌حلی برای تداوم صادرات و حفظ جریان درآمدی کشور به‌شمار می‌رفت، اما به‌مرور و در غیاب نظارت مؤثر، به یکی از چالش‌های مهم حکمرانی ارزی تبدیل شد.

تراستی چیست و چرا متولد شد؟

تراستی در معنای حقوقی و بین‌المللی، به امین یا واسطه‌ای گفته می‌شود که دارایی یا منبعی را بر اساس مأموریتی مشخص مدیریت می‌کند. اما در تجربه اقتصاد ایران، این مفهوم به کارگزاران و شرکت‌هایی اطلاق شد که در دوره تشدید تحریم‌ها، برای فروش نفت و انتقال منابع حاصل از آن وارد میدان شدند.

در شرایطی که مسیرهای رسمی بانکی بسته بود و امکان تسویه عادی وجود نداشت، استفاده از این شبکه‌ها اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید. با این حال، مشکل از جایی آغاز شد که این ابزار موقت، به مرور زمان به یک قدرت دائمی، غیرشفاف و در مواردی غیرقابل جایگزین تبدیل شد؛ وضعیتی که عملاً زمینه را برای شکل‌گیری رانت، انحصار و سوءاستفاده فراهم کرد.

معمای اعداد؛ واقعاً چقدر ارز بازنگشته است؟

آنچه امروز درباره تراستی‌ها محل بحث است، فقط خود سازوکار آنها نیست، بلکه ارقام بزرگی است که در این پرونده مطرح می‌شود. بر اساس اظهارات رئیس سازمان بازرسی کل کشور، حدود ۱۱ تا ۱۲ میلیارد دلار منابع در اختیار کارگزاران مالی قرار داشته که بخشی از آن در روند طبیعی فعالیت بوده و بخشی نیز مورد سوءاستفاده قرار گرفته است.

از سوی دیگر، رئیس قوه قضائیه اعلام کرده است که با ورود دستگاه قضا به این پرونده‌ها، حدود ۶٫۵ میلیارد دلار از سرمایه‌های ملی به کشور بازگشته است. همچنین بنا بر همین گزارش‌ها، ۱۵ اعلان قرمز برای تراستی‌های متواری صادر شده و ۲۱ نفر نیز در داخل کشور بازداشت شده‌اند.

در کنار این موارد، رقم حدود ۵ میلیارد دلار نیز به‌عنوان تعهدات ارزی انجام‌نشده و قابل پیگیری کوتاه‌مدت مطرح شده است؛ رقمی که نشان می‌دهد ما با یک پرونده محدود روبه‌رو نیستیم، بلکه با یک مسئله بزرگ و چندلایه در حوزه بازگشت ارز مواجهیم.

شکاف در حکمرانی؛ اختیار در دست کیست؟

ریشه اصلی بحران تراستی‌ها را باید در دوگانگی میان مرجع صدور مجوز و مرجع پاسخگویی جست‌وجو کرد. در سال‌های گذشته، بخش‌هایی از فرآیند صدور مجوز یا واگذاری مأموریت‌ها در مسیرهایی انجام می‌شد که لزوماً با سازوکار سیاست‌گذاری ارزی بانک مرکزی هم‌راستا نبود، اما در زمان بروز مشکل، این بانک مرکزی بود که باید پاسخگوی آثار ارزی، نوسانات بازار و کمبود منابع می‌بود. همین شکاف ساختاری، فضای لازم را برای شخصی‌سازی منافع ملی فراهم کرد.

وقتی یک واسطه به دلیل دسترسی ویژه به منابع نفتی، به نقطه‌ای از قدرت می‌رسد که جایگزینی او دشوار می‌شود، عملاً منافع عمومی در گرو اعتماد فردی قرار می‌گیرد؛ اعتمادی که بدون نظارت نهادی، دیر یا زود به مسئله تبدیل می‌شود.

چرا ارزها به سامانه رسمی نمی‌آیند؟

یک برداشت نادرست در این پرونده آن است که تصور شود ارز حاصل از صادرات یا فروش نفت اساساً به کشور بازنگشته است. واقعیت این است که بخش مهمی از این ارزها وارد چرخه رسمی بانک مرکزی نمی‌شود، نه اینکه لزوماً از کشور خارج شده باشد. به بیان دیگر، ارز در بسیاری از موارد فروخته می‌شود، اما خارج از سامانه‌های رسمی و در بازارهای غیرشفاف.

طبق توضیحاتی که در این زمینه مطرح شده، دو مسیر اصلی برای این منابع وجود دارد: نخست، خروج سرمایه و استفاده از ارز برای خرید دارایی در خارج از کشور یا تسویه تعهدات غیررسمی؛ و دوم، تأمین مالی واردات قاچاق یا کالاهایی که از مسیر رسمی ارز دریافت نمی‌کنند. در چنین شرایطی، عرضه ارز در سامانه‌های رسمی کاهش می‌یابد، تقاضا به بازار آزاد منتقل می‌شود و نتیجه، فشار بیشتر بر نرخ ارز و اختلال در تأمین نیازهای وارداتی کشور است.

راهکار چیست؟ ساختن نهادهایی قوی‌تر از افراد

درس اصلی پرونده تراستی‌ها این است که اقتصاد کشور نباید به اشخاص گره بخورد. برای اصلاح این وضعیت، نخست باید اختیار و مسئولیت در یک نقطه متمرکز شود؛ یعنی بانک مرکزی تنها مرجع سیاست‌گذاری، صدور مجوز و نظارت بر این‌گونه سازوکارها باشد تا امکان پاس‌کاری مسئولیت از بین برود.

در گام بعد، باید از «اعتماد فردی» به سمت «اعتماد نهادی» حرکت کرد؛ یعنی به جای تکیه بر واسطه‌های محدود و رانتی، از ظرفیت شرکت‌های شناخته‌شده، باسابقه و قابل‌ردیابی استفاده شود. همچنین نظارت باید پیش‌دستانه باشد، نه پسینی؛ به این معنا که جریان ارزی از زمان فروش محموله تا لحظه ورود به سامانه رسمی، به‌صورت مستمر رصد شود. در کنار اینها، تنوع‌بخشی به مسیرها و جلوگیری از انحصار نیز ضرورتی جدی است، چراکه هرجا یک مسیر یا یک فرد به تنها کانال تبدیل شود، ریسک فساد و اختلال به‌مراتب افزایش می‌یابد.

پرونده تراستی‌ها، در نهایت، فقط یک پرونده قضایی یا تخلف ارزی نیست؛ بلکه آزمونی برای حکمرانی اقتصادی کشور است. اگر قرار است اقتصاد ایران در برابر فشارهای خارجی تاب‌آورتر شود، راهی جز تقویت نهادهای رسمی، شفاف‌سازی فرآیندها و محدود کردن نقش واسطه‌های غیرپاسخگو وجود ندارد.

تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که هزینه بی‌نظمی در این حوزه، فقط در ترازنامه دستگاه‌های اقتصادی دیده نمی‌شود، بلکه مستقیماً به سفره مردم و ثبات بازار ارز منتقل می‌شود. از این منظر، ساماندهی تراستی‌ها و بازگشت ارزهای معوق، بیش از آنکه یک مطالبه فنی باشد، یک ضرورت فوری برای ترمیم نظم ارزی کشور است.

بن‌بست مصنوعی در سیاستگذاری بنزینی کشور تا اجرای طرح مبادله سهمیه!

سیاست‌گذاری بنزینی کشور به‌بن‌بست نرسیده؛ اما به نظر می‌رسد یک بن‌بست مصنوعی در آن ایجاد شده است.

در حالیکه دولت میزان ناترازی بنزین را ۱۴ میلیون لیتر در روز اعلام کرده و عامل اصلی تشدید این ناترازی را خودروهای فرسوده و محاصره دریایی اعلام نموده است، سوال اصلی اینجاست که آشفتگی دولت ناشی از چیست ؟

آشفتگی دولت در تصمیم‌سازی حوزه بنزین بنحوی است که انگار زمام یکپارچه امور از دست رفته است. برنامه معرفی شده توسط دولت چهاردهم با عنوان اصلاح تدریجی قیمت بنزین از طریق مصوبه‌ای که به طرح سه نرخی دولت معروف شد، در آذرماه ۱۴۰۴ و پس از ٦ سال اجرا گردید و انتظار می‌رفت که این روند، همانطور که در متن مصوبه مذکور به صراحت آمده، به صورت فصلی در قیمت سوم اعمال شود.

همچنین دولت اعلام نمود که در هنگام اجرای این طرح، کاهش سهم کارت اضطرار جایگاه و همچنین بهینه‌سازی تخصیص سهمیه را نیز به سرانجام رسانده است؛ به‌طوری که مجموع سهمیه بنزین ۱۵۰۰ تومانی و ۳۰۰۰ تومانی در کارت‌های سوخت خودروهای شخصی در ابتدای مردادماه به ۱۱۰ لیتر در ماه رسیده است.

هرچند منطقی بود که دولت در فصل بهار نسبت به افزایش قیمت نرخ سوم همزمان با جنگ تحمیلی سوم اقدام نکند، تا فشار مضاعفی به مردم تحمیل نشود، اما در حالی که اخبار حاکی از موافقت سران قوا با طرح افزایش نرخ سوم بنزین درمردادماه بود، به ناگهان و در اثر عملیات رسانه‌ای جریان‌های مخالف، متوقف شد.

پس از جنجال عرضه بنزین ۸۷ هزار تومانی و مخالفت با طرح استانداری کرمان به دلیل کاهش آثار ناشی از محدودیت عرضه بر شهروندان کرمانی، شرایط به‌گونه‌ای رقم خورده که همه طرح‌ها به طرح مبادله بنزین ختم شود. اگر مدیریت مصرف بنزین از منظر اجرای سیاست قیمتی در شرایط کنونی به صلاح کشور نیست، چگونه یک طرح عظیم که مجدد با ایجاد تله رفاه، بخش عمده‌ای از سرمایه در اختیار دولت برای توسعه را به نقدینگی و تورم تبدیل می‌کند، در دست بررسی است؟

مردمی که به ناچار با سطح درآمد پایین، خودروهای بی‌کیفیت داخلی و اقتصاد تورمی سروکار دارند، چرا بایستی با مفاهیمی نظیر عدالت، فشار مضاعفی بر آن‌ها تحمیل شود؟

طرح تخصیص سهمیه بنزین به جای خودرو به هر فرد (دارای خودرو یا فاقد خودرو) با عنوان "عدالت در توزیع یارانه بنزین" مطرح است؛ اما در عمل باعث بی‌عدالتی و تشدید تورم خواهد شد.

خبـــر

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی قم:

کلینیک کسب و کار صنعت قم تسهیل گر تامین سرمایه برای واحدهای تولیدی است

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی قم گفت: کلینیک کسب و کار صنعت قم تسهیلگر تامین سرمایه برای واحدهای تولیدی بوده و در همین ارتباط تنها در سال گذشته با اقدامات و خدمات تسهیلگری کلینیک، سه هزار و ۱۵۰ میلیارد ریال تأمین مالی برای واحدهای صنعتی استان محقق شده‌است.

وحید آشتیانی در این خصوص بیان کرد: کلینیک کسب وکار استان قم در سال ۱۳۹۷ و در چارچوب ضوابط و دستورالعمل‌های ابلاغی سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران با هدف ایجاد بستری تخصصی برای بررسی و تحلیل مسائل و چالش‌ها و ارائه راهکارهای اجرایی به‌منظور رفع موانع تولید و بهبود شرایط فعالیت واحدهای صنعتی در استان تأسیس شد.

وی افزود: فعالیت‌های کلینیک کسب وکار استان با اتکا به همکاری شرکت شهرک‌های صنعتی، سازمان صنعت، معدن و تجارت، معاونت اقتصادی و سرمایه‌گذاری استانداری، مرکز خدمات سرمایه‌گذاری، اتاق بازرگانی، تشکل‌ها و انجمن‌های تخصصی بخش خصوصی و همچنین شبکه‌هایی از مشاوران و متخصصان حوزه‌های مختلف صنعت انجام می‌شود.

وی ادامه داد: کلینیک کسب و کار قم با بهره گیری از ظرفیت مشاوران و متخصصان در حوزه‌های مختلف، راهکارهای عملیاتی متناسب با شرایط هر واحد صنعتی را ارائه می‌نماید. این رویکرد علاوه بر ارتقای بهره‌وری و افزایش کارایی واحدهای صنعتی با شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکارهای اجرایی، به کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی کمک نموده و زمینه را برای تقویت تداوم فعالیت بنگاه‌ها و توسعه پایدار صنعتی در استان فراهم می‌کند.

آشتیانی گفت: حوزه فعالیت کلینیک کسب و کار استان شامل عارضه‌یابی نظام‌مند واحدهای صنعتی و ارائه خدمات مشاوره تخصصی در حوزه‌های مدیریت پروژه و طرح، مدیریت بازرگانی، مدیریت مالی و تأمین سرمایه، مدیریت تولید و بهره وری، مدیریت منابع انسانی و سازمانی، مدیریت انرژی، مدیریت حقوقی و مدیریت تکنولوژی و توسعه کسب وکار است.

وی با اشاره به این که کلینیک کسب و کار استان قم عضو شورای راهبری کشوری نیز می‌باشد، افزود: کلینیک کسب و کار قم در سال ۱۴۰۴ به ۱۷۷ واحد صنعتی خدمات تخصصی ارائه کرده، این خدمات با بهره‌گیری از ظرفیت ۹۰ مشاور و متخصص در حوزه‌های مختلف صنعت انجام شده‌است.

قلعه روستای دولت‌آباد قم، مقصدی ناشناخته برای گردشگران

در دل کویر مرکزی ایران روستای دولت‌آباد نیزار قم ،پنهان از نگاه گردشگران خودنمایی می‌کند.

روستا قلعه دولت آباد نیزار با معماری منحصربه‌فرد قلعه‌ای که تمام خانه‌های آن درون حصاری گلی از دوره قاجار جای گرفته و هنوز برای بسیاری از علاقه‌مندان به گردشگری تاریخی، یک مقصد ناشناخته محسوب می‌شود.

این روستای تاریخی که در بخش سلفچگان و در محور سلفچگان به دلیجان واقع شده، با وسعت ۶ هکتار، نمونه‌ای کمنظیر از سکونتگاه‌های دفاعی-مسکونی در استان قم به‌شمار می‌رود. آنچه این روستا را از دیگر آبادی‌های منطقه متمایز می‌کند، قرارگیری تمام منازل مسکونی در داخل یک قلعه گلی با یک در اصلی ورودی است؛ ویژگی که آن را به یک مجموعه تاریخی یکپارچه و قابل حفاظت تبدیل کرده است.

ثبت این اثر در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۳۰۵۳۳ در دی‌ماه سال ۱۳۹۰، گام نخست برای معرفی این گنجینه بود، اما آنچه این روزها نوید تازه‌ای به اهالی و فعالان گردشگری می‌دهد، عزم جدی مسئولان استانی برای خارج کردن این روستا از مه‌گمنامی است.

بهزاد احمدی فارسانی، مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان قم، در بازدید از لین روستای تاریخی و بر لزوم بهره‌گیری از توانمندی‌های روستاهای قم در توسعه گردشگری و معرفی صنایع‌دستی فعال تأکید کرد.

او در این بازدید با اشاره به ظرفیت‌های متنوع استان در حوزه‌های میراث‌فرهنگی و گردشگری، گفت: لازم است از این ظرفیت‌ها در توسعه گردشگری استان بهره ببریم. با استفاده از استعدادهای موجود در نقاط روستایی قم، می‌توانیم با معرفی مزیت‌های گردشگری و حمایت از صنایع‌دستی، به رشد اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی استان کمک کنیم.

مدیرکل میراث‌فرهنگی استان همچنین از برنامه‌ریزی برای معرفی این روستا به‌عنوان روستای هدف گردشگری و اخذ اعتبارات مرمتی با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی خبر داد و گفت: این اقدام می‌تواند فصل تازه‌ای در حیات این میراث کهن باشد.

او گفت: در فاصله ۲ کیلومتری این روستا، امامزاده ساریه خاتون قرار دارد که هرساله در روز عاشورای حسینی، مراسم نخل‌گردانی اهالی دولت‌آباد به سوی این مکان مقدس برگزار می‌شود؛ آیینی که بیش از ۳۰۰ سال قدمت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک جاذبه‌ی گردشگری آیینی-مذهبی، مسافران بسیاری را به خود جذب کند.

با وجود تمام ظرفیت ها، دولت‌آباد نیزار هنوز در فهرست مقاصد پررونق گردشگری قم جایی ندارد. اما با توجه به برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای مرمت و معرفی این روستا، به‌نظر می‌رسد به‌زودی نام این قلعه گلی قاجاری، بر سر زبان‌ها بیفتد و گردشگران مشتاق، معماری ناب و آیین‌های کهن آن را از نزدیک لمس کنند.

قم، با داشتن سه شهرستان و هفت شهر، بیش از آنکه صرفاً به‌عنوان مقصد زیارتی شناخته شود، گنجینه‌هایی از تاریخ و فرهنگ دارد که دولت‌آباد نیزار، یکی از ارزشمندترین آن‌هاست؛ مقصدی ناشناخته که حالا امید می‌رود به‌زودی، شناخته شود.

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت نسبت به ششدانگ پلاک ۲۷۱/۳۰۳۶ اصلی واقع در بخش ثبت ۵ قم در صفحه ۲۹۷ دفتر ۱۰۳ ذیل ثبت ۷۸۰۳۲ به نام شرکت تعاونی مسکن کارکنان دولت و غیره ثبت و سند مالکیت بشماره مسلسل ۵۵۸۲۲۴ صادر و تسلیم شده است. تمامی ششدانگ مع الواسطه طی سند قطعی ۱۰۲۳۴۸ - ۱۳۹۲/۰۳/۰۶ دفتر ۲ قم به خانم بدری فضلی اصطهباناتی (سند تکبرگی اخذ کرده است) و حسین خوشخو (که سند اولیه در ید ایشان قرار گرفته است) انتقال یافته است. سپس آقای حسین خوشخو اعلام کرده است سند مالکیت مزبور به علت سهل انگاری مفقود گردیده است. به استناد تبصره ۱ اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت به تاریخ ذیل آگهی می گردد تا چنانچه کسی مدعی وجود اوراق سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله باشند مراتب را همراه با مدارک خود پس از انتشار آگهی ظرف ۱۰ روز کتبا به این اداره اعلام و ارسال و رسید اخذ نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد. بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر نسبت به صدور سند مالکیت المثنی برابر مقررات اقدام خواهد شد. (م الف ۲۲۵۰۹۶۱)

رونوشت: ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)

رئیس ثبت اسناد منطقه یک قم - مهدی زارع شحنه

مسئولیت‌های بزرگ، اختیارهای کوچک؛ چالش مدیریت شهری

گسترش چالش‌هایی همچون ترافیک، آلودگی هوا، بحران آب و انرژی و مسکن، مدیریت شهری را بیش از گذشته درگیر مسائلی کرده است که فراتر از وظایف روزمره شهرداری‌هاست؛ شرایطی که ضرورت بازنگری در رابطه دولت و مدیریت شهری و تناسب میان مسئولیت، اختیار و منابع را به مسئله‌ای جدی در مسیر توسعه شهرها تبدیل کرده است.

شهرهای امروز دیگر تنها مجموعه‌ای از خیابان‌ها، ساختمان‌ها و زیرساخت‌های خدماتی نیستند، بلکه به کانون اصلی شکل‌گیری بسیاری از مسائل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حتی ملی تبدیل شده‌اند.

افزایش جمعیت شهری، گسترش شهرنشینی، تغییرات اقلیمی، بحران آب و انرژی، آلودگی هوا، ترافیک، مسکن و ضرورت توسعه حمل‌ونقل عمومی، مجموعه‌ای از چالش‌های درهم‌تنیده را پیش‌روی مدیریت شهری قرار داده است؛ چالش‌هایی که حل آن‌ها تنها با اتکا به ظرفیت شهرداری‌ها امکان‌پذیر نیست و به همکاری و تقسیم کار میان دولت و مدیریت‌های محلی نیاز دارد.

در چنین شرایطی، یکی از پرسش‌های اساسی این است که شهرداری‌ها با چه میزان اختیار و منابع باید پاسخگوی مسائل پیچیده شهرها باشند؟ آیا می‌توان مسئولیت‌های گسترده‌ای همچون توسعه حمل‌ونقل عمومی، مقابله با آلودگی هوا، مدیریت بحران آب و انرژی، تأمین زیرساخت‌های شهری و حتی نقش‌آفرینی در حوزه مسکن را به مدیریت شهری سپرد، اما منابع مالی، اختیارات قانونی و ابزارهای متناسب با این مسئولیت‌ها را در اختیار آن قرار نداد؟

این مسئله، بحث درباره جایگاه مدیریت شهری در ساختار حکمرانی کشور و ضرورت بازتعریف رابطه میان دولت، شوراها و شهرداری‌ها را بیش از گذشته به ضرورت تبدیل کرده است؛ از یک‌سو تمرکزگرایی و تصمیم‌گیری‌های یکسان برای شهرهایی با ظرفیت‌ها و مسائل متفاوت می‌تواند مسیر حل مسائل محلی را طولانی و پیچیده کند و از سوی دیگر واگذاری مسئولیت بدون منابع و بدون سازوکار شفاف نظارت نیز نمی‌تواند به حکمرانی کارآمد منجر شود.

در این میان، حکمروایی محلی به‌عنوان یکی از رویکردهای مهم مدیریت شهرهای امروز، بر این اصل استوار است که هرچه تصمیم‌گیری درباره مسائل به سطح محلی نزدیک‌تر باشد، امکان شناخت دقیق‌تر مسئله، استفاده از ظرفیت‌های بومی و پاسخگویی در برابر شهروندان نیز افزایش پیدا می‌کند، البته به شرط آنکه اختیار، مسئولیت و منابع در کنار یکدیگر تعریف شوند.

بر همین اساس، نقش شوراها و شهرداری‌ها در مسیر توسعه کشور، میزان سهم شهرها از منابع ملی، ضرورت تأمین مالی حمل‌ونقل عمومی، نحوه رویارویی مدیریت شهری با بحران آب و انرژی، جایگاه شهرداری در سیاست‌های مسکن، همچنین چگونگی اصلاح سازوکارهای نظارتی، از جمله موضوعاتی است که نیازمند بازنگری و گفت‌وگویی جدی است.

توسعه ملی بدون تقویت مدیریت شهری و تأمین منابع پایدار شهرها محقق نمی‌شود

موسی‌الرضا حاجی‌بگلو، رئیس شورای عالی استان‌ها می‌گوید: مدیریت شهری ایران امروز در جایگاهی قرار گرفته است که دیگر نمی‌تواند مسائل شهر را جدا از مسائل ملی برنامه‌ریزی و عملیاتی کند؛ شهرها محل اصلی شکل‌گیری و بروز بسیاری از مسائل کشورند و اگر قرار است توسعه ملی محقق شود، این پیشرفت ناگزیر باید از مسیر توسعه محلی عبور کند؛ از همین منظر، یکی از مسائل جدی که باید درباره آن صریح و بدون تعارف صحبت کرد، فاصله میان مسئولیت‌هایی است که بر دوش شهرداری‌ها گذاشته شده، حال آنکه منابع و اختیارات آن مسئولیت‌ها و کارکردها در اختیار مدیریت شهری قرار نگرفته است.

وی می‌افزاید: امروز از شهرداری انتظار داریم حمل‌ونقل عمومی را توسعه دهد، با آلودگی هوا مقابله کند، زیرساخت‌های شهری را گسترش دهد، برای بحران آب و انرژی راهکار پیدا کند، در حوزه مسکن نقش‌آفرینی کند و کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا دهد، اما در بسیاری از این حوزه‌ها، نه اختیار کامل در دست مدیریت شهری است و نه منابع متناسب با این مسئولیت‌ها در اختیار شهرداری قرار دارد. این تناقض، یکی از مهم‌ترین موانع حکمرانی کارآمد و اثربخش در شهرهای کشور است.

رئیس شورای عالی استان‌ها با بیان اینکه شورای اسلامی شهر و شهرداری باید در اداره امور شهر سهم واقعی داشته باشند، تصریح می‌کند: این به‌معنای تقابل دولت و شهرداری یا واگذاری بدون ضابطه مسئولیت‌ها نیست، بلکه به معنای بازتعریف رابطه دولت و مدیریت شهری بر اساس اصل مسئولیت‌پذیری، اختیار و منابع پایدار است.

حاجی‌بگلو با بیان اینکه نمی‌توان از شهرداری انتظار داشت پاسخگوی چالش‌های ساختاری همچون ترافیک و آلودگی هوا باشد، اما زمانی که نوبت به تأمین منابع حمل‌ونقل عمومی و نوسازی ناوگان می‌رسد، همه مسئولیت را بر عهده شهرداری گذاشت، تصریح می‌کند: منابع شهرداری‌ها برای توسعه گسترده حمل‌ونقل عمومی کافی نیست و دولت باید سهم خود را در این حوزه ایفا کند؛ اگر می‌خواهیم مردم استفاده از حمل‌ونقل عمومی را جایگزین خودروی شخصی کنند باید زیرساخت و ناوگان مناسب در اختیار آن‌ها قرار دهیم و این یک مسئولیت مشترک میان دولت و مدیریت شهری است.

وی ادامه می‌دهد: همین مسئله را در بحران آب نیز شاهد هستیم، وقتی بخش قابل‌توجهی از آب شهری به‌دلیل فرسودگی شبکه‌ها هدر می‌رود، نمی‌توان تنها از شهروند خواست مصرف خود را کاهش دهد. اصلاح الگوی مصرف در کنار اصلاح شبکه و افزایش بهره‌وری باید هم‌زمان دنبال شود؛ شرایط اقلیمی و نیازهای شهرها یکسان نیست و نمی‌توان برای همه استان‌ها و شهرها نسخه واحد نوشت، ما در شورای عالی استان‌ها به دنبال آن هستیم که الگوی مصرف آب و انرژی متناسب با ظرفیت‌ها و شرایط هر استان و منطقه اصلاح شود و در کنار آن، مدیریت محلی بتواند نقش مؤثرتری در افزایش بهره‌وری ایفا کند.

رئیس شورای عالی استان‌ها خاطرنشان می‌کند: بسیاری از شهرهای کشور ما فقط یک شهر برای شهروندان خودش نیست؛ شهری ملی است که خدمات آن به میلیون‌ها نفر ارائه می‌شود. وقتی جمعیت شناور، مسافران، گردشگران، میهمانان خارجی و مأموریت‌های فراتر از جمعیت ساکن را در نظر می‌گیریم، طبیعی است که تأمین مالی چنین شهری نیز نمی‌تواند تنها با منابع محلی انجام شود.

حاجی‌بگلو می‌افزاید: ما پیگیر اصلاح این وضعیت هستیم، زیرا معتقدیم سهم شهرها از منابع باید با مأموریت و هزینه‌ای که بر عهده آن‌ها گذاشته شده است، تناسب داشته باشد و خدمات ملی، منابع متناسب با مأموریت ملی می‌خواهد.

اصلاح کمیته انطباق در مسیر تقویت مدیریت محلی دنبال می‌شود

وی درباره حوزه مسکن می‌گوید: در حوزه مسکن نیز باید نگاه خود را اصلاح کنیم، شهروند، مسکن را در بستر شهر تجربه می‌کند، زمین، زیرساخت، حمل‌ونقل، خدمات شهری و توسعه کالبدی همه با مدیریت شهر ارتباط دارند، بنابراین نمی‌توان مدیریت شهری را از تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر آینده مسکن کنار گذاشت و در عین حال از شهرداری انتظار داشت پیامدهای اجتماعی و کالبدی بحران مسکن را مدیریت کند؛ ما معتقدیم اختیار و مسئولیت ساخت مسکن باید به شکل منطقی به مدیریت شهری نزدیک شود تا امکان پاسخگویی متناسب با شرایط هر شهر فراهم شود.

رئیس شورای عالی استان‌ها تصریح می‌کند: واگذاری اختیار بدون سازوکار نظارت، شفافیت و پاسخگویی قابل قبول نیست و آنچه ما دنبال می‌کنیم، حکمروایی محلی کارآمد است؛ مدیریتی که در آن دولت وظیفه سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری کلان را انجام دهد و مدیریت شهری نیز بتواند متناسب با شرایط واقعی شهر تصمیم بگیرد و پاسخگوی نتایج تصمیم خود باشد.

حاجی‌بگلو ادامه می‌دهد: شوراها نیز باید در این ساختار جایگاه واقعی خود را پیدا کنند. قانون اساسی برای شوراها جایگاه مشخصی تعریف کرده و فلسفه وجودی شوراها نیز جلب مشارکت مردم، مقررات‌گذاری محلی، نظارت، هماهنگی و سیاست‌گذاری شهری و روستایی با توجه به مقتضیات محلی است. اگر شورا قرار است مسئول تصمیم‌گیری درباره مسائل شهر، منطقه و روستا باشد، باید ابزار لازم برای اعمال این مسئولیت را نیز در اختیار داشته باشد. دخالت‌های غیرضروری در تصمیم‌های محلی نه‌تنها روند مدیریت شهری را کند می‌کند، بلکه مسئولیت‌پذیری را نیز تضعیف خواهد کرد.

رئیس شورای عالی استان‌ها با بیان اینکه تلاش در شورای عالی استان‌ها بر انتقال این نگاه از سطح شعار به سطح سیاست‌گذاری متمرکز است، می‌گوید: توسعه محلی زمانی اتفاق می‌افتد که شهرها بتوانند ظرفیت‌های خود را فعال کنند، سرمایه‌گذاری را آسان کنند و برای مسائل بومی خود راهکار متناسب ارائه دهند. اگر هر تصمیم سرمایه‌گذاری در شهر با موانع متعدد و فرایندهای طولانی روبه‌رو شود، طبیعی است که سرمایه از شهر فاصله بگیرد و فرصت‌های توسعه از دست برود.

رئیس شورای عالی استان‌ها خاطرنشان می‌کند: شورای عالی استان‌ها معتقد است اگر این رابطه اصلاح شود، شوراها و شهرداری‌ها نه در برابر دولت، بلکه در کنار دولت قرار خواهند گرفت؛ دولت مقتدرتر خواهد شد، مدیریت شهری کارآمدتر می‌شود و در نهایت، شهروند است که از این تقسیم کار صحیح سود خواهد برد.

حاجی‌بگلو می‌گوید: توسعه ملی را نمی‌توان بدون شکوفایی محلی و منطقه‌ای و شهری متصور بود، توسعه ملی زمانی پایدار خواهد بود که در شهرها، در محله‌ها و در زندگی روزمره مردم خود را نشان دهد.

وی تأکید می‌کند: شهر قوی، مدیریت شهری توانمند می‌خواهد و مدیریت شهری توانمند، بدون اختیار و منابع متناسب با مسئولیت، امکان‌پذیر نیست.

از قفل بوروکراسی تا گشایش توسعه؛

مسیر تحول در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران

ایران یکی از کامل‌ترین سلسله‌مراتب طرح‌های توسعه شهری را از آمایش سرزمین تا طرح‌های تفصیلی در جهان دارد، اما همین ابزار کارآمد، در دستان ساختاری بیمار، کند و غیرشفاف، به عاملی بازدارنده برای توسعه تبدیل شده است. طرح‌های جامعی که گاه تا سه سال برای تهیه زمان می‌برند و پس از ماه‌ها تغییر می‌کند.

شهر پیچیده‌ترین و زنده‌ترین ساخته بشر است؛ موجودی پویا که با هر تنفس جمعیت، هر ضربان اقتصاد و هر تغییر فرهنگ، دگرگون می‌شود. برای هدایت این موجود زنده و غول‌پیکر، بشر ابزاری قدرتمند ساخته است؛ ابزاری به نام «طرح‌های توسعه شهری». این طرح‌ها، قرار بود نقشه راهی باشند برای شهری که آینده‌اش را نه به شانس که به تدبیر بسپارد.

قرار بود ساختار، کالبد، کارکرد و هویت شهر را سامان دهند. قرار بود از پراکنده‌رویی جلوگیری کنند، خدمات را عادلانه توزیع کنند، و زمینه‌ساز زیست‌پذیری برای نسل‌های کنونی و آینده باشند.

سیستم برنامه‌ریزی شهری در ایران از نظر ساختار و محتوا، یکی از کامل‌ترین و فاخرترین نظام‌های برنامه‌ریزی در جهان به‌شمار می‌رود؛ زنجیره‌ای از اسناد فرادست و فرودست که از آمایش سرزمین تا طرح‌های تفصیلی را پوشش می‌دهد و این یعنی، «نقشه» را داریم، اما «مسیر» را گم کرده‌ایم.

اما گویی این ابزار کارآمد، در دستانی ناکارآمد گرفتار شده است. طرح‌های شهری در ایران امروز، نه به‌عنوان راهگشا، که به‌عنوان مانعی بر سر راه توسعه شناخته می‌شوند. آنها که باید تسهیل‌کننده باشند، تبدیل به حلقه‌های مفصل‌بندی در زنجیره‌ای شده‌اند که به جای حرکت روبه جلو، شهر را در مدار معیوب بوروکراسی‌های اداری، فرایندهای زمان‌بر و تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای سرگردان کرده‌اند.

اینجاست که یک پارادوکس تاریخی شکل می‌گیرد؛ ما دقیق‌ترین و علمی‌ترین طرح‌ها را در اختیار داریم، اما در عمل، با ناکارآمدترین مدیریت شهری روبه‌رو هستیم. شهری که هر روز با سرعتی فزاینده رشد می‌کند، اما نقشه‌هایش بیشتر سال‌ها قبل، برای جمعیتی یک‌سوم جمعیت امروز تهیه شده است و به‌روز نمی‌شود.

در این میان، نهادهایی همچون کمیسیون ماده ۵ که باید انعطاف‌پذیری و پویایی طرح‌ها را تضمین کنند، به مرجعی برای تغییرات سلیقه‌ای و تصمیمات لحظه‌ای تبدیل شده‌اند؛ سال‌ها کار کارشناسی، در یک جلسه دو ساعته و گاه با نگاهی غیرکارشناسی و بی‌پشتوانه از سوی نهادی دیگر، به چالش کشیده و گاه نابود می‌شود. نتیجه، نه طرح‌های به‌روز، نه شهری پایدار، نه اعتماد مردم، و نه حتی آرامش برای متخصصان این حوزه است.

حالا که شهرهای ایران با چالش‌های بزرگ و بی‌سابقه‌ای روبه‌رو هستند، از گسترش حاشیه‌نشینی و ترافیک گرفته تا بحران آب و فرونشست زمین، درک این شکاف میان «طرح» و «عمل» ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

از بحران بوروکراسی تا پارادوکس طرح و توسعه

محسن رفیعیان، عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه یزد در این رابطه می‌گوید: مسئله اصلی در مدیریت شهری ایران، ذات طرح‌های شهری نیست؛ مسئله اصلی، فرایندهای بیمار، زمان‌بر و غیرشفافی است که بر تهیه، تصویب، ابلاغ و به‌روزرسانی این طرح‌ها حاکم است. آنچه امروز در مدیریت شهری ایران به‌عنوان «بحران» از آن یاد می‌شود، در واقع حاصل انباشت تدریجی همین فرایندهای معیوب است که باعث می‌شود طرح‌ها، پیش از آنکه به اجرا برسند، از اعتبار بیفتند و منقضی شوند و شهر را در ورطه‌ای از تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای و واکنش‌های دیرهنگام رها کنند.

وی با بیان اینکه مشکل از طرح نیست؛ مشکل از «فرایندهایی» است که آن را به اجرا می‌گذارند و به‌روز می‌کنند، می‌افزاید: هنگامی که شهرداری نقشی در تهیه و تصویب و به‌روزرسانی طرح‌ها ندارد و دولت مرکزیگاهی تا چندین سال یک شهر را معطل تهیه طرح جامع و تفصیلی می‌کند، نیروهای بازار به صورت غیراصولی شهرها را توسعه می‌دهند و وضعیت نابسامانی به وجود می‌آید که بستری برای شهرفروشی در قالب کمیسیون توافقات و کمیسیون‌های ماده ۵ و ماده ۱۰۰ فراهم می‌شود و سازوکارهای بازآفرینی شهری و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی هرچه تلاش کنند در اصلاح شرایط ناکارآمد می‌شوند، از این‌رو بازنگری بنیادین در فرایند تهیه و تصویب طرح‌های شهری ایران، برای عبور از بحران بوروکراسی و بازگرداندن کارایی به طرح‌ها امری جدی است.

عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه یزد تصریح می‌کند: در دهه‌های اخیر، نظام برنامه‌ریزی شهری ایران همواره با یک پارادوکس اساسی دست‌به‌گریبان بوده است: از یک‌سو، یکی از کامل‌ترین سلسله‌مراتب طرح‌های شهری (از آمایش سرزمین تا طرح‌های تفصیلی) را داراست که در نوع خود با استانداردهای جهانی برابری می‌کند؛ از سوی دیگر همین طرح‌ها در عمل، نه‌تنها گره‌گشای توسعه نیستند، بلکه گاه خود به عاملی برای کندی، سردرگمی و ناکارآمدی بدل می‌شوند. آنچه باقی می‌ماند، انبوهی از طرح‌های تهیه‌شده با هزینه‌های کلان است که یا از اعتبار ساقط شده‌اند، یا با تغییرات سلیقه‌ای، از هویت اولیه خود تهی شده‌اند.

ریشه بحران؛ زمانی که بوروکراسی نفس طرح را می‌گیرد

رفیعیان ادامه می‌دهد: اگر به تاریخچه تهیه طرح‌های شهری در ایران نگاه کنیم، از نخستین برنامه عمرانی در سال ۱۳۲۷ تا امروز، همواره یک عامل ثابت به‌عنوان مانع اصلی شناخته شده است: کندی مفرط روال‌های اداری. یک طرح جامع شهری در ایران، به‌طور میانگین بین ۲ تا ۳ سال زمان برای تهیه نیاز دارد و سپس ماه‌ها و گاه سال‌ها در نهادهای مختلف از جمله استان، وزارت کشور و شورای عالی شهرسازی دست‌به‌دست می‌شود تا سرانجام به تصویب برسد؛ در این فاصله زمانی طولانی، شهر با شتابی بی‌سابقه رشد می‌کند، جمعیت تغییر پیدا می‌کند، کاربری‌ها دگرگون می‌شود و بافت‌های جدیدی شکل می‌گیرد که در طرح پیش‌بینی نشده بودند، نتیجه اینکه وقتی طرح به مرحله ابلاغ می‌رسد، در عمل «تاریخ‌گذشته» است و با واقعیت موجود شهر همخوانی ندارد.

کمیسیون ماده ۵ نماد تصمیم‌گیری لحظه‌ای در برابر فرایند کارشناسی

رفیعیان اظهار می‌کند: شاید بارزترین مصداق این ناکارآمدی، کمیسیون ماده ۵ باشد. این کمیسیون که به‌عنوان مرجعی برای اصلاح و بازنگری طرح‌های تفصیلی تعریف شده، در عمل به اتاقی تبدیل شده است که در آن، حاصل سال‌ها کار کارشناسی، در یک جلسه دوساعته و بر اساس سلایق شخصی یا روابط غیررسمی، تغییر می‌کند. تغییری که نه مستندات علمی پشت آن است و نه امکان اعتراضی برای آن وجود دارد؛ جالب است به‌تازگی برای اینکه این فرایند نیز علمی جلوه کند، گزارش‌های توجیهی همچون «تغییر و انطباق کاربری» با وجه‌المصالحه کردن طرح‌های شهری به‌صورت سفارشی تهیه می‌شود.

وی ادامه می‌دهد: در حقیقت کمیسیون ماده ۵ که برای مواقع ضروری و تضمین انعطاف‌پذیری طرح‌ها تدبیر شده بود، امروزه جایگزین بازنگری و به‌روزرسانی طرح‌ها شده است. در این شرایط، نه طرح‌ها می‌توانند به‌موقع تهیه شوند، نه فرایند بازنگری شتاب می‌گیرد و نه اعتماد شهروندان به نظام برنامه‌ریزی جلب می‌شود. آنچه باقی می‌ماند، انبوهی از طرح‌های تهیه‌شده با هزینه‌های کلان است که یا از اعتبار ساقط شده‌اند یا با تغییرات سلیقه‌ای، از هویت اولیه خود تهی گشته‌اند.

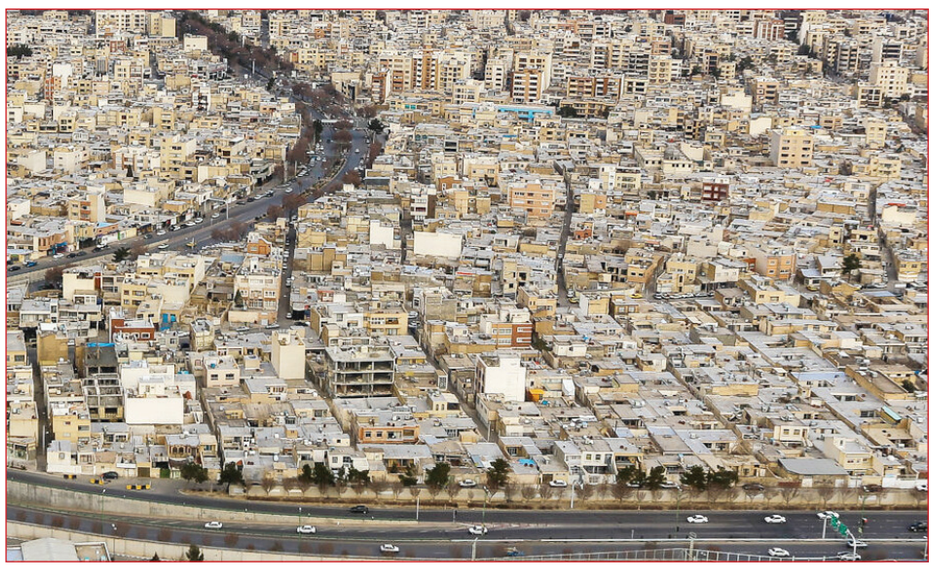

رفیعیان با اشاره به راهکارهای خروج از این بن‌بست می‌گوید: برای خروج از این بن‌بست، چاره‌کار، بازنگری مجدد در محتوای طرح‌ها نیست؛ چاره، تغییر بنیادین در رویه‌ها، متولیان و زمان‌بندی‌ها است. با توجه به اینکه شهرداری به‌عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی، عهده‌دار اداره شهر است، باید تهیه طرح‌ها بیش از پیش به این نهاد واگذار شود و نقش وزارت راه و شهرسازی به نظارت عالیه و سیاست‌گذاری کلان تقلیل پیدا کند.

عضو هیئت علمی گروه شهرسازی دانشگاه یزد اقدامات ضروری و فوری برای خروج از بحران مدیریت شهری را شامل تغییر متولی تهیه و مرجع تصویب، چابک‌سازی فرایند تهیه و تصویب، حذف سازوکارهای شبه‌کارشناسی و شفاف‌سازی می‌داند و با اشاره به نخستین راهکار، واگذاری کارفرمایی طرح‌های شهری به شهرداری‌ها و شوراهای محلی را پیشنهاد می‌کند و می‌گوید: سپردن نقش ناظر به وزارت راه و شهرسازی، به منظور تسریع در تصمیم‌گیری و افزایش مسئولیت‌پذیری محلی ضروری است.

رفیعیان در ادامه به چابک‌سازی فرایند تهیه و تصویب اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: تدوین آیین‌نامه‌ای که زمان تهیه طرح‌های جامع را کاهش دهد و بازنگری طرح‌های منقضی را به‌عنوان یک اولویت اجباری با ضرب‌الاجل مشخص تعریف کند از دیگر اقدامات ضروری است.

سازمان آگهی های روزنامه گویه آگهی می پذیرد --- تلفن: ۰۹۱۸۴۴۸۰۴۰۲

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۰۱۱ مورخ ۱۴۰۵/۳/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی ، مالکیت خانم طاهره کیانی خراجی به شناسنامه شماره ۱۰۷ کدملی۶۳۳۹۹۴۵۷۵۹ صادره شهرکرد فرزند عبدالله در ششدانگ یکباب خانه مسکونی به مساحت ۶۵/۳۲ متر مربع پلاک شماره ۳۲۵ فرعی از ۴۳۴۸ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان مع الوسطه و به موجب بیع نامه عادی از طرف آقای عبداله خان محمدی خشوئی (مالک رسمی) به متقاضی واگذار گردیده است و متقاضی نیز به موجب یک فقره استشهادیه محلی که به تأیید شهود محلی رسیده است اعلام داشته به مالک رسمی
فوق الذکر دسترسی ندارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵
شناسه آگهی: ۲۲۳۷۱۲۰
حسین عینی-رئیس ثبت اسناد و املاک جنوب اصفهان

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۴۵۶۰۱۰۰۹۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۲ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه ۲ ساری تحت تصرفات مالکانه سیدرضا قاسمی شکتائی فرزند سیدحسین به شماره ملی ۲۰۹۰۱۹۶۶۹۶ نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ با کسر سهم وقف پلاک ۵۱۶ فرعی به مساحت ۱۰۷۸/۱۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۰ - اصلی واقع در قریه آبندانسر بخش ۴ ثبت ساری.
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف. ۲۲۴۰۷۶۵
تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۰
تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵
یاسر ملکی- مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتیاراضي وساختمانهاي فاقد سند رسمي

برابر کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۰۰۱۸۰۰۰۵۵۲ رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۸۰۲۴۳۰۷ ، هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضي وساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتی عباس آباد تصرفات مالکانه وبلامعارض آقای سید امیر علی عدل فرزند سیدعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری کشاورزی به مساحت ۱۶۳/۹۰ مترمربع تحت پلاک ۲۶۰۴ فرعی از ۳۱۲ - اصلی واقع در قریه مرتع خوشامیان دهستان کلارآباد خریداری از لیلا و سید علی و احمدعلی عدل محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیاعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراضو دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضایمدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف. ۲۲۳۲۲۴۷
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵
سقا قاسمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عباس آباد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتیاراضي وساختمانهاي فاقد سند رسمي

برابر کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۰۰۱۸۰۰۱۰۸۷ و ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۰۰۱۸۰۰۱۰۸۶ رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۸۰۰۵۳۱۸ و ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۸۰۰۵۳۱۶ ، هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضي وساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتی عباس آباد تصرفات مالکانه وبلامعارض خانم صدیقه السادات حکیمی و خانم مریم السادات حکیمی فرزند سیدمسیح هر کدام نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری کشاورزی به مساحت ۲۰۹ مترمربع تحت پلاک ۱۴۱۹ فرعی از ۱۴۵ - اصلی ۱۲۳ فرعی از ۱۴۵ اصلی واقع در قریه محمد حسین آباد دهستان لنگا خریداری از سند مالکیت مشاعی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیاعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراضو دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضایمدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م.الف. ۲۲۳۲۲۸۸
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵
سقا قاسمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عباس آباد

حمایت از معیشت یا بنزینِ تورم؟

منبع افزایش مبلغ کالابرگ کجاست؟ وعده‌ای که نباید با چاپ پول تأمین شود

با افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم، دولت وعده افزایش اعتبار کالابرگ را داده است؛ اما پرسش اصلی این است که منابع این افزایش از کجا تامین خواهد شد و آیا قرار است حمایت معیشتی با چاپ پول و تشدید تورم همراه شود؟

تورم هر ماه رکورد تازه‌ای ثبت می‌کند و نشانه‌ای از توقف این مسیر دیده نمی‌شود. طبق اعلام رسمی بانک مرکزی، نرخ تورم سالانه منتهی به تیرماه امسال به ۶۱.۴ درصد رسیده؛ رقمی که هم از تداوم روند صعودی تورم حکایت دارد و هم تصویری روشن از فرسایش مداوم قدرت خرید خانوارها ارائه می‌کند. فشار اصلی البته در بخش کالاهای مصرفی خود را عریان‌تر نشان می‌دهد؛ جایی که تورم سالانه به ۸۶.۱ درصد رسیده و مستقیما سفره مردم را کوچک‌تر کرده است.

در چنین شرایطی، دولت ابزاری حمایتی به نام کالابرگ الکترونیکی را در اختیار دارد؛ ابزاری که از دی‌ماه سال گذشته با سازوکار جدید به اجرا درآمد و بر اساس آن، برای هر نفر ماهانه یک میلیون تومان اعتبار در نظر گرفته شد تا خانوارها بتوانند اقلام مشخصی از جمله کالاهای پروتئینی، حبوبات و سایر نیازهای اساسی را بدون پرداخت نقدی تهیه کنند. این سیاست در واقع بخشی از بسته جبرانی دولت پس از حذف ارز ترجیحی بود؛ تلاشی برای مهار تبعات شوک قیمتی که قرار بود فشار واردشده به معیشت مردم را خنثی کند.

برای چهار ماه نخست اجرای این طرح، حدود ۲.۵ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی به دولت اختصاص یافت و همچنین از محل مابه‌التفاوت نرخ ارز ترجیحی و نرخ بازار، در مجموع ۳۲۰ هزار میلیارد تومان منابع در شبکه بانکی برای اجرای کالابرگ تامین شد. با این حال، برای تامین اعتبار اردیبهشت تا پایان سال، به گفته سخنگوی معاونت رفاه وزارت تعاون، حدود ۹۹۶ هزار میلیارد تومان منابع پیش‌بینی شده است.

مسئله، اما فقط تامین اعتبار فعلی نیست؛ مسئله مهم‌تر، حفظ اثرگذاری این اعتبار در بستر تورم فزاینده است. از همان ابتدای اجرای طرح، مقام‌های دولتی از جمله وزیر اقتصاد بر این نکته تاکید داشتند که مبلغ ریالی کالابرگ باید متناسب با رشد تورم و

نوسانات نرخ ارز افزایش یابد. وزیر اقتصاد سال گذشته صراحتا گفته بود: «این حق شهروندی است و متناسب با تغییرات تورمی و نرخ ارز، اعتبار کالابرگ نیز افزایش می‌یابد. هرگونه تحولی در بازار ارز اتفاق بیفتد و نرخ ارز افزایش یابد، به اعتبار کالابرگ افزوده می‌شود.»

این وعده، اما تا امروز در حد حرف باقی مانده است. مبلغ کالابرگ همچنان همان یک میلیون تومان است؛ رقمی که در مقایسه با دی‌ماه سال گذشته، به‌واسطه رشد مداوم قیمت‌ها، بخش قابل توجهی از قدرت خرید خود را از دست داده است. به بیان ساده، کالابرگی که قرار بود سپر حمایتی خانوارها باشد، خود در معرض فرسایش تورمی قرار گرفته است.

دستور رئیس‌جمهور برای افزایش اعتبار کالابرگ

در سوی دیگر، رئیس‌جمهور نیز در ماه‌های اخیر چند بار از ضرورت افزایش اعتبار کالابرگ سخن گفته است. از دستور خردادماه در شورای هماهنگی اقتصادی دولت گرفته تا تاکید اخیر در گفت‌وگوی تلویزیونی با مردم که تصریح کرد: «باید مبلغ کالابرگ را افزایش دهیم، چون قیمت‌ها گران‌تر شده است.»

این اظهارات برای افکار عمومی امیدوارکننده است، اما یک پرسش کلیدی را هم به‌طور جدی پیش می‌کشد: منابع این افزایش قرار است از کجا تامین شود؟

این پرسش، نقطه اصلی ابهام در سیاست کالابرگ است. زیرا افزایش مبلغ اعتبار، بدون پشتوانه مالی واقعی، نه‌تنها اثر حمایتی پایداری ایجاد نمی‌کند بلکه می‌تواند خود به موتور تازه‌ای برای تورم بدل شود. طبق قانون بودجه، رقمی در حدود ۹۹۶ هزار میلیارد تومان برای اجرای این طرح در نظر گرفته شده و این برآورد نیز بر مبنای همان اعتبار یک میلیون تومانی انجام شده است؛ بنابراین هرگونه افزایش در مبلغ کالابرگ، به منابعی فراتر از پیش‌بینی فعلی نیاز دارد.

در اینجا چند سناریو احتمالی قابل تصور است. نخست، حذف بخشی از مشمولان و بازتوزیع منابع میان گروه‌های باقی‌مانده. دوم، استقراض دوباره از منابع صندوق توسعه ملی. سوم، تامین مالی از محل درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت و فروش آن با نرخ‌های بالاتر؛ و در نهایت، پرریسک‌ترین گزینه: استقراض از بانک مرکزی

سناریوی آخر، همان نقطه‌ای است که باید با حساسیت بالا به آن نگاه کرد. اگر دولت بدون دسترسی به منابع واقعی و در دسترس، صرفا برای عمل به وعده افزایش کالابرگ به سمت استفاده از تنخواه یا استقراض از بانک مرکزی حرکت کند، نتیجه در میان‌مدت چیزی جز رشد پایه پولی، افزایش نقدینگی و تشدید تورم نخواهد بود. در آن صورت، دولت شاید در ظاهر مبلغ کالابرگ را مثلا از یک میلیون به دو میلیون تومان افزایش دهد، اما همزمان با خلق پول جدید، زمینه بی‌اثر شدن همین افزایش را نیز فراهم می‌کند. یعنی همان حمایتی که قرار است قدرت خرید را ترمیم کند، خود از کانال تورم دوباره تخریب می‌شود.

این همان چرخه باطل سیاست‌گذاری حمایتی بدون منبع پایدار است: افزایش اسمی حمایت، جهش تورمی، کاهش مجدد قدرت خرید، و سپس مطالبه برای افزایش دوباره حمایت. چرخه‌ای که در نهایت نه به نفع مردم تمام می‌شود و نه به نفع ثبات اقتصاد کلان.

البته دولت ممکن است استدلال کند که در آینده منابع ارزی حاصل از صادرات نفت در اختیار بانک مرکزی قرار خواهد گرفت و استقراض فعلی صرفا یک اقدام موقت است. اما مسئله اینجاست که در شرایط فعلی، با دشوارتر شدن دسترسی به منابع ارزی، محدودیت‌های انتقال پول و افزایش ریسک‌های بیرونی، اتکا به درآمدهای آتی نفتی بیش از آنکه یک منبع قطعی باشد، یک فرض خوش‌بینانه است. بر همین اساس، هرگونه تصمیم برای افزایش اعتبار کالابرگ باید بر پایه منابع نقد، واقعی و قابل تحقق اتخاذ شود؛ نه بر مبنای درآمدهای احتمالی یا استقراض تورم‌ساز.

مصطفی پوردهقان، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، نیز در گفت‌وگو با تابناک در این‌باره معتقد است دولت نباید وارد فضای چاپ پول شود و نباید راه جبران کسری‌ها را در چاپ پول ببیند. وی گفت: «دولت باید بیشتر بر مسئله تنش‌زدایی تمرکز کند و شرایط را به سمتی ببرد که هم بتواند نفت خود را بهتر بفروشد و هم سایه جنگ را از سر کشور بردارد.»

پوردهقان خاطرنشان کرد: «در شرایط فعلی، راه دیگری جز این برای دولت وجود ندارد؛ چراکه اگر بخواهد با چاپ پول جلو برود، به هر حال شرایط اقتصادی بدتر خواهد شد.»

حاکم ممکان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، نیز در گفت‌وگو با تابناک تاکید کرد: «اینکه رئیس‌جمهور می‌گویند باید اعتبار کالابرگ افزایش پیدا کند، از این جهت که قدرت خرید مردم متناسب با شرایط تورمی حفظ شود، موضوعی منطقی است؛ اما سؤال اساسی این است که آیا دولت برای این افزایش اعتبار، منبع مشخصی در نظر گرفته است یا خیر؟»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس تصریح کرد: «اگر برای افزایش اعتبار کالابرگ منبع مشخصی در نظر گرفته نشده باشد، این اقدام می‌تواند منجر به استقراض از بانک مرکزی یا همان چاپ پول شود که در نهایت پایه پولی را افزایش می‌دهد و موجب تشدید تورم و کاهش ارزش پول ملی خواهد شد.»

جمع‌بندی روشن است: اصل افزایش اعتبار کالابرگ، در اقتصادی که تورم به‌سرعت در حال بلعیدن قدرت خرید مردم است، از منظر معیشتی قابل دفاع به نظر می‌رسد؛ اما فقط در صورتی که منبع تامین آن شفاف، واقعی و غیرتورمی باشد. در غیر این صورت، افزایش مبلغ کالابرگ می‌تواند به سیاستی تبدیل شود که در کوتاه‌مدت جذاب است، اما در میان‌مدت و بلندمدت، اثر خود را با تورم پس می‌دهد.

دولت اگر واقعا قصد تقویت این ابزار حمایتی را دارد، پیش از اعلام هر عدد جدید، باید یک سوال اساسی را پاسخ دهد: پول این حمایت قرار است دقیقا از کجا بیاید؟

زنگ خطر برای بازار مسکن

جهش قیمت مواد اولیه فولاد، گرانی میلگرد را به دنبال دارد؟

شاید در نگاه اول، جهش قیمت زغال‌سنگ در بازارهای جهانی موضوعی دور از دسترس به نظر برسد، اما واقعیت این است که این نوسان، مستقیماً در قیمت میلگرد و ورق‌های بازار ایران منعکس می‌شود.

در حالی که ثبات نسبی قیمت سنگ‌آهن، امید به آرامش در بازار فولاد را زنده کرده بود، جهش ناگهانی قیمت جهانی زغال‌سنگ، معادلات را به نفع هزینه‌های تولید تغییر داد و این افزایش قیمت نه تنها حاشیه سود تولیدکنندگان داخلی را تهدید می‌کند، بلکه با ایجاد فشار مضاعف بر بازار ارز و رکود در صنایع پایین‌دستی مانند خودرو و ساختمان، اثراتی دومینویی بر اقتصاد ملی خواهد داشت.

نگاهی به قیمت های جهانی ذغال سنگ نشان می دهد که در حالی که قیمت جهانی سنگ‌آهن با ثباتی نسبی روبروست، رشد چشمگیر قیمت زغال‌سنگ در بازارهای جهانی، به‌ویژه در شاخص فوب استرالیا، زنگ خطری جدی برای صنایع متالورژی و فولاد در سراسر جهان و به‌خصوص ایران به صدا درآورده است.

افزایش قیمت زغال‌سنگ در حالی رخ می‌دهد که این ماده اولیه، قلب تپنده کوره‌های بلند فولادسازی است و هر نوسان در قیمت آن، مستقیماً بر بهای تمام‌شده محصول نهایی اثر می‌گذارد.

بسیاری از واحدهای تولیدی در ایران، به‌ویژه در روش‌های سنتی تولید آهن (کوره بلند)، برای تامین نیاز خود به کک یا زغال‌سنگ باکیفیت به واردات وابسته هستند و جهش قیمت جهانی پیامدهایی را به همراه خواهد داشت.

برای مثال افزایش قیمت زغال‌سنگ به معنای بالا رفتن هزینه هر تن آهن تولیدی است و این امر باعث می‌شود حاشیه سود تولیدکنندگان کاهش یافته و فشار مالی بر واحدهای کوچک‌تر وارد شود.

همچنین طبق قانون عرضه و تقاضا، وقتی هزینه ماده اولیه بالا می‌رود، تولیدکننده برای جبران ضرر، قیمت محصول نهایی مانند میلگرد، ورق و... افزایش می یابد و این یعنی گرانی در صنعت ساختمان و زیرساخت‌های شهری.

بنابراین اگر قیمت تمام‌شده فولاد ایرانی به دلیل گرانی سوخت و ماده اولیه افزایش یابد، فولاد ما در بازار جهانی در برابر رقبایی که دسترسی ارزان‌تر به منابع دارند، شکست خواهد خورد.

ازسویی دیگر، گرانی زغال‌سنگ تنها به فولاد محدود نمی‌شود و اثرات دومینویی دارد مثلا برای تامین نیازهای وارداتی در قیمت‌های جدید، تقاضا برای ارز افزایش می‌یابد که در شرایط فعلی، فشار مضاعفی بر بازار ارز کشور وارد می‌کند.

همچنین گرانی فولاد منجر به رکود در صنایع خودرو، لوازم

خانگی و ساخت‌وساز می‌شود که در نهایت منجر به کاهش اشتغال در این بخش‌ها می‌گردد.

از آنجایی که سال‌هاست صحبت از احیای معادن زغال‌سنگ داخلی و ارتقای کیفیت استخراج برای کاهش وابستگی به واردات است، اما واقعیت این است که ظرفیت‌های داخلی هنوز پاسخگوی نیازهای صنعتی با استانداردهای جهانی نیستند.

مدیریت صنعت فولاد باید سال‌ها پیش سرمایه‌گذاری گسترده‌تری روی تکنولوژی‌های جایگزین مانند کاهش وابستگی به کک و توسعه روش‌های سبزتر یا بهینه‌تر انجام می‌داد تا امروز با هر نوسان در قیمت فوب استرالیا، قیمت فولاد در بازار داخلی تحت تاثیر قرار نگیرد.

نبود سیستم‌های ذخیره‌سازی استراتژیک برای مواد اولیه حیاتی باعث شده تا صنعت ما در برابر شوک‌های قیمتی جهانی کاملاً بی‌دفاع باشد و هر تغییری در قیمت‌های جهانی، بلافاصله در قیمت بازار داخلی منعکس شود.

جهش قیمت زغال‌سنگ، هشدار نهایی برای مدیران صنعت معدن و فولاد است چراکه تکیه بر واردات در دنیای پرنوسان امروز، یعنی سپردن سرنوشت صنعت ملی به دست بازارهای جهانی و اگر برای جایگزینی مواد اولیه و بهینه‌سازی مصرف انرژی اقدامی سریع صورت نگیرد، هر موج گرانی در استرالیا، گرانی سیمان و آهن را برای بازار ایران به همراه خواهد داشت.

رشد تورم به کارمزدهای بانکی رسید

مراقب کارت‌های بانکی باشید؛ جریمه حواس‌پرتی ۴۴ هزار تومان شد!

بی‌دقتی در نگهداری کارت بانکی، ۴۴ هزار تومان آب می‌خورد! بانک مرکزی با ابلاغیه جدید کارمزدها، نرخ ۷۶ خدمت الکترونیک را هم‌سوی تورم به‌روزرسانی کرد؛ از رشد ۶۰ درصدی هزینه‌ی فعال‌سازی اینترنت‌بانک تا پیامک‌هایی که حالا گران‌تر از همیشه به دست مشتری می‌رسند!

بانک مرکزی نرخ کارمزد خدمات بانکی الکترونیکی را به‌روزرسانی کرد؛ بازنگری‌ای که مقایسه ارقام جدید با نرخ‌های سال گذشته، از افزایش قابل‌توجه هزینه برخی خدمات بانکی و رشد آن‌ها در محدوده نرخ تورم حکایت دارد.

بانک مرکزی اعلام کرده است: «پیروبخشنامه شماره ۰۴/۳۵۵۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۴ با موضوع ابلاغ کارمزدهای خدمات بانکی سال ۱۴۰۴، با توجه به سپری شدن بیش از یک سال از ابلاغ آخرین نرخ کارمزدهای خدمات بانکی و بر مبنای پیشنهادهای واصله از شورای هماهنگی بانک‌ها و کانون بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی، انواع و حداکثر میزان کارمزد خدمات بانکی الکترونیکی بازنگری و به‌روزرسانی شد و در هشتمین جلسه مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۵ هیئت عامل بانک مرکزی به تصویب رسید.»

کارمزدهای جدید از تاریخ ابلاغ لازم‌الاجراست و بانک مرکزی تصریح کرده که مطالبه یا دریافت هرگونه وجه دیگری تحت عنوان کارمزد خدمات بانکی الکترونیکی، خارج از مفاد این بخشنامه، مجاز نیست.

تخفیف کارمزد برای مشتریان، مددجویان و شرکت‌های دانش‌بنیان

با هدف ایجاد فضای رقابتی میان بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی و ارائه خدمات مطلوب‌تر، بانک‌ها می‌توانند برای تمامی مشتریان خود حداکثر تا ۳۰ درصد تخفیف در نظر بگیرند.

سقف تخفیف برای افراد تحت پوشش سازمان بهزیستی، مستمری‌بگیران و مددجویان کمیته امداد امام خمینی(ره) حداکثر ۱۰۰ درصد و برای شرکت‌های دانش‌بنیان حداکثر ۴۰ درصد تعیین شده است. بنابراین بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مجازند برای این گروه‌ها، مبالغ یا نرخ‌هایی پایین‌تر از ارقام مندرج در جداول ابلاغی اعمال کنند.

همچنین بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی موظف‌اند با در نظر گرفتن ماهیت و میزان فعالیت تجاری صاحبان حساب‌های تجاری، صرفاً در سه سرفصل «صدور انواع ضمانت‌نامه»، «حواله‌ها» و «وصول بروات»، حداکثر تا ۴۰ درصد تخفیف اعمال کنند.

رشد ۳۵ تا ۶۰ درصدی برخی کارمزدها

کارمزدهای جدید خدمات بانکی الکترونیکی شامل ۷۶ خدمت بانکی است. مقایسه نرخ‌های جدید با ارقام سال گذشته نشان می‌دهد هزینه برخی خدمات بین ۳۵ تا ۶۰ درصد افزایش یافته است.

کارمزد صدور انواع کارت بانکی مغناطیسی هوشمند یا اعتباری، ۱۴ هزار تومان تعیین شده است. این رقم در سال گذشته ۹ هزار تومان بود و در نتیجه، ۵۵ درصد افزایش یافته است.

کارمزد ارسال پیامک اطلاع‌رسانی تراکنش‌های حساب مشتریان نیز برای سال جاری، ۵۰ تومان به‌اضافه هزینه پیامک تعیین شده است. این نرخ در سال گذشته ۳۷ تومان به‌اضافه هزینه پیامک بود؛ بنابراین کارمزد این خدمت ۳۵ درصد رشد کرده است.

هزینه اعلام ۱۰ گردش آخر کارت به‌صورت بین‌بانکی نیز از ۲۲۰ تومان در سال گذشته به ۳۵۰ تومان رسیده که نشان‌دهنده افزایش ۵۹ درصدی است.

۶۰ درصد افزایش برای انسداد حساب و فعال‌سازی خدمات غیرحضوری

کارمزد انسداد یا رفع انسداد غیرحضوری حساب به درخواست مشتری، برای تمامی حساب‌ها ۶ هزار و ۶۰۰ تومان تعیین شده است؛ رقمی که نسبت به سال گذشته ۶۰ درصد افزایش نشان می‌دهد.

فعال‌سازی همراه‌بانک و اینترنت‌بانک نیز برای هر درگاه، ۲ هزار تومان هزینه دارد. کارمزد این خدمت نیز در مقایسه با سال قبل ۶۰ درصد بیشتر شده است.

احراز هویت غیرحضوری یا الکترونیکی نیز ۲۰ هزار تومان به‌اضافه هزینه استعلام‌ها تعیین شده که نسبت به سال گذشته، افزایش ۶۰ درصدی داشته است.

صدور کارت المثنی چقدر هزینه دارد؟

کارمزد صدور کارت المثنی پیش از تاریخ انقضای کارت، ۳۰ هزار تومان تعیین شده است که در مقایسه با سال گذشته ۶۰ درصد افزایش دارد.

بر اساس توضیحات بانک مرکزی، هنگام صدور اولیه کارت، بخشی از بهای تمام‌شده آن از مشتری دریافت می‌شود. اگر مشتری در نگهداری کارت اهمال یا سهل‌انگاری کند و پیش از پایان تاریخ انقضا خواستار صدور مجدد کارت شود، علاوه بر هزینه صدور کارت، کارمزد ۳۰ هزار تومانی صدور المثنی نیز از او دریافت خواهد شد.

هزینه صدور انواع کارت مغناطیسی هوشمند ۱۴ هزار تومان و هزینه صدور انواع کارت مغناطیسی نقدی، بن‌کارت، کارت خانواده، کارت هدیه و موارد مشابه ۷ هزار تومان است. بنابراین در نمونه صدور مجدد کارت بانکی مغناطیسی هوشمند، مشتری باید در مجموع ۴۴ هزار تومان، شامل ۱۴ هزار تومان هزینه صدور کارت و ۳۰ هزار تومان کارمزد صدور المثنی، پرداخت کند.

کارمزد خرید کارتی از چه کسی دریافت می‌شود؟

خرید کارتی نیز مشمول کارمزد است، اما این مبلغ از دارنده کارت دریافت نمی‌شود و پرداخت آن بر عهده پذیرنده یا فروشگاه است.

بر اساس جدول بانک مرکزی، برای تراکنش‌های تا سقف یک میلیون تومان، مبلغ ثابت ۲۰۰ تومان و برای تراکنش‌های بالاتر از یک میلیون تومان، معادل دو ده‌هزارم یا ۰٫۰۰۰۲ مبلغ تراکنش از پذیرنده دریافت می‌شود.

بانک مرکزی همچنین تأکید کرده است که از ابتدای آذرماه ۱۴۰۵، کف مبلغ کارمزد سهم پذیرنده معادل ۲۴۰ تومان محاسبه خواهد شد.

برداشت وجه نقد از خودپرداز چه زمانی کارمزد دارد؟

در صورت دریافت وجه نقد از خودپرداز به‌صورت بین‌بانکی، کارمزدی معادل ۰٫۵ درصد مبلغ تراکنش با کف ۳۰۰ تومان تعیین شده است.

البته برداشت وجه نقد از خودپردازهای همان بانک همچنان رایگان خواهد بود و تنها برداشت وجه از خودپردازهای شتابی یا بین‌بانکی مشمول کارمزد می‌شود.

یادداشت

به بهانه ۲۶ مرداد سال ۱۳۶۹

آزادگانی که اسارت را به‌حقارت گرفتند

اختصاصی گویه - نجمه سیددخت

پنج سال از اسارتش گذشته و تمام ثانیه‌های این پنج سال را با خاطرهٔ خانه، خانواده و وطن شمرده است. حالا اتوبوس حامل آزادگان از مرز گذشته و وارد ایران شده است. هنوز باورش نمی‌شود که دوباره در سرزمینی ایستاده که سال‌ها تصویرش را در ذهن مرور کرده بود. پیاده می‌شود؛ اما نای راه رفتن ندارد، چند قدم برمی‌دارد، زانو می‌زند و خاک ایران را در آغوش می‌گیرد و می‌بوسد.

کاروان اتوبوس‌های حامل آزادگان به شهر می‌رسد، چشم‌هایش میان جمعیت به دنبال چهره‌ای آشنا می‌گردد. ناگهان او را می‌بیند؛ همان دختری که نامزدش بود و قرار بود پس از بازگشت از جبهه زندگی مشترک تشکیل دهند؛ اما تقدیر چنین بود پنج سال را با یک عکس، چند خاطره و امیدی که هرگز نگذاشته بود خاموش شود، سپری کند. حالا دو نفر روبه‌روی هم ایستاده‌اند؛ زوجی که پنج سال را در فراق و انتظار گذرانده

بودند. شاید هیچ کلمه‌ای گویای این لحظه نباشد؛ فقط اشک است و آغوشی که تمام تلخی آن سال ها را به شیرینی تبدیل می‌کند.

این تنها داستان یک آزاده نیست؛ روایت هزاران انسانی است که بازگشتشان به وطن، پایان یک اسارت طولانی و آغاز فصل دیگری از زندگی بود. پشت هر چهره‌ای که آن روز از مرز گذشت، خانواده‌ای ایستاده بود؛ مادری که سال‌ها چشم به راه مانده بود، پدری که پیر شده بود، همسری که جوانی‌اش در انتظار گذشته بود و کودکانی که بزرگ شده بودند؛ بی‌آنکه پدرشان را در کنار خود دیده باشند.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ که آغاز شد؛ تا ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷، سرشار از حماسه است؛ اما دورهٔ اسارت آزادگان حکایتی دیگر دارد. اسارت، در منطق جنگ‌های کلاسیک، پایان مبارزه است؛ اما در جنگ تحمیلی، اسارت آغاز فصل دیگری از مقاومت بود؛ مقاومتی که سلاح نداشت، سنگر نداشت و گاه حتی یک تکه نان کافی برای غلبه بر گرسنگی در اختیارش نبود؛ اما قدرتی داشت که بعثی‌ها نمی‌توانستند از آنان بگیرند و آن اراده، ایمان و ادامهٔ مبارزه بود.

زندگی در اردوگاه‌ها هر روز با شمارش اسرا آغاز می‌شد و شب‌ها با خاموشی به پایان می‌رسید؛ اما در فاصلهٔ این دو؛ زندگی جریان داشت، زندگی‌ای که با همهٔ محدودیت‌هایش، نشانه‌هایی از امید و مقاومت را در خود حفظ کرده بود. آزادگان، جسمشان در حصار جلادان قرار داشت؛ اما روحشان در ایران بود. نمازهای جمعی، نجواهای شبانه و شب‌زنده‌داری‌ها، برای بسیاری از آزادگان فرصتی بود تا چند ساعت از دیوارهای اردوگاه فاصله بگیرند و به جهانی بروند که در آن هنوز مادرانشان منتظر بودند، خانه‌هایشان پابرجا بود و وطن در انتظار بازگشت آنان نفس می‌کشید. وقتی صداها فروکش می‌کرد و اردوگاه در سکوت فرو می‌رفت، هر اسیر با جهان درونی خود تنها می‌ماند؛ با خاطرهٔ خانه، چهرهٔ پدر و مادر، همسر و فرزند، کوچه‌ای که شاید سال‌ها بود ندیده بود و وطنی که نمی‌دانست چه زمانی بر خاکش بوسه خواهد زد.

برای فهم رنج اسارت، نباید همه‌چیز را در شکنجه، گرسنگی و آزار جسمی خلاصه کرد. گاهی همان نشستن در حصار اردوگاه، از سخت‌ترین اشکال شکنجه است. رزمنده‌ای را تصور کنید که پیش از اسارت، مدام در تکاپو بود؛ از سنگری به سنگری، از منطقه‌ای به منطقهٔ دیگر، از مأموریتی به مأموریتی دیگر؛ اما چنین انسانی ناگهان در یک اتاق کوچک محصور می‌شود. برای چنین انسانی زمان می ایستد. ممکن است در آن روز شکنجه‌ای هم صورت نگیرد، ضربه‌ای بر بدن فرود نیاید و حتی غذای اندکی نیز در اختیارش باشد؛ اما اینکه ساعت‌ها، روزها، ماه‌ها و سال‌ها در فضایی محدود بنشیند و تنها چشم‌اندازش دیوار، درِ بسته و چهره‌های تکراری باشد، خود می‌تواند به کابوسی فرساینده تبدیل شود.

بر اساس آمار بنیاد شهید و امور ایثارگران، حدود ۴۳ هزار نفر در دوران جنگ تحمیلی به اسارت نیروهای بعث عراق درآمدند که در میان آنان، ۶۰ بانوی آزاده نیز حضور داشتند. پس از پذیرش قطعنامهٔ ۵۹۸، زمینهٔ بازگشت آزادگان سرافراز به میهن فراهم شد و در ۲۶ مرداد ۱۳۶۹، نخستین کاروان وارد کشور شد و بدین گونه یکی از ماندگارترین تصاویر تاریخ معاصر ایران پس از سالها انتظار رقم خورد. در آن روزها، اشک و لبخند در هم آمیخته بود. بسیاری از آزادگان با جسمی تکیده و چهره‌هایی که سال‌های اسارت بر آنها اثر گذاشته بود، پا به خاک وطن گذاشتند و شور و شوق و شادی سراسر کشور را فرا گرفت.

۲۶ مرداد سال ۱۳۶۹ را باید یکی از مهم‌ترین رویدادها در ادبیات مقاومت ایران معاصر دانست؛ رویدادی که اگر به سطح مراسم تشریفاتی و شعار تقلیل یابد، بخش مهمی از حقیقت خود را از دست خواهد داد. آزادگان باید در تاریخ فرهنگی ایران، نه فقط به‌عنوان «قهرمانان جنگ»؛ بلکه به‌عنوان معماران فرهنگ مقاومت شناخته شوند، فرهنگی که بر پایهٔ صبر، ایمان، امید و ایستادگی استوار بود.

امروز در شرایطی سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی را گرامی می‌داریم که بار دیگر مفاهیمی چون مقاومت، هویت، استقلال و ایستادگی، در صدر واژگان ادبیات سیاسی ایران جای گرفته و ملت ایران با تکیه بر این ادبیات، بزرگترین تهدید دشمنان ایران را خنثی کرده است. نگذاریم حماسهٔ مقاومت این اسطوره‌های صبر و مقاومت در هیاهوی روزگار فراموش شود.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم شهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۲۰ / ۹ / ۱۳۹۰ ، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد :

املاک متقاضیان واقع در کشکا پلاک ۲۰ اصلی بخش ۵

۶۲۹ فرعی بنام آقای / خانم شرکت تجارت گستر عظیم زاگرس نسبت به ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۴۵ / ۱۴۲ مترمربع خریداری بلاواسطه از آقای / خانم جبار شیر عالی مالک رسمی.

۶۳۰ فرعی بنام آقای / خانم شرکت تجارت گستر عظیم زاگرس نسبت به ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۶۱ / ۱۶۴ مترمربع خریداری بلاواسطه از آقای / خانم جبار شیر عالی مالک رسمی.

۶۳۱ فرعی بنام آقای / خانم شرکت تجارت گستر عظیم زاگرس نسبت به ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۷۰ / ۲۵۹ مترمربع خریداری بلاواسطه از آقای / خانم جبار شیر عالی مالک رسمی.

۶۳۲ فرعی بنام آقای / خانم شرکت تجارت گستر عظیم زاگرس نسبت به ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۴ / ۱۱۱ مترمربع خریداری بلاواسطه از آقای / خانم جبار شیر عالی مالک رسمی.

۶۳۳ فرعی بنام آقای / خانم شرکت تجارت گستر عظیم زاگرس نسبت به ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۷۲ / ۱۵۳ مترمربع خریداری بلاواسطه از آقای / خانم جبار شیر عالی مالک رسمی.

۶۳۴ فرعی بنام آقای / خانم شرکت تجارت گستر عظیم زاگرس نسبت به ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۸۸ / ۱۴۰ مترمربع خریداری بلاواسطه از آقای / خانم جبار شیر عالی مالک رسمی.

۶۳۵ فرعی بنام آقای / خانم شرکت تجارت گستر عظیم زاگرس نسبت به ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۷۶ / ۳۲۰ مترمربع خریداری بلا واسطه از آقای / خانم جبار شیر عالی مالک رسمی .

املاک متقاضیان واقع در درزی کلا پلاک ۲۰ اصلی بخش ۱۶

۲۴۴۵ فرعی بنام آقای / خانم میلاد نوایی نسبت به ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۴۷ / ۳۳۲ متر/ مربع خریداری بلا واسطه از آقای / خانم نور حسین عرب مالک رسمی.

املاک متقاضیان واقع در گل افشان پلاک ۹ اصلی بخش ۸

۳۱۶ فرعی بنام آقای خانم شهرام عباسیان نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۶۳ / ۱۵۰۰ مترمربع خریداری بلا واسطه از آقای / خانم شیوا محمودی مالک رسمی.

املاک متقاضیان واقع در چمازکتی پلاک ۵۹ اصلی بخش ۱۶

۱۳۶۶۵ فرعی بنام آقای قاسم نصیری سوادکوهی نسبت به ششدانگ یکباب خانه که مقدار ۱۰ سیر مشاع از ۲۴۰ سیر ششدانگ عرصه موقوفه می باشد به مساحت ۱۶ / ۲۴۶ مترمربع خریداری بلا واسطه از آقای محمدرضا قهاری مالک رسمی.

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.م.الف. ۲۲۳۹۸۲۸

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۰ / ۰۵ / ۱۴۰۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۵ / ۰۵ / ۱۴۰۵

مرتضی قاسم پور- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قائمشهر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم شهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۲۰ / ۹ / ۱۳۹۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد :

املاک متقاضیان واقع در قریه چپی پلاک ۱۰ اصلی بخش ۸

۱۴۳ فرعی بنام آقای رضا رحمانی کوتنایی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۰ / ۹۴۵ مترمربع خریداری مع الواسطه از آقای سعید صابر مالک رسمی.

۱۴۴ فرعی بنام آقای رضا رحمانی کوتنایی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۱۸۶ مترمربع خریداری مع الواسطه از آقای سعید صابر مالک رسمی.

۱۴۶ فرعی بنام آقای رضا رحمانی کوتنایی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۳۷ مترمربع خریداری مع الواسطه از آقای سعید صابر مالک رسمی.

۱۴۷ فرعی بنام آقای رضا رحمانی کوتنایی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۳۹۱ مترمربع خریداری مع الواسطه از آقای سعید صابر مالک رسمی.

۱۴۸ فرعی بنام آقای رضا رح

یادداشت

سندروم بی‌قرار مذاکره!

یادداشت- دکتر حسن خلیل خلیلی/ بعضی‌ها انگار با «مذاکره با آمریکا» آرام می‌شوند! هنوز گردوغبار یک بحران یا جنگ فرو ننشسته، هنوز صدای تهدید دشمن در گوش‌هاست، عده‌ای شب و نصفه‌شب دنبال باز کردن باب مذاکره‌اند؛ گویی مذاکره با آمریکا نه یک ابزار سیاست خارجی، بلکه مُسکنی دائمی برای بی‌قراری سیاسی آنهاست! این رفتار اگر یک‌بار و دوبار اتفاق می‌افتاد، می‌شد آن را یک انتخاب سیاسی دانست؛ اما وقتی در هر بحران، با هر فشار و پس از هر تهدید، نسخه مذاکره تکرار می‌شود، دیگر باید برای آن نامی پیدا کرد: سندروم بی‌قرار مذاکره!

سیاست خارجی هر نظام سیاسی، آزمون واقعی مدیریت راهبردی در میدان پیچیدگی‌های بین‌المللی است. امروز دشمنان آمریکایی و صهیونیستی، همزمان از فشار اقتصادی، جنگ رسانه‌ای، تحریم و تهدید نظامی استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی، مسأله اساسی این است که فشار بیرونی چگونه در داخل مدیریت می‌شود؛ آیا به تقویت توان ملی، انسجام داخلی و فعال‌سازی ظرفیت‌های کشور منجر می‌شود یا به اضطراب و بی‌قراری در تصمیم‌گیری سیاسی؟

اینجاست که رفتار برخی مسئولان قابل تأمل می‌شود. هنوز بحران به پایان نرسیده، هنوز تهدید دشمن پابرجاست و هنوز فشارها ادامه دارد، عده‌ای به‌جای آنکه از خود بپرسند چگونه باید قدرت ملی را افزایش داد و هزینه فشار را برای دشمن بالا برد، فوراً سراغ میز مذاکره می‌روند. گویی برای آنان، مذاکره نه یک ابزار مشروط به منافع ملی، بلکه یک «راه‌حل پیش‌فرض» است؛ تحریم باشد یا جنگ، تهدید باشد یا بحران اقتصادی، نسخه یکی است: مذاکره با آمریکا!

اما سؤال ساده و بنیادین این است: مذاکره برای چه؟

مذاکره هدف نیست؛ ابزار است. و ابزار زمانی ارزشمند است که هدف، هزینه، دستاورد و نسبت میان این دو روشن باشد. اگر قرار است با آمریکا مذاکره کنیم، باید معلوم باشد برای چه هدفی، از چه موضعی، با چه تضمینی و در برابر چه امتیازی. بدون پاسخ روشن به این پرسش‌ها، اصل مذاکره به جای آنکه در خدمت منافع ملی قرار گیرد، می‌تواند به موضوعی مستقل و حتی مقدس تبدیل شود؛ چنان‌که گویی نفس نشستن پای میز مذاکره، خود یک دستاورد است!

مذاکره فی‌نفسه نه مقدس است و نه مذموم. دیپلماسی نیز به معنای قطع ارتباط با جهان نیست. سخن بر سر یک اصل عقلانی است: مذاکره باید در خدمت قدرت و منافع ملی باشد، نه اینکه قدرت و منافع ملی قربانی مذاکره شود.

مذاکره‌کننده مقتدر برای نشستن پای میز بی‌تابی نمی‌کند. او زمانی مذاکره را انتخاب می‌کند که محاسبه کرده باشد هزینه مذاکره کمتر از هزینه مذاکره نکردن و دستاوردش بیشتر از امتیازاتی است که قرار است واگذار کند. اما «سندروم بی‌قرار مذاکره» دقیقاً نقطه مقابل این منطق است؛ در اینجا اصل بر مذاکره است و محاسبه سود و زیان به حاشیه می‌رود. خطر بزرگ‌تر اما آنجاست که این بی‌قراری، پیام بسیار خطرناکی برای دشمن ارسال می‌کند: فشار جواب می‌دهد!

وقتی دشمن می‌بیند با افزایش تحریم، تهدید یا فشار نظامی، عده‌ای در داخل بی‌قرار شده و خواستار مذاکره می‌شوند، طبیعی است که نتیجه بگیرد برای گرفتن امتیاز بیشتر، باید فشار را بیشتر کند. به عبارت روشن‌تر، اگر فشار دشمن با درخواست مذاکره از سوی ما پاسخ داده شود، دشمن را به ادامه فشار تشویق کرده‌ایم. این همان محاسبه‌ای است که نباید در ذهن دشمن شکل بگیرد.

آمریکا مذاکره را صرفاً برای «گفت‌وگو» نمی‌خواهد. هیچ قدرتی برای گفت‌وگو پای میز نمی‌نشیند؛ هر دولتی در مذاکره به دنبال تأمین منافع خود است. اگر آمریکا بتواند از مذاکره برای مهار قدرت ایران، توقف پیشرفت‌ها، خرید زمان، گرفتن امتیازات بیشتر یا ایجاد شکاف در داخل کشور استفاده کند، چرا نباید از آن استقبال کند؟

تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده است که اعتماد به وعده‌های آمریکا، بدون تضمین واقعی و بدون برخورداری از قدرت بازدارنده، نسخه مطمئنی برای تأمین منافع ملی نیست. مسأله بر سر نفی مذاکره نیست؛ مسأله بر سر این است که نباید به دشمن اجازه داد نیاز ما به مذاکره را تشخیص دهد و از آن به‌عنوان اهرم فشار استفاده کند.

اینجاست که باید میان «دیپلماسی» و «مذاکره‌زدگی» تفاوت گذاشت. دیپلماسی، هنر استفاده هوشمندانه از همه ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و بین‌المللی برای تأمین منافع کشور است؛ اما مذاکره‌زدگی یعنی اینکه برای هر مشکلی، حتی مشکلی که راه‌حل آن در داخل و در میدان قدرت قرار دارد، نسخه مذاکره با آمریکا تجویز کنیم.

رهبر شهید انقلاب بارها درباره مذاکره با آمریکا هشدار دادند و تجربه تاریخی نیز نشان داده است که مذاکره از موضع ضعف و اضطرار، نه‌تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه می‌تواند اشتهای طرف مقابل را برای مطالبه امتیازات بیشتر افزایش دهد. بنابراین، آنچه امروز کشور به آن نیاز دارد، نه «مذاکره برای فرار از بحران»، بلکه دیپلماسی مبتنی بر قدرت ملی است.

کشوری که از موضع قدرت مذاکره می‌کند، با کشوری که برای رسیدن به میز مذاکره بی‌تابی می‌کند، زمین تا آسمان تفاوت دارد. مذاکره زمانی معنا پیدا می‌کند که طرف مقابل بداند «نه» گفتن ایران نیز برای او هزینه دارد. اگر دشمن مطمئن باشد که فشار بیشتر، ایران را مشتاق‌تر به مذاکره می‌کند، فشار را افزایش خواهد داد؛ اما اگر بداند فشار، مقاومت و افزایش هزینه برای او را در پی دارد، محاسباتش تغییر می‌کند.

پس خطاب به مسئولانی که در هر بحران نسخه مذاکره می‌پیچند، باید یک سؤال روشن و بی‌پرده مطرح کرد: اگر مذاکره قرار است انجام شود، دقیقاً چه دستاورد مشخص و تضمین‌شده‌ای قرار است به دست آوریم که بدون مذاکره ممکن نیست؟ و اگر امتیاز متقابل و تضمین معتبر در کار نیست، چرا این‌قدر برای مذاکره بی‌قراریم؟ منافع ملی با بی‌قراری تأمین نمی‌شود. سیاست خارجی عرصه هیجان و واکنش‌های لحظه‌ای نیست؛ عرصه محاسبه قدرت، هزینه، فایده و منافع ملی است. گاهی «مذاکره نکردن» نه انفعال، بلکه عاقلانه‌ترین و مقتدرانه‌ترین تصمیم دیپلماتیک است.

امروز کشور بیش از هر چیز به ثبات استراتژیک، خودباوری، تقویت توان دفاعی، پیشرفت علمی، اقتصاد قدرتمند و انسجام داخلی نیاز دارد. قدرت چانه‌زنی پشت میز مذاکره، در خود میز ساخته نمی‌شود؛ محصول قدرتی است که پیش از نشستن پای میز، در میدان واقعیت ایجاد شده است.

اگر روزی مذاکره‌ای ضرورت پیدا کرد، باید این مذاکره نتیجه قدرت ما باشد، نه محصول اضطراب ما؛ باید از موضع اقتدار باشد، نه برای فرار از فشار. میز مذاکره نباید «مکان التماس برای بقاء» باشد؛ باید خروجی قدرت ملی باشد.

دشمن باید بداند که با افزایش فشار، ایران را بی‌قرار نمی‌کند و به میز مذاکره نمی‌کشاند. اگر روزی قرار باشد مذاکره‌ای صورت گیرد، این ایران است که باید زمان، مکان، موضوع و شرایط آن را تعیین کند؛ نه از سر اضطرار، بلکه از موضع قدرت. این همان مرز میان دیپلماسی عزتمندانه و مذاکره‌زدگی است؛ میان «مذاکره از موضع قدرت» و «بی‌قراری برای مذاکره».

و سرانجام، باید این حقیقت ساده را به خاطر سپرد:

میز مذاکره، وقتی ارزشمند است که پشت آن قدرت باشد؛ نه اضطرار. این دیپلماسی مقتدرانه است؛ نه سندروم بی‌قرار مذاکره!

محمد گل افروز:

اسرائیل ایران را تهدید وجودی می‌نگرد و به دنبال قوم‌گرایی و تجزیه‌ی ایران است

بدون «اجماع داخلی» امکان بهره‌برداری از فرصت‌های منطقه‌ای کاهش می‌یابد

یک استاد دانشگاه و کارشناس مسائل منطقه می گوید: ایران باید از کارت تنگهٔ هرمز و همچنین ظرفیت انرژی هسته‌ای خود در برابر ایالات متحده، اسرائیل و سایر کشورهایی که سیاست‌های آمریکا را دنبال می‌کنند، به‌شکل هوشمندانه‌ای بهره‌برداری کند. بی‌توجهی مطلق به توافق یا عبور از هرگونه رایزنی و تفاهم، از منظر علمی قابل پذیرش نیست.

دکتر محمد گل افروز در گفت وگو یی در پاسخ به این سوال که توافقنامه‌ای که میان ایران و ایالات متحده به امضا رسیده است، برای دوره‌ای شصت‌روزه طراحی شده بود، اما در همان مهلت، شاهد نقض آن از سوی طرف مقابل بودیم. امروز مهلت این توافقنامه شصت‌روزه به پایان می‌رسد و طرفین اعلام کرده‌اند که این دوره قابل تمدید نیست. در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که تنش موجود میان ایران و آمریکا و جنگ‌هایی که در این راستا علیه ایران صورت گرفته است، در نهایت به کجا خواهد انجامید؟ آینده‌ی فراز و نشیب‌های روابط دو کشور عمدتاً معطوف به چه موضوعاتی خواهد بود و چالش‌های اساسی پیشِ روی توافق ایران و آمریکا کدام‌اند؟ اظهار داشت: بحث را می‌توان از مهلت تمام‌شده آغاز کرد، اما لازم است نگاه دقیق‌تری به تهدیدهای موجود فراروی ایران افکند. نخستین و مهم‌ترین تهدید، تهدید اقتصادی است؛ محاصرهٔ دریایی کنونی که ایالات متحده و هم‌پیمانانش، به‌ویژه اسرائیل، در پیش گرفته‌اند، ممکن است سخت‌گیرانه‌تر نیز شود. حتی با هدایت برخی بازیگران منطقه‌ای، مسیرهای زمینی که در تعاملات اقتصادی با ایران نقش دارند نیز کاهش یافته و این امر می‌تواند به ایجاد تورم گسترده در داخل کشور بیانجامد.

اسرائیل ایران را به‌مثابه‌ای تهدید وجودی می‌نگرد و در راهبرد خود به دنبال قوم‌گرایی و تجزیه‌ی ایران است

وی افزود: در کنار این، تهدیدات دیگری نیز وجود دارد. اسرائیل ایران را به‌مثابه‌ای تهدید وجودی می‌نگرد و در راهبرد خود به دنبال قوم‌گرایی و تجزیه‌ی ایران است. از سوی دیگر، پیمان مکه که اخیرًا ازسوی عربستان سعودی برای ایجاد موازنهٔ منطقه‌ای شکل گرفته است و به‌نظر می‌رسد تحت هدایت ایالات متحده و همراهانش باشد، ترکیه و پاکستان را به‌عنوان همسایگان ایران به یک پیمان امنیتی-نظامی می‌کشاند و کشورهای عربی را به این سمت متقاعد می‌کند که ایران یک تهدید است. افزون بر این، طرح انتقال نفت و گاز از طریق خطوط لولهٔ سرزمینی به کشورهای مصرف‌کننده، در حاشیه قرار دادنِ تنگهٔ هرمز و کاهش اهمیت خلیج‌فارس و این تنگه را دنبال می‌کند تا انرژی از مسیرهای دیگر به مقصد برسد. در صورت مواجهه با این مجموعه تهدیدها، ایران در تنگنای ژئوپلیتیکی شدیدی قرار خواهد گرفت.

وی تصریح کرد: بدیهی است که ادامهٔ این روند، بدون هرگونه توافق یا تفاهم با یکی از قدرت‌های بزرگ جهان در حوزه‌های موردنیاز، به زیان کشور خواهد بود. فشارهای اقتصادی و روانی، و نیز فشار بر جامعه، نظام و ساختار حکمرانی، از سوی دیگر، استفاده از برخی اهرم‌های فشاری که اکنون در اختیار ایران است را تضعیف خواهد کرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در چنین شرایطی، ایران باید از کارت تنگهٔ هرمز و همچنین ظرفیت انرژی هسته‌ای خود در برابر ایالات متحده، اسرائیل و سایر کشورهایی که سیاست‌های آمریکا را دنبال می‌کنند، به‌شکل هوشمندانه‌ای بهره‌برداری کند. بی‌توجهی مطلق به توافق یا عبور از

هرگونه رایزنی و تفاهم، از منظر علمی قابل پذیرش نیست.

نباید اجازه داد کشورهای دیگر، ایران را به سمت‌سوی «صلح تحمیلی» هدایت کنند

وی ادامه داد: ایران به ناچار، یا از طریق راه‌های دیگر، ناگزیر از رایزنی با کشورهایی است که می‌تواند روی آن‌ها تکیه کرد؛ از جمله چین که به‌عنوان یک قدرت بزرگ، چه به‌واسطهٔ پاکستان و چه به‌صورت مستقیم، می‌تواند در سایر نقاط جهان با آمریکا تعامل کند و به‌عنوان واسطه‌ای مؤثر ایفای نقش نماید. در ماه‌های اخیر نیز تلاش‌هایی در این مسیر با رویکرد دیپلماتیک صورت گرفته است. امروز، نه صرفاً با ادامهٔ این رویهٔ، بلکه با برنامه‌ریزی دقیق‌تر، باید مسالهٔ نخست یعنی جایگاه منطقه‌ای ایران را به دستاوردی ارزشمند در جهت منافع ملی کشور تبدیل کرد. نباید اجازه داد کشورهای دیگر، ایران را به سمت‌سوی «صلح تحمیلی» هدایت کنند؛ بلکه باید خودمان صلح بسازیم و از این رهگذر، یک استراتژی منطقه‌ای و نیز راهبردی بلندمدت برای کشور تدوین و تزیئنه کنیم. هدف باید ایجاد رابطه‌ای صلح‌محور و مبتنی بر مصالحه یا موازنه با کشورهای منطقه و جهان باشد تا بتوان بر مبنای اهمیت ژئوپلیتیک ایران، جایگاه و وزن ویژه‌ای برای کشور در نظام منطقه‌ای ایجاد کرد. در دست داشتنِ اهرم‌های لازم، با بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای سیاسی و قدرت نظامی موجود، امکان تحقق این برنامه را فراهم می‌کند. تدوین چنین راهبردی در اختیار خود ما است و تحقق آن مستلزم اراده و اقدام هوشمندانه است.

ایران می‌تواند با تلفیق سیاست و اهرم‌های نظامی، جایگاه و نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد

گل افروز با بیان اینکه ایران می‌تواند با تلفیق سیاست و اهرم‌های نظامی، جایگاه و نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد و به‌گونه‌ای عمل کند که بازیگران منطقه‌ای و جهانی در راستای اهداف ما نقش‌آفرینی کنند گفت: در این مسیر، می‌توان بر تأسیس برنامه‌ای هماهنگ با همه‌ی کشورهای منطقه و نیز بازیگران فرامنطقه‌ای تکیه کرد. محور اصلی این سیاست، دیپلماسی است، دیپلماسی‌ای که همه‌ی قوای داخلی باید آن را در اولویت قرار دهند تا از این طریق بتوان کشورها را به سمت نوعی مصالحه هدایت کرد که دست‌کم در راستای تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران باشد. با این حال، رقابت‌های کنونی میان کشورهای رقیب ایران و نیز اختلافات در میان رقبای سیاسی داخل کشور، می‌تواند به برخی مسائل دامن بزند. اگر این روند ادامه یابد، امنیت ملی، امنیت نظامی و امنیت اقتصادی کشور را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و سرمایه‌ی اجتماعی پشتیبان جمهوری اسلامی را تضعیف خواهد کرد. بنابراین لازم است برنامه‌ریزی به‌گونه‌ای باشد که همه‌ی اجزای نظام سیاسی و نظامی ایران به‌صورت هماهنگ و در کنار یکدیگر عمل کنند و با تلفیقی از راهبردهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، اهرمی ایجاد شود که کشورها با اهداف ژئوپلیتیکی ایران هم‌سو گردند.

وی افزود: اگر در این مسیر حرکت نکنیم، ممکن است با تحریم‌ها و چالش‌هایی مواجه شویم که کشور را از وضعیت کنونی نیز بدتر کند. به نظر می‌رسد با توجه به حضور چهره‌های جدید در رأس نظام از جمله اعضای تازه‌ی شورای عالی امنیت ملی، رهبری کنونی و فرماندهان نظامیِ جایگزین‌شده بتوان اهرم دیپلماتیک را در کنار اهرم نظامی به‌کار گرفت و برنامه‌ریزی میان‌مدتی متوازن طراحی کرد. از فشارهای تحمیل‌شده می‌توان فرصتی برای حرکت به سمت توسعه و تأمین منافع ملی ساخت. با توجه به شرایطی که نظام جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه است و نیز قرائت تحلیلی رایج، این احتمال وجود دارد که روند مصالحه تداوم یابد و به درگیری نظامی دیگری منجر نشود. اما تحقق این امر مستلزم گردآمدن فکر و اندیشه‌ای هم‌سو در داخل کشور و بهره‌گیری هوشمندانه از فرصت‌های موجود به‌نفع جمهوری اسلامی ایران است. /شفقنا

برای شکل دادن به نظم منطقه‌ای

آیا پیمان مکه می‌تواند بدون حضور ایران باشد؟

علی رضوان پور

این پیمان که اخیراً میان عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین (و با حمایت ضمنی آمریکا و اسرائیل) در چارچوب رزمایش‌های مشترک و هماهنگی‌های دفاعی شکل گرفته، در واکنش به نگرانی‌های امنیتی مشترک (نظیر تهدیدات موشکی و پهپادی) و همچنین در بستر روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل (توافق آبراهام) طراحی شده است. هدف اعلامی آن، تقویت بازدارندگی جمعی در برابر «تهدیدات خارجی» است. سوالی که اینجا مطرح می شود این است که آیا این پیمان می‌تواند نظم منطقه‌ای بدون ایران ایجاد کند؟

در پاسخ باید گفت خیر، به دلایل ساختاری، ژئوپلیتیکی و عملیاتی که در ذیل به آنها اشاره خواهند شد، این پیمان بدون حضور ایران نمی‌تواند نظم منطقه ای مطلوب را برای کشورهای هدف ایجاد کند.

الف) نبود «عمق استراتژیک» بدون ایران

• ایران به‌عنوان یک بازیگر محوری در معادلات امنیتی خلیج فارس (با توجه به موقعیت تنگه هرمز، نفوذ در عراق، سوریه، لبنان و یمن) قابل حذف نیست. هرگونه نظم منطقه‌ای که ایران را نادیده بگیرد، فاقد پایداری خواهد بود.

• تجربه تاریخی (جنگ ۸ ساله، بحران‌های نفتی، و تحولات ۲۰۱۱ به بعد) نشان می‌دهد که امنیت منطقه بدون گفتگو با ایران، شکننده و موقتی است.

ب) ناهمگونی درونی ائتلاف

• اختلافات داخلی میان اعضا: امارات و عربستان در موضوعاتی مانند سیاست نفتی (اوپک)، نحوه مواجهه با اخوان‌المسلمین، و رویکرد به یمن اختلاف‌نظر دارند.

• وابستگی شدید به آمریکا: این پیمان بدون چتر نظامی آمریکا (پایگاه‌ها، ناوگان پنجم، سامانه‌های پدافندی) عملاً فاقد بازدارندگی واقعی است. اما سیاست‌های متغیر آمریکا (نظیر خروج از افغانستان یا کاهش تعهدات) اعتبار این تضمین را زیر سوال برده است.

ج) واکنش ایران و بازیگران دیگر

• ایران این پیمان را «تهدید مستقیم» تلقی کرده و در پاسخ، توانمندی‌های موشکی و پهپادی خود را ارتقا داده و روابط با روسیه و چین را گسترش داده است.

• ترکیه، قطر و عمان نیز به‌عنوان بازیگران مستقل، با این ائتلاف همراه نشده‌اند و در عمل، «نظم بدون ایران» را به رسمیت نمی‌شناسند.

د) تجربه شکست خورده «ائتلاف عربی» در یمن

• ائتلاف نظامی تحت رهبری سعودی از ۲۰۱۵ تاکنون نتوانسته به اهدافش برسد، در حالی که ایران از طریق حمایت از انصارالله، موازنه را حفظ کرده است. این شکست، نشان می‌دهد که ائتلاف‌های نظامی بدون راه‌حل سیاسی، نمی‌توانند نظم پایدار بسازند.

جمع‌بندی و چشم‌انداز

نظم منطقه‌ای پایدار در خاورمیانه تنها از طریق چندجانبه‌گرایی فراگیر (شامل ایران، ترکیه، قطر و حتی عراق و سوریه) و راه‌حل‌های سیاسی (نه صرفاً نظامی) امکان‌پذیر است. پیمان مکه می‌تواند به‌عنوان یک «ابزار موازنه» در کوتاه‌مدت عمل کند، اما اگر به «دیپلماسی منطقه‌ای» (مثل روند عادی‌سازی با ایران یا گفتگوهای امنیتی فراگیر) تبدیل نشود، احتمالاً به تشدید رقابت و بی‌ثباتی بیشتر دامن خواهد زد. به‌ویژه با توجه به تحولات اخیر (از سرگیری روابط ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳ و توافقات امنیتی)، به نظر می‌رسد که اعضای این پیمان نیز به‌تدریج به این نتیجه رسیده‌اند که «امنیت مشترک» بدون ایران یک سراب است و مسیر عملی، گفتگو و همکاری چندجانبه است. نتیجه نهایی این پیمان نه از نظر عملیاتی و نه از نظر ژئوپلیتیکی قادر به ایجاد نظم منطقه‌ای بدون ایران نیست. در بهترین حالت، می‌تواند به «بازدارندگی موقت» کمک کند، اما نظم واقعی نیازمند تعامل با تهران و سایر بازیگران اصلی است. / دیپلماسی ایرانی

آیا آبراهام لینکلن راز شکست محاسبات ترامپ را فاش کرد؟

گزارش‌های نگران‌کننده از آبراهام لینکلن، همزمان با فرسایش ذخایر تسلیحاتی آمریکا، تصویری متفاوت از ادعای برتری نظامی واشنگتن ترسیم می‌کند؛ تصویری که تاب‌آوری ایران، جنگ فرسایشی و نقش راهبردی تنگه هرمز را برجسته‌تر می‌سازد.

هنوز رسوایی کاهش ذخایر تسلیحاتی آمریکا، به‌ویژه رهگیرهای پاتریوت و تاد، از دستور کار دولت ترامپ خارج نشده که گزارش‌های منتشرشده درباره وضعیت داخلی ناو هواپیمابر «یواس‌اس آبراهام لینکلن» نشانه‌های تازه‌ای از فرسایش توان نظامی آمریکا را آشکار کرده است؛ ناوی که ترامپ زمانی اعزام آن به غرب آسیا را مایه افتخار ارتش آمریکا می‌دانست.

آبراهام لینکلن با حدود پنج هزار ملوان و تفنگدار دریایی، اکنون پس از ماه‌ها حضور در جنگ علیه ایران، با روایت‌هایی نگران‌کننده از فرسودگی جسمی و روانی خدمه مواجه است. خانواده برخی ملوانان از خستگی مفرط، افت سلامت روان، نگرانی درباره امنیت جانی و حتی تلاش برای خودکشی سخن گفته‌اند. گزارش‌هایی نیز درباره کمبود غذا و افت کیفیت آن در این ناو و ناو «یواس‌اس تریپولی» منتشر شده است.

هرچند فرماندهی مرکزی آمریکا گزارش‌ها درباره کشته‌شدن هفت ملوان در درگیری فیزیکی و افزایش موارد خودکشی در لینکلن را تکذیب کرده، مجموعه این گزارش‌ها، هشدار برخی سناتورها و درخواست برای بازخواست مسئولان، در کنار بازگشت این ناو و عزیمت آن به سمت سن دیگو و جایگزینی ناو هواپیمابر «یواس‌اس جورج واشنگتن» به جای لینکلن، نشان می‌دهد که نمی‌توان همه نشانه‌های بحران را صرفاً محصول جنگ رسانه‌ای دانست.

ارتشی که پشت تصویر هالیوودی ترک برداشت

ترامپ ورود خود به کاخ سفید را با وعده احیای «ارتش برتر جهان» همراه کرد و بارها مدعی شد آمریکا قادر است در کوتاه‌ترین زمان ایران را از پا درآورد. تصاویر پرزرق‌وبرق از تجهیزات نظامی، آماده‌سازی موشک‌ها و حضور نیروها در ناوهای آمریکایی نیز بخشی از همین نمایش قدرت بود.

اما آنچه اکنون از درون آبراهام لینکلن روایت می‌شود، تصویری متفاوت ارائه می‌کند: ارتشی که نه فقط با فشار میدان نبرد، بلکه با فرسایش نیروی انسانی، مشکلات پشتیبانی و فشار بر منابع تسلیحاتی مواجه است.

گزارش‌های منتشرشده درباره از دست رفتن ده‌ها پهپاد «ام‌کیو-۹ ریپر» و کاهش ذخایر رهگیرهای پاتریوت و تاد، در کنار هزینه‌های سنگین جنگ، این پرسش را جدی‌تر کرده است که آیا آمریکا می‌تواند جنگی طولانی‌مدت و پرهزینه را بدون پرداخت هزینه‌های فزاینده ادامه دهد؟

از وعده نابودی ایران تا دغدغه قیمت نفت

تناقض میان ادعاهای اولیه واشنگتن و مواضع امروز مقامات آمریکایی نیز قابل تأمل است. در حالی که جنگ در آغاز، مأموریتی کوتاه و محدود معرفی می‌شد، اکنون پس از ماه‌ها، اولویت‌های اعلام‌شده آمریکا بیش از پیش از «نابودی ایران» به

بازگشایی تنگه هرمز، کاهش قیمت نفت و بنزین، محاصره دریایی و تشدید فشار اقتصادی تغییر کرده است.

مواضع مقاماتی چون معاون رئیس‌جمهور و وزیر جنگ آمریکا، در کنار تهدیدهای وزیر خزانه‌داری به تشدید فشارهای اقتصادی، از تغییر محاسبه واشنگتن حکایت دارد؛ تغییری که می‌توان آن را حاصل برخورد میان اهداف بلندپروازانه نظامی و واقعیت‌های سخت میدان دانست.

در این میان، آبراهام لینکلن بیش از آنکه صرفاً یک ناو جنگی باشد، به نمادی از فاصله میان تصویر ساخته‌شده از قدرت آمریکا و هزینه واقعی حفظ آن قدرت در یک جنگ فرسایشی تبدیل شده است.

ایران فقط تنگه را نمی‌بندد؛ زمان بازگشایی را هم تعیین می‌کند

درس اصلی این معادله آن است که نتیجه جنگ را نمی‌توان صرفاً با تعداد ناوها، موشک‌ها و هواپیماها سنجید. تاب‌آوری، جنگ نامتقارن، عمق راهبردی و بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، می‌تواند موازنه قدرت را دگرگون کند.

از همین منظر، حفظ انسجام ملی، پرهیز از محاسبات هیجانی و جلوگیری از تصمیماتی که تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی را تضعیف کند، بخشی از راهبرد ادامه مسیر است. ایران می‌تواند با اتکا به ظرفیت‌های موجود، معادله پایان جنگ را از «تحمیل شروط» به «تعیین شروط» تغییر دهد.

در چنین چارچوبی، تنگه هرمز صرفاً موضوعی برای تصمیم درباره بسته‌شدن نیست؛ مسئله مهم‌تر، زمان و شرایط بازگشایی آن است. اگر امنیت منطقه‌ای، رفع محاصره و آزادی دارایی‌های ایران به بخشی از معادله پایان جنگ تبدیل شود، تهران عملاً درباره زمان بازگشت تنگه به وضعیت عادی نیز نقش تعیین‌کننده خواهد داشت.

انتصاب فرماندهان جدید، تأکید آنان بر حفظ آرایش جنگی و مدیریت امنیتی تنگه، در کنار هشدارهای دیپلماتیک درباره گرفتار نشدن در دام اخبار جعلی و محاسبات اشتباه، پیامی روشن دارد: جنگ ممکن است با قدرت نظامی آغاز شود، اما پایان آن را مجموعه‌ای از عوامل نظامی، اقتصادی، روانی و ژئوپلیتیکی تعیین می‌کند.

آبراهام لینکلن شاید تنها یک ناو باشد؛ اما اگر نشانه‌های فرسایش از عرشه آن به تصمیم‌گیری‌های واشنگتن سرایت کرده باشد، آنچه در پیش است دیگر صرفاً یک بحران دریایی نیست؛ بلکه آزمونی برای ادعای «ارتش اول جهان» در برابر قدرت تاب‌آوری و راهبرد ایران است. نورنیوز

سودوکـــو

سودوکو شماره ۲۶۵ گویه

7		3	1	9			2	
		8	7		5			6
		6				5		
3	7				1			8
		2			8			
1	8		4		9	6		
6	4				7	3	8	1
						4		
	3							

گویه در فضای مجازی

پاسخ سودوکو شماره ۲۶۴

1	7	9	2	4	5	6	8	3
3	2	4	6	7	8	9	1	5
5	8	6	9	3	1	4	2	7
2	9	1	5	8	3	7	6	4
7	4	3	1	2	6	5	9	8
6	5	8	4	9	7	1	3	2
4	3	7	8	1	9	2	5	6
8	1	5	7	6	2	3	4	9
9	6	2	3	5	4	8	7	1

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم شهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۲۰ / ۹ / ۱۳۹۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد :

املاک متقاضیان واقع در قریه خمیرکنده پلاک ۲۴ اصلی بخش ۱۶

۸۲ فرعی بنام خانم نسترن امیری نسبت به ششدانگ یکباب خانه که مقدار ۹۶ سیر مشاع از ۲۴۰ سیر ششدانگ عرصه موقوفه می باشد به مساحت ۶۳ / ۵۰۴ مترمربع خریداری مع الواسطه از آقای عباس وهابی چمازکتی مالک رسمی.

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده ، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود ، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان با طلاع عموم می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید. م.الف. ۲۲۴۰۴۸۱

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۰ / ۰۵ / ۱۴۰۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۵ / ۰۵ / ۱۴۰۵

مرتضی قاسم پور- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قائمشهر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم شهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۲۰ / ۹ / ۱۳۹۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد :

املاک متقاضیان واقع در رنگریزکلا پلاک ۲۰ اصلی بخش ۵

۶۳۸ فرعی بنام خانم فرانک ضرغامی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۹۳ مترمربع خریداری بلا واسطه از تقسیم نامه ورثه مالک رسمی.

۶۳۹ فرعی بنام خانم فریده ضرغامی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۳۵۶ مترمربع خریداری بلاواسطه از مرحوم فریدون خان ضرغامی مالک رسمی.

۶۴۰ فرعی بنام خانم مریم ضرغامی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۱۵۱ مترمربع خریداری بلاواسطه از تقسیم نامه ورثه مالک رسمی.

۶۴۱ فرعی بنام خانم مریم ضرغامی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۹۳ مترمربع خریداری بلاواسطه از تقسیم نامه ورثه مالک رسمی.

۶۴۲ فرعی بنام خانم فریده

سونامی سالمندی در ایران؛

امروز نسل سالمندان تنها و بیمار فردا را می‌سازیم

هشدار درباره ابربحران سالمندی؛ ۳۱ درصد ایرانیان در آینده سالمند خواهند بود

بیشتر مردم برای سالمندی خود، چشم انداز استراحت و آرامش را تصور می‌کنند، اما در واقعیت هنگامی که پیر می‌شوند با چالش‌هایی مانند انواع و اقسام بیماری‌ها از دیابت تا فشار خون، انزوای اجتماعی و نگرانی‌های مالی مواجه می‌شوند اما نگرانی بیشتر درمورد نسل سالمندان آینده است چراکه پیامد انباشت فرصت‌ها و محرومیت‌های دوران کودکی، جوانی و میانسالی، سالمندی آینده را تهدید می‌کند.

این روزها بسیار شنیده می‌شود که ابربحران سالمندی یا سونامی سالمندی در پیش است؛ هشدارهایی که کم کم به واسطه تکرار در حال عادی شدن برای مردم است. سالمندی با بقیه دوران زندگی متفاوت است چون کم کم توان بدن کم می شود و موضوع استقلال و سلامت و تعامل اجتماعی بیش از پیش اهمیت می‌یابد.

سالمندی دوران حساسی از زندگی بشر است که تقریبا از دهه ششم زندگی آغاز می‌شود. برای داشتن سالمندی سالم، افراد باید از کودکی زندگی سالمی داشته باشند؛ در حقیقت تک تک دوران زندگی از کودکی تا میانسالی بر دوره سالمندی تاثیرگذار هستند. اما با توجه به شرایط رفاه اجتماعی حاضر، باید انتظار نسل سالمندان تنها و بیمار را در آینده داشت.

سید جواد حسینی رئیس سازمان بهزیستی کشور اعلام کرده است تا سال ۱۴۲۰ بیش از ۳۱ درصد جمعیت ایران سالمند خواهند بود؛ آماری که ایران را به جمع کشورهای شدیدا سالخورده وارد می‌کند؛ آماری که اگر سیاست‌های رفاهی اصلاح نشود با نسلی متفاوت از سالمندان روبرو خواهیم شد.

براساس گزارش دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور با عنوان سالمندی در پرتو چرخه زندگی، نابرابری‌ها و ناامنی‌های اقتصادی و اجتماعی موجود، به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی سالمندان آینده اثرگذار است.

این گزارش با بهره‌گیری از رویکرد چرخه زندگی و نظریه نابرابری انباشتی، سالمندی را نه صرفا مرحله‌ای از زندگی، بلکه پیامد انباشت فرصت ها و محرومیت هایی می‌داند که از دوران کودکی آغاز شده و در طول زندگی تداوم یافته‌اند، برخلاف رویکردهای متعارف که سالمندی را مساله‌ای محدود به سالهای پایانی عمر تلقی می‌کنند، این گزارش نشان می‌دهد که کیفیت زندگی سالمندان به شدت تحت تأثیر شرایط اولیه زندگی، دسترسی به آموزش، وضعیت اشتغال، امنیت درآمدی، سلامت، مسکن و میزان برخورداری از حمایت های اجتماعی در دوره‌های مختلف زندگی قرار دارد.

بر اساس این گزارش، بحران سالمندی در ایران، بیش از آنکه یک مساله جمعیت شناختی باشد، موضوعی مربوط به رفاه اجتماعی است؛ امری که طی سالهای اخیر با اجرای سیاست های اقتصادی مبتنی بر تعدیل ساختاری، خصوصی سازی، موقتی سازی و آزادسازی، بیش از پیش به محاق رفته است. بررسی وضعیت ایران نشان می‌دهد که ناامنی شغلی، گسترش اشتغال غیررسمی، ضعف پوشش بیمه‌ای، نابرابری های جنسیتی، افزایش هزینه‌های درمان، دشواری دسترسی به مسکن مناسب و کاهش مشارکت اجتماعی، از مهمترین عواملی هستند که زمینه‌ساز فقر، بیماری و انزوای اجتماعی در دوران سالمندی می‌شوند.

این عوامل نه به صورت مستقل، بلکه به شکل زنجیره‌ای و انباشتی عمل می کنند و باعث تشدید شکاف‌های اجتماعی موجود در سالهای پایانی عمر می‌شوند، گزارش همچنین نشان می دهد که زنان، افراد دارای سابقه اشتغال غیررسمی، ساکنان مناطق محروم و گروه‌های کم درآمد بیش از سایرین در معرض پیامدهای منفی سالمندی قرار دارند. از این رو، سیاستگذاری مؤثر در حوزه سالمندی نمی‌تواند به حمایت از سالمندان محدود شود، بلکه باید به کاهش نابرابری ها در تمام مراحل زندگی بپردازد. بهبود شرایط کودکی، کاهش فقر، گسترش دسترسی برابر به آموزش، تقویت حقوق نیروی کار، توسعه نظام تأمین اجتماعی فراگیر و حمایت از مراقبت اجتماعی، از مهمترین پیش شرط‌های تحقق سالمندی سالم و باکیفیت در ایران هستند.

این گزارش در رابطه با موضوع سلامت متذکر می شود که نابرابری در دسترسی به خدمات بهداشتی، درمانی و هزینه بالای درمان در دوران جوانی و سالمندی، یکی از عوامل دیگر تعیین کننده کیفیت زندگی در دوران سالمندی است، هزینه‌های بالای درمان باعث می‌شود که بسیاری از افراد از مراجعه به پزشک یا ادامه روند درمان خود اجتناب کنند، این امر هم میزان بیماری های شناسایی نشده و هم میزان بیماری های شناسایی شده اما درمان نشده را افزایش می‌دهد. بیماری‌هایی که در صورت تشخیص در دوران جوانی و میانسالی با صرف هزینه و زمان کمتر قابل درمان بودند، در دوران سالمندی، تبدیل به بیماری‌های مزمن می‌شوند که کیفیت زندگی سالمندان را به شدت کاهش داده و درمان این بیماری ها و نیز مراقبت از سالمندان مبتلا به آنها با سختی و هزینه های بسیاری همراه خواهد بود.

یک یافته مهم دیگر این گزارش آن است که بیش از ۹۰ درصد از قراردادهای کار در ایران موقتی هستند و بیش از نیمی از شاغلان در مشاغل غیررسمی فاقد بیمه کار می‌کنند، این در حالی است که پژوهش‌ها نشان می‌دهند اضطراب مزمن ناشی

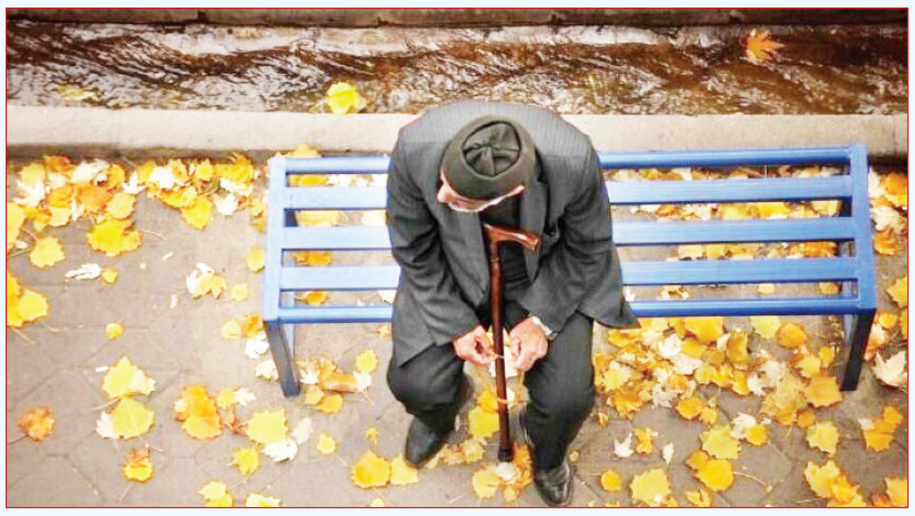

از ناامنی شغلی در میانسالی، مستقیما با ابتلا به زوال عقل، بیماری‌های قلبی و افسردگی در دوران سالمندی مرتبط است.

دبیرخانه شورای ملی سالمندان درباره این آمار هشدار می‌دهد که ایران همین امروز دارد نسل آینده سالمندان پرهزینه، بیمار و تنهای خود را می‌سازد و تا سال ۱۴۳۰ که ۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت کشور سالمند خواهند بود، فرصت چندانی برای تغییر مسیر باقی نمانده است.

تدوین نظام پایش چرخه زندگی با هدف رصد نابرابری‌های انباشتی از کودکی تا سالمندی و ایجاد پایگاه داده های یکپارچه برای سنجش اثرات بلندمدت سیاست های اجتماعی، کاهش فقر کودکی از طریق گسترش حمایت‌های درآمدی، تغذیه ای و آموزشی برای خانوارهای کم درآمد و مناطق محروم و مقابله با ناامنی شغلی از طریق محدودسازی قراردادهای موقت، گسترش پوشش قانون کار و کاهش اشتغال غیررسمی از جمله سیاست‌های پیشنهادی این گزارش برای مقابله با پدیده سالمندان تنها و بیمار در نسل آینده است.

ضرورت برنامه‌ریزی مناسب برای سالمندان

هرچند در این گزارش، بیماری و تنهایی، سرنوشت سالمندان آینده ذکر شده اما حقیقت این است که سالمندان فعلی نیز با این مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند چنانکه به گفته سیدجوادحسینی رئیس سازمان بهزیستی کشور، ۶۰ درصد سالمندان بالای ۷۰ سال کشور حداقل یک بیماری مزمن دارند و یکی از مهم‌ترین مشکلات سالمندان، احساس تنهایی است به‌طوری که در مطالعات انجام شده، ۶۲ درصد سالمندان، تنهایی را مهم‌ترین مشکل خود عنوان کرده‌اند.

رییس سازمان بهزیستی کشور با هشدار نسبت به شتاب بالای سالمندی در ایران گفت: اگر برای مدیریت این روند برنامه‌ریزی نکنیم در سال‌های آینده با یک ابربحران اجتماعی مواجه خواهیم شد اما در صورت برنامه‌ریزی صحیح، سالمندی می‌تواند به فرصتی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور تبدیل شود.

حسینی با تشریح وضعیت سالمندی در ایران اظهار کرد: بر اساس معیارهای جمعیت‌شناسی، اگر هفت درصد جمعیت یک کشور بالای ۶۰ سال باشد، آن کشور جوان، بین هفت تا ۱۴ درصد در حال ورود به سالمندی، بین ۱۴ تا ۲۳ درصد کشور سالمند، بین ۲۳ تا ۲۷ درصد کشور سالخورده و از ۲۷ درصد به بالا شدیدا سالخورده محسوب می‌شود. در حال حاضر حدود ۱۴ درصد جمعیت ایران بالای ۶۰ سال سن دارند که در این میانگین سنی، کشور وارد مرحله سالمندی شده است. بر اساس پیش‌بینی‌ها تا سال ۱۴۳۰ بیش از ۳۱ درصد جمعیت کشور را سالمندان تشکیل خواهند داد و ایران به جامعه‌ای شدیدا سالخورده تبدیل می‌شود.

رئیس سازمان بهزیستی کشور با تاکید بر ضرورت تبدیل موضوع سالمندی به یک مساله اجتماعی گفت: اگر امروز به موضوع سالمندی توجه نکنیم در آینده با بحران‌های اجتماعی پیچیده‌ای روبه‌رو خواهیم شد اما در صورت برنامه‌ریزی مناسب، سالمندی می‌تواند فرصت‌های جدیدی در حوزه اشتغال و اقتصاد ایجاد کند.

وی با اشاره به مفهوم اقتصاد نقره‌ای افزود: ایجاد مشاغل مرتبط با مراقبت از سالمندان، یکی از سریع‌ترین و پایدارترین فرصت‌های اشتغال‌زایی در دنیاست و ایران نیز باید از این ظرفیت بهره‌مند شود.

کاهش نابرابری‌های ساختاری متضمن سالمندی سالم در آینده

سالمندی را نمی‌توان صرفا پیامد افزایش سن دانست. کیفیت زندگی در دوران سالمندی بازتاب مجموعه‌ای از فرصت‌ها و محرومیت‌هایی است که افراد از نخستین سالهای زندگی با آنها مواجه می شوند بنابراین با توجه به روندهای کنونی رفاهی و اقتصادی، جمعیت‌شناسی و چالش‌هایی که سالمندان آینده با آن مواجه خواهند بود، لازم است تا سیاست‌گذاران، خانواده‌ها و جامعه به طور کلی اقدامات مؤثری برای حمایت از این قشر آسیب‌پذیر انجام دهند.

گزارش دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور نشان می‌دهد بهبود کیفیت زندگی سالمندان مستلزم اتخاذ سیاست‌هایی است که نه تنها پیامدهای نابرابری را کاهش دهند، بلکه سازوکارهای تولیدکننده آن را نیز هدف قرار دهند. رویکرد چرخه زندگی این امکان را فراهم می‌کند که سالمندی به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی گسترده‌تر درک شود و سیاستگذاری اجتماعی از مداخلات مقطعی و جبرانی به سمت کاهش نابرابری های ساختاری و پیشگیری از بازتولید آنها در نسل های آینده حرکت کند./ ایرنا

دبیر انجمن سکته مغزی ایران در گفتگویی مطرح کرد:

کدام سرگیجه خطرناک است؟ نشانه‌هایی که نباید به‌سادگی از کنارشان گذشت

یک متخصص مغز و اعصاب می‌گوید: فردی که به صورت ناگهانی تعادلش کاهش پیدا کرده و هم‌زمان دچار سرگیجه شده، ممکن است سکته مغزی کرده باشد. چنین فردی با این علائم باید در زمان طلایی به بیمارستان منتقل شود.

همه افراد در طول زندگی چند باری دچار سرگیجه می‌شوند؛ به طوری که ناگهان محیطی که در آن هستند، دور سرشان می‌چرخد یا سرشان به دَوَران می‌افتد. خیلی‌ها با سرگیجه، نگران بیماری‌های مغزی مثل تومور در خود می‌شوند. متخصصان مغز و اعصاب می‌گویند همه سرگیجه‌ها خطرناک نیستند و همه احساس‌های ناخوشایند مثل سبکی سر و سیاهی رفتن چشم هم سرگیجه نیستند. اما بعضی سرگیجه‌ها اگر با نشانه‌های خاصی همراه باشند، باید حتما جدی گرفته شوند.

همه سرگیجه‌ها خطرناکند؟

آن طور که متخصصان می‌گویند افت فشار خون، کم‌آبی بدن، بعضی داروها، اضطراب و حتی خستگی می‌توانند باعث احساس سرگیجه شوند. از سوی دیگر، بعضی سرگیجه‌ها می‌توانند نشانه وجود مشکلات مغزی و عصبی باشند. دکتر احسان شریفی‌پور، متخصص مغز و اعصاب و دبیر انجمن سکته مغزی ایران می‌گوید: «سرگیجه، یکی از شایع‌ترین تظاهرات بیماری‌های مغز و اعصاب است و خیلی از بیماران با علامت سرگیجه به پزشک مراجعه می‌کنند.»

شریفی‌پور می‌گوید: «البته اسم هر احساسی را نمی‌توان گذاشت سرگیجه؛ بعضی سرگیجه‌ها می‌توانند نشان‌دهنده سکته مغزی، تومور مغزی و حتی ام‌اس باشند اما در بعضی سرگیجه‌ها ممکن است عفونت گوش ایجاد شده باشد یا مایع گوش میانی تکان خورده باشد که اینها سرگیجه‌های خطرناک و نگران‌کننده‌ای نیستند.» کدام سرگیجه‌ها خطرناکند؟ | دلیل این مدل سرگیجه کم‌آبی بدن است

این متخصص مغز و اعصاب درباره انواع سرگیجه‌ها بیشتر توضیح می‌دهد: «هر احساسی سرگیجه نیست. سرگیجه واقعی به معنای احساس دَوَران محیط یا دَوَران خود فرد است؛ یعنی فرد احساس می‌کند محیط اطرافش در حال چرخیدن است یا خودش دارد در محیط می‌چرخد. این تعریف واقعی سرگیجه است. بعضی حالت‌ها هم هستند که سرگیجه نیستند و در اصطلاح پزشکی «شبه‌سرگیجه» یا در اصطلاح پزشکی Dizzinessنامیده می‌شوند. مثلا فرد از جای خودش بلند می‌شود و برای لحظه‌ای چشم‌هایش سیاهی می‌رود. این حالت معمولاً به دلیل اختلالات گردش خون اتفاق می‌افتد؛ یعنی در یک لحظه خون کافی به مغز نمی‌رسد.»

بعضی سرگیجه‌ها از سکته و ام‌اس خبر می‌دهند

سرگیجه به دو نوع محیطی و مرکزی تقسیم می‌شود؛ سرگیجه محیطی ناشی از اختلال در گوش داخلی و سرگیجه مرکزی ناشی از اختلال در مغز و سیستم عصبی مرکزی است. دکتر شریفی‌پور می‌گوید: «ما باید افتراق دهیم که آیا سرگیجه ما محیطی است یا مرکزی.» این متخصص مغز و اعصاب می‌گوید: «سرگیجه‌های محیطی معمولاً خطرناک نیستند و اگر درمان مناسب انجام شود، زود برطرف می‌شوند. اما سرگیجه‌های مرکزی اهمیت دارند. چون می‌توانند نشان‌دهنده یک بیماری مهم در سیستم مغز و نخاع باشند. مثلا سرگیجه مرکزی می‌تواند نشان‌دهنده بروز سکته مغزی، تومور مغزی و حتی ام‌اس باشد. درمقابل، در سرگیجه‌های محیطی ممکن است عفونت گوش ایجاد شده باشد، اختلالاتی در گوش میانی اتفاق افتاده باشد یا اصطلاحاً گفته شود که مایع گوش میانی تکان خورده است که خطری ندارد.»

اما چطور می‌توان تفاوت این دو نوع سرگیجه را تشخیص داد؟ دکتر شریفی‌پور می‌گوید: «فردی که دچار سرگیجه‌های مکرر و تکرارشونده یا سرگیجه‌ای است که برای مدتی ادامه دارد، باید حتما به متخصص مغز و اعصاب مراجعه کند. همچنین فردی که سرگیجه‌اش با علائم نورولوژیک همراه باشد، مثلا ضعف بدن، تاری دید، اختلال در راه رفتن، اختلال تکلم یا اختلال بلع داشته باشد یا تعادلش کاهش پیدا کرده باشد، باید مراجعه کند تا از نظر سرگیجه‌های مرکزی بررسی شود.»

این متخصص مغز اضافه می‌کند: «درمقابل، اگر سرگیجه همراه با گوش‌درد باشد، کوتاه‌مدت باشد یا با اختلالات نورولوژیک (مشکلات یا علائمی که به مغز، نخاع و اعصاب مربوط می‌شوند) همراه نباشد، احتمالاً محیطی است و منشأ مرکزی ندارد. این موارد معمولاً با یک درمان علامتی کوتاه‌مدت برطرف می‌شوند.» شریفی‌پور تاکید می‌کند که «به طور کلی باید به سرگیجه اهمیت داد و آن را ندیده نگرفت.»

دلیل این سرگیجه فقط کم‌آبی بدن است

سرگیجه‌ای که در گرما به فرد دست می‌دهد، از چه نوع سرگیجه‌ای است؟ آیا ممکن است کم آب نوشیدن هم باعث سرگیجه شود؟ و آیا این حالت خطرناک است؟ شریفی‌پور پاسخ می‌دهد: «این حالت همان لایت‌هددنس» (Lightheadedness) یا «دیزی‌نس (Dizziness) یا همان شبه‌سرگیجه‌ای است که به آن سبکی سر هم می‌گویند. وقتی گردش خون ناکافی باشد، مثلا فرد در معرض گرما قرار گرفته و مایعات بدنش کاهش پیدا کرده است، طبیعتاً فشار خون افت می‌کند و وقتی فرد مثلاً حرکت می‌کند، خون کافی به سر نمی‌رسد و احساس سرگیجه‌مانندی به او دست می‌دهد. این حالت شبه‌سرگیجه است و خطرناک نیست، اما اهمیت دارد. چون نشانه کم‌آبی بدن است و باید سریع اصلاح شود.»

این متخصص مغز و اعصاب می‌گوید: «اگر کم‌آبی بدن جبران و اصلاح نشود، شدت آن می‌تواند افزایش پیدا کند و با افت فشار خون و اختلال در خون‌رسانی به مغز، به صدمات مغزی منجر شود.»

ارتباط سرگیجه و سکته مغزی!

شریفی‌پور در ادامه به ارتباط سرگیجه و بروز سکته مغزی هم اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «یکی از پنج علامت اولیه‌ای که می‌تواند نشان‌دهنده سکته مغزی باشد، سرگیجه به همراه اختلال تعادل است. یعنی فردی که به صورت ناگهانی تعادلش کاهش پیدا کرده و هم‌زمان دچار سرگیجه شده، ممکن است یکی از نشانه‌های اولیه بروز سکته مغزی را داشته باشد.»

به گفته این متخصص مغز و اعصاب، «همراهی سرگیجه با علائم مغزی مثل کاهش بینایی، اختلال بلع، اختلال تکلم یا اختلال در تعادل، ما را به انجام تصویربرداری و بررسی‌های بیشتر وامی‌دارد. معمولا این علائم نشان‌دهنده این است که فرد ممکن است دچار سکته مغزی شده باشد.»

شریفی‌پور می‌گوید: «تأکید می‌کنم که منظور از این نوع سرگیجه، سرگیجه‌ای است که همراه با اختلال تعادل باشد، نه سرگیجه به‌تنهایی. مثلا فرد از جای خود بلند شود و موقع راه رفتن نتواند تعادلش را حفظ کند.»

دبیر انجمن سکته مغزی ایران درباره دلیل سرگیجه‌های ناشی از سکته مغزی توضیح می‌دهد: «معمولاً سرگیجه‌هایی که در سکته مغزی اتفاق می‌افتند، به دلیل اختلال در گردش خون خَلفی مغز ایجاد می‌شوند؛ یعنی ناحیه مخچه و ساقه مغز درگیر می‌شود.»

این پزشک می‌گوید: «اگر چنین اتفاقی افتاده باشد، باید درمان فوری انجام شود. کسی که چنین علائمی دارد، نباید مثلاً بگیرد بخوابد. چون این کار باعث می‌شود زمان طلایی درمان از دست برود. فردِ دارای این علائم باید در زمان طلایی درمان که ۳ تا ۶ ساعت است، به بیمارستان مراجعه کند. در این شرایط، استفاده از داروی حل‌کننده لخته یا خارج کردن لخته از عروق خونی بزرگ می‌تواند جان فرد را نجات دهد.»

پایین آمدن سن سکته مغزی در ایران

دبیر انجمن سکته مغزی ایران می‌گوید: «این اتفاق (سرگیجه و سکته مغزی) در جوانان هم ممکن است رخ دهد و فقط مختص سالمندان نیست. به خصوص در جوانانی که دچار ضربه شده‌اند یا بیماری زمینه‌ای قلبی یا خونی دارند.»

به گفته این متخصص مغز و اعصاب، «سکته مغزی، سن نمی‌شناسد و در هر سنی امکان بروز آن وجود دارد. ما از ۲۸ روزگی انتظار بروز سکته مغزی داریم تا سنین خیلی بالا. البته سکته مغزی در سنین بسیار پایین شایع نیست و اوج بروز آن در دهه ۶۰ سالگی به بالا و به‌ویژه ۷۰ سالگی به بالا است.»

شریفی‌پور از پایین آمدن سن سکته مغزی در کشور هم خبر می‌دهد و می‌گوید: «متأسفانه میانگین سنی بروز سکته مغزی در کشور ما حدود ۱۰ سال پایین‌تر آمده است. در دنیا میانگین سنی بروز سکته مغزی بالای ۷۰ سال است، اما در کشور ما این میانگین به حدود ۶۰ تا ۷۰ سال رسیده است.»/ همشهری آنلاین

اوقات فراغت دانش‌آموزان در ایستگاه پایانی

نسخه روان‌شناسان برای آخرین روزهای تابستان دانش‌آموزان

تابستان آرام‌آرام به ایستگاه پایانی خود نزدیک می‌شود و دانش‌آموزان میان لذت آخرین روزهای تعطیلی و آماده‌شدن برای مدرسه ایستاده‌اند؛ روزهایی که اگر درست مدیریت شوند، می‌توانند فرصتی برای استراحت، یادگیری، تجربه‌های تازه و بازگشت تدریجی به حال‌وهوای مدرسه باشند.

عصرهای آخر تابستان، کوچه‌ها هنوز رنگ تعطیلات را دارند؛ صدای بازی بچه‌ها از حیاط و پارک به گوش می‌رسد و بعضی پنجره‌ها هنوز تا شب روشن می‌مانند. با این حال، در گوشه‌ای از خانه‌ها، کیف‌های مدرسه دوباره از کمدها بیرون آمده‌اند، دفترها و کتاب‌ها روی میز قرار گرفته‌اند و زنگ ساعت‌ها کم‌کم از خواب تابستانی فاصله می‌گیرند تا دانش‌آموزان وارد فضای دیگری شوند.

در همین روزها، دانش‌آموزان میان دو حال‌وهوا ایستاده‌اند؛ از یک سو دلشان می‌خواهدروزهای باقی‌مانده را همچون روزهای قبل با بازی و تفریح بگذرانند و از سوی دیگر، صدای نزدیک‌شدن مدرسه را می‌شنوند. این روزهای کوتاه می‌تواند فرصتی باشد برای اینکه فراغت تابستانی، پیش از آنکه جای خود را به برنامه مدرسه بدهد، به شکلی متفاوت و هدفمند تجربه شود.

تابستان برای بسیاری از دانش‌آموزان با حس آزادی، خواب‌های طولانی‌تر، بازی، سفر و فاصله گرفتن از فضای رسمی مدرسه همراه است، اما وقتی تقویم به روزهای پایانی این فصل می‌رسد، حال‌وهوای تعطیلات کم‌کم تغییر می‌کند و نشانه‌های بازگشت به مدرسه بیشتر به چشم می‌آید.

در چنین روزهایی، هنوز فرصت برای لذت‌بردن از تعطیلات وجود دارد؛ فرصتی که نباید با عجله از دست برود و در عین حال، دانش‌آموز باید خود را آرام‌آرام برای تغییر برنامه روزانه و مسئولیت‌های مدرسه آماده کند. اوقات فراغت، برخلاف تصور رایج افراد به معنای خالی بودن زمان نیست و این زمان می‌تواند بستری برای تجربه‌کردن، آموختن، کشف استعدادها، ارتباط با خانواده و دوستان و حتی شناخت بهتر علایق شخصی باشد.

روزهای پایانی تابستان را می‌توان نقطه‌ای میان دو فصل از زندگی دانش‌آموز دانست؛ نقطه‌ای که اگر هوشمندانه مدیریت شود، هم خاطره‌ای خوب از تعطیلات باقی می‌گذارد و هم مسیر ورود به سال تحصیلی جدید را هموارتر می‌کند.

آخرین برگ‌های تابستان را چگونه ورق بزنیم؟

فاطمه رضازاده، روان‌شناس و مشاور کودک و نوجوان با بیان اینکه ماه پایانی تابستان برای دانش‌آموزان، فقط آخرین فرصت برای خداحافظی با تعطیلات نیست، بلکه زمانی مناسب برای آماده‌شدن تدریجی برای آغاز سال تحصیلی جدید است، به خبرنگار ایمنا می‌گوید: نحوه گذراندن این روزها می‌تواند بر روحیه، انگیزه و حتی کیفیت شروع مدرسه تأثیر بگذارد. اگر دانش‌آموز بتواند میان استراحت، تفریح، یادگیری و فعالیت‌های مورد علاقه خود تعادل ایجاد کند، از این فرصت بهترین استفاده را خواهد برد.

وی با بیان اینکه یکی از بهترین شیوه‌های استفاده از اوقات فراغت، اختصاص بخشی از زمان به فعالیت‌های مورد علاقه است، می‌افزاید: مطالعه کتاب‌های غیردرسی، نقاشی، ورزش، بازی‌های گروهی، موسیقی و انجام کارهای هنری می‌تواند ذهن دانش‌آموز را فعال و شاداب نگه دارد. فراغت زمانی ارزشمندتر می‌شود که دانش‌آموز در آن احساس اجبار نداشته باشد و بتواند با انتخاب آگاهانه، بخشی از علایق و استعدادهای خود را کشف کند.

روان‌شناس و مشاور کودک و نوجوان تصریح می‌کند: در روزهای پایانی تابستان، بهتر است زمانی نیز برای مرور آموخته‌های سال گذشته در نظر گرفته شود، این مرور لازم نیست به شکل مطالعه سنگین و فشرده باشد و حتی روزانه نیم ساعت مرور مطالب مهم، حل چند تمرین یا خواندن یک متن می‌تواند ذهن را برای بازگشت به فضای مدرسه آماده کند. هدف اصلی، ایجاد پیوستگی میان تعطیلات و سال تحصیلی جدید است، نه تبدیل تعطیلات به دوره‌ای پراسترس و خسته‌کننده.

با ذهنی آماده، روحیه‌ای شادتر و انگیزه‌ای بیشتر قدم به سال تحصیلی جدید بگذارید

رضازاده با بیان اینکه خواب و استراحت کافی نیز بخش مهمی از اوقات فراغت دانش‌آموزان است، ادامه می‌دهد: بسیاری از دانش‌آموزان در تابستان ساعت خواب منظمی ندارند و شب‌ها دیر می‌خوابند، اما نزدیک‌شدن به آغاز مدرسه فرصت مناسبی برای اصلاح تدریجی این عادت است و داشتن خواب منظم، در کنار تغذیه مناسب و فعالیت بدنی، به دانش‌آموز کمک می‌کند سال تحصیلی را با انرژی و تمرکز بیشتری آغاز کند.

وی می‌گوید: استفاده بیش از اندازه از تلفن همراه، بازی‌های رایانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند بخش زیادی از زمان فراغت را بدون آنکه نتیجه مفیدی داشته باشد، از بین ببرد. فناوری می‌تواند ابزار سرگرمی و یادگیری باشد، اما زمانی مفید است که استفاده از آن مدیریت شود و برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های متنوع و قرار دادن زمان مشخص برای استفاده از وسایل دیجیتال، می‌تواند مانع تبدیل‌شدن سرگرمی به عادت افراطی شود.

روان‌شناس و مشاور کودک و نوجوان با بیان اینکه اوقات فراغت دانش‌آموزان فرصتی برای رشد همه‌جانبه است که نباید تنها با درس خواندن یا سرگرمی‌های بی‌هدف پر شود، اضافه می‌کند: خانواده‌ها نیز می‌توانند با ایجاد فضایی آرام، پیشنهاد فعالیت‌های متنوع و احترام به علایق فرزندان، در استفاده بهتر از این زمان نقش داشته باشند. اگر روزهای پایانی تابستان با آرامش، برنامه‌ریزی و تنوع سپری شوند، دانش‌آموز می‌تواند با ذهنی آماده، روحیه‌ای شادتر و انگیزه‌ای بیشتر قدم به سال تحصیلی جدید بگذارد.

کمک به کشف استعدادها و علایق واقعی فرزندان از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت است

دشتی ادامه می‌دهد: حتی خریدهای اینترنتی در روزهای فراغت می‌تواند فرصت مناسبی برای آموزش این مهارت‌ها باشد. نسل امروز باید یاد بگیرد چگونه در فضای مجازی خرید آگاهانه انجام دهد، تصاویر تبلیغاتی را با نگاه انتقادی بررسی کند و فریب ظاهر تبلیغات را نخورد و این همان سواد رسانه‌ای و مالی است که زندگی آینده آنان به آن وابسته خواهد بود.

وی با بیان اینکه یکی از بهترین فرصت‌هایی که در دوران نوجوانی به‌ویژه در اوقات فراغت تابستان وجود دارد، آشنایی با محیط واقعی کسب‌وکار است، می‌گوید: نوجوانانی که در محیط‌های کاری سالم و امن، زیر نظر افراد مورد اعتماد خانواده، حضور پیدا می‌کنند، بسیاری از مهارت‌های زندگی را در عمل می‌آموزند و این تجربه می‌تواند بخشی از برنامه هدفمند اوقات فراغت باشد و به نوجوان کمک کند مسئولیت‌پذیری، نظم، مهارت‌های ارتباطی و شناخت بهتری از دنیای کار و علایق خود پیدا کند.

روان‌شناس و مشاور خانواده اضافه می‌کند: والدین باید بدانند که یکی از اهداف مهم برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت تابستان، کمک به کشف استعدادها و علایق واقعی فرزندان است. مسیر موفقیت همه افراد فقط از دانشگاه عبور نمی‌کند و تنها درصد محدودی از افراد در آینده در رشته تحصیلی دانشگاهی خود مشغول به کار می‌شوند و بسیاری از مشاغل موفق و درآمدزا خارج از مسیر آموزش دانشگاهی شکل می‌گیرند، بنابراین اگر نوجوانی علاقه و استعداد مشخصی در یک حرفه یا کسب‌وکار دارد، اوقات فراغت تابستان بهترین زمان برای شناخت، تجربه و پرورش این علاقه و فراهم کردن زمینه رشد اوست.

شاید ارزشمندترین بخش اوقات فراغت این باشد که دانش‌آموز بتواند در آن، خودش را بیشتر بشناسد، بفهمد از چه فعالیتی لذت می‌برد، چه مهارتی را دوست دارد یاد بگیرد و چه چیزی به او احساس آرامش و انرژی می‌دهد. قرار نیست روزهای آخر تابستان به برنامه‌ای فشرده و خسته‌کننده تبدیل شوند و چند انتخاب ساده، همچون پیاده‌روی، مطالعه، دیدار با دوستان، انجام یک فعالیت هنری یا مرور کوتاه درس‌ها می‌تواند این روزها را هم لذت‌بخش و هم مفید کند.

خانواده‌ها نیز در این میان نقش مهمی دارند و به‌جای آنکه تمام زمان فراغت را با توصیه و برنامه‌ریزی پر کنند، بهتر است به دانش‌آموز فرصت انتخاب بدهند و کنار او باشند. گاهی یک گفت‌وگوی ساده درباره علایق و برنامه‌های آینده، از ساعت‌ها اجبار و تذکر اثر بیشتری دارد.

پایان تابستان قرار نیست پایان شادی و شروع فشار باشد و می‌تواند پلی آرام میان تعطیلات و مدرسه باشد. اگر این پل با تعادل، انتخاب درست و کمی برنامه‌ریزی ساخته شود، دانش‌آموز می‌تواند هم از آخرین روزهای تابستان لذت ببرد و هم با آمادگی بیشتری به استقبال سال تحصیلی تازه برود./ ایمنا

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۵۷۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رضا رضائی فرزند یزدان بشماره شناسنامه ۵۰۰۰۰۰۴۰۶۱ صادره از محمودآباد ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که میزان ۲۱۰ متر آن کاربری زراعی و مابقی کاربری معبر میباشد به مساحت ۰۰ / ۲۵۰ مترمربع پلاک ۳۰۲ فرعی از ۳۲ اصلی بخش ۱۱ واقع در ارمکلا خریداری از مالک رسمی آقای مهدی یوسف زاده محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف. ۲۲۵۱۰۹۷

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹

مهدی آزاد - از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک استان مازندران

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۶۰۱۲۰۲۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم سیده مریم حسینی فرزند سیدجاوید بشماره شناسنامه ۲۱۳۰۲۳۱۱۹۵ صادره از مل ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۴۷ / ۲۲۶ مترمربع پلاک ۲۶۶ فرعی از ۹ اصلی بخش ۲ واقع در احمدآباد کلیج خریداری از مالک رسمی آقای حسن طهماسبی محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف. ۲۲۵۱۰۹۶

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹

مهدی آزاد - از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک استان مازندران

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۶۰۱۰۰۰۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت

انتصابات جدید رهبر انقلاب؛ آرایش تازه ایران برای تقابل با آمریکا و اسرائیل

چابک سازی جهت تغییر پارادایم دفاعی ایران به تهاجمی

کارشناس مسائل نظامی گفت: انتصابات اخیر مقام معظم رهبری پس از شهادت شماری از فرماندهان، نشان داد جمهوری اسلامی از ظرفیت انسانی و فرماندهان باتجربه‌ای برخوردار است که می‌توانند بدون وقفه مسیر و اهداف تعیین‌شده را ادامه دهند.

دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ را باید در تاریخ نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نقطه عطف ثبت کرد. نه به دلیل صدور احکام فرماندهان جدید، بلکه به این دلیل که در این روز، دکترین دفاعی کشور از حالت تدافعی به سمت یک رویکرد فعال و بازدارنده تغییر کرد.

احکامی که از سوی آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای، رهبر انقلاب و فرمانده کل قوا صادر شد، علاوه بر تکمیل فرایند جانشینی فرماندهان شهید، حاکی از یک راهبرد جدید با هدف تنبیه و مجازات متجاوز را دنبال می‌کند.

این راهبرد، حاصل تجربه دو جنگ تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه و عهدشکنی‌های مکرر آمریکا و رژیم صهیونیستی است. دشمنی که نشان داد نه به قواعد اخلاقی و حقوق بین‌الملل پایبند است و نه حتی به توافق‌هایی که خود امضا کرده تعهدی دارد. در چنین شرایطی، صبر استراتژیک نه تنها کارایی خود را از دست داده بلکه ممکن است به ضعف تعبیر شود و زمینه‌ساز تجاوزات بعدی باشد. بنابراین زمان آن رسیده که نیروهای مسلح، نه تنها از خاک خود دفاع کنند بلکه متجاوز را تا سر حد تنبیه و پشیمانی، تعقیب نمایند. همان‌گونه که رهبر شهید انقلاب گفته بود: دوران بزن در رو تمام شده است.

حمید محمدی با اشاره به انتصابات اخیر مقام معظم رهبری اظهار کرد: یکی از نکات مهمی که در این انتصابات بار دیگر شاهد آن بودیم، این است که جمهوری اسلامی ایران قائم به فرد نیست؛ زمانی که یک رزمنده یا فرمانده به درجه رفیع شهادت می‌رسد، افراد دیگری هستند که می‌توانند جایگزین او شوند و مسئولیت را بر عهده بگیرند.

وی افزود: این موضوع بار دیگر هم به مردم و هم به دنیا یادآوری کرد که در عرصه سیاست و مباحث امنیتی، هدف و مسیر مشخص است، اما ممکن است افرادی در این مسیر به فیض شهادت برسند و افراد دیگری سکان مسئولیت را در دست بگیرند؛ همان‌گونه که در دوران هشت سال دفاع مقدس نیز شاهد چنین شرایطی بودیم.

کارشناس مسائل نظامی ادامه داد: پرچمی که برای یک هدف مشخص برافراشته شده، با شهادت یک رزمنده بر زمین نمی‌افتد و رزمنده دیگری می‌تواند آن را در دست بگیرد؛ بنابراین جمهوری اسلامی قائم به فرد نیست، بلکه قائم به هدف و مسیر است.

محمدی با اشاره به سوابق افرادی که در انتصابات اخیر منصوب شده‌اند، گفت: نکته دیگر این است که افرادی که توسط مقام معظم رهبری منصوب شدند، همگی از کارنامه‌ای پربار برخوردارند و عمده آن‌ها از رزمندگان دوران دفاع مقدس بوده‌اند و تجربه و سابقه طولانی در حوزه‌های تخصصی خود دارند.

وی تصریح کرد: این انتصابات نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ذخایر انسانی عظیمی دارد که در فرصت مقتضی از ظرفیت آن‌ها استفاده می‌شود و افرادی که مسئولیت‌های مهم را بر عهده می‌گیرند، نیروهایی بی‌تجربه نیستند، بلکه سال‌ها در حوزه‌های مختلف نظامی، امنیتی و مدیریتی فعالیت کرده‌اند.

ادغام قرارگاه و ستاد کل به چابکی نیروهای مسلح کمک می‌کند

کارشناس مسائل نظامی درباره ادغام قرارگاه و ستاد کل نیروهای مسلح اظهار کرد: این موضوع سیاستی نیست که به‌تازگی مطرح شده باشد، بلکه روند آن از زمان امام خمینی (ره) آغاز شده بود و در ادامه نیز مقام معظم رهبری بر اجرای این موضوع تأکید داشتند.

محمدی افزود: در پیام انتصابی که برای ریاست ستاد کل نیروهای مسلح صادر شد نیز بر اجرای این موضوع بر مبنای منویات امام خمینی (ره) تأکید شده است و به نظر می‌رسد این اقدام می‌تواند اتفاقی میمون و مبارک باشد.

وی خاطرنشان کرد: ادغام قرارگاه و ستاد کل می‌تواند به چابکی بیشتر در تصمیم‌گیری کمک کند و موجب شود نیروهای مسلح از برخی فرایندهای بروکراتیک فاصله بگیرند؛ بنابراین در آینده می‌توان انتظار داشت که چابکی بیشتری در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطوح عالی نیروهای مسلح ایجاد شود.

سرلشکر رضایی تجربه لازم برای شورای عالی امنیت ملی را دارد

محمدی در ادامه با اشاره به انتصاب سرلشکر محسن رضایی به‌عنوان نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی و دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: سردار رضایی از چهره‌های کارکشته دوران دفاع مقدس و سال‌های پس از آن است و تجربه‌های متعددی در حوزه‌های مختلف دارد؛ از فرماندهی سپاه و فعالیت در حوزه اطلاعات سپاه گرفته تا مسئولیت معاونت اقتصادی رئیس‌جمهور شهید رئیسی.

وی ادامه داد: کسی که قرار است در شورای عالی امنیت ملی مسئولیت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری داشته باشد و همزمان به‌عنوان نماینده مقام معظم رهبری نیز فعالیت کند، باید فردی جامع‌الاطراف باشد و در حوزه‌های مختلف شناخت و تجربه داشته باشد.

کارشناس مسائل نظامی با بیان اینکه شورای عالی امنیت ملی تنها یک نهاد نظامی یا امنیتی نیست، اظهار کرد: این شورا در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌کند، بنابراین فردی که در این جایگاه قرار می‌گیرد باید نسبت به ابعاد مختلف مسائل کشور اشراف داشته باشد.

محمدی افزود: به نظر می‌رسد سرلشکر رضایی با توجه به سوابق و تجربه‌هایی که در حوزه‌های مختلف دارد، ظرفیت لازم برای ایفای این نقش را داشته باشد و بتواند در این مسئولیت، منشأ اثر و ثمربخش باشد.

کارشناس مسائل نظامی: آمریکا جز با مقاومت از مواضع خود عقب‌نشینی نمی‌کند

وی با اشاره به شرایط منطقه و تقابل جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی و آمریکا گفت: اگرچه شورای عالی امنیت ملی قائم به یک فرد نیست و مجموعه اعضای شورا در کنار یکدیگر ساختار تصمیم‌گیری را شکل می‌دهند، اما هر فرد می‌تواند بر نحوه فعالیت و فضای حاکم بر شورا تأثیرگذار باشد.

کارشناس مسائل نظامی ادامه داد: با توجه به اتفاقات اخیر و شرایطی که در تقابل با رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا شاهد آن هستیم، به نظر می‌رسد باید افرادی در این مجموعه حضور داشته باشند که معتقد به ایستادگی و مقاومت در برابر آمریکا باشند.

محمدی تصریح کرد: بر اساس ارزیابی بسیاری از کارشناسان، آنچه می‌تواند آمریکا را از مواضع مغرورانه و زیاده‌خواهانه خود پایین بیاورد، مقاومت است؛ بنابراین در شرایط فعلی باید بر مقاومت و افزایش هزینه‌های اقدامات آمریکا تأکید شود.

رضایی می‌تواند ارتباط رسانه‌ای شورای عالی امنیت ملی را تقویت کند

وی در بخش دیگری از سخنان خود به وجه رسانه‌ای سرلشکر رضایی اشاره کرد و گفت: یکی دیگر از ویژگی‌های آقای رضایی، چهره رسانه‌ای‌تر ایشان است که می‌تواند امکان ارتباط وسیع‌تر با افکار عمومی را فراهم کند.

محمدی افزود: در دوره‌های گذشته نیز دبیران شورای عالی امنیت ملی از جمله شهید علی لاریجانی، شهید شمخانی و دیگر افرادی که این مسئولیت را بر عهده داشتند، تا حدودی چهره‌های رسانه‌ای بودند و این ویژگی می‌توانست ارتباط میان شورای عالی امنیت ملی و بدنه جامعه را تقویت کند.

وی خاطرنشان کرد: به نظر می‌رسد با انتصاب سرلشکر رضایی، این ظرفیت رسانه‌ای نیز می‌تواند بهتر مورد استفاده قرار گیرد و ارتباط میان شورای عالی امنیت ملی و جامعه و مردم تقویت شود.

۶ فرمانده، یک پیام

۶ فرمانده جدید، هر یک نماد یک ویژگی راهبردی هستند؛ سرلشکر علی عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح است. وی در کارنامه خود معاون سابق شهید موسوی در ستاد کل بوده که در طول جنگ ۱۲ روزه، عملا مدیریت ستاد را بر عهده داشت. انتصاب او نشان‌دهنده تداوم سلسله مراتب رهبری و اعتماد به تجربه او در ادغام نهادهای نظامی است. سه ماموریت اصلی او عبارتند از افزایش آمادگی دفاعی، تضمین پاسخگویی موثر به تهدیدات سنتی و مدرن (از جمله جنگ شناختی و هیبریدی)، و تکمیل ادغام ستاد کل با قرارگاه خاتم‌الانبیاء.

سرتیپ کیومرث حیدری که به عنوان جانشین رئیس ستاد کل منصوب شد نیز پیش از این فرمانده سابق نیروی زمینی ارتش بوده و نماد پل ارتباطی بین ارتش و سپاه است. ماموریت او تجهیز نیروهای زمینی ارتش و سپاه، افزایش آمادگی رزمی، و توسعه قابلیت‌های دفاعی و امنیتی است. انتخاب او نشان می‌دهد که رهبری به دنبال تقویت یگان‌های زمینی و ایجاد هماهنگی بیشتر بین دو نیروی اصلی است.

سرلشکر احمد وحیدی،فرمانده کل سپاه پاسداران جانشین شهید محمد پاکپور در دوران جنگ بود که مدیریت سپاه را بر عهده داشت. در حکم انتصاب او، رهبری به وضوح بر حداکثر بازدارندگی و آمادگی هوشمندانه برای انجام عملیات تهاجمی قوی علیه دشمن تاکید کرده است. این عبارت، بیانگر صریح تغییر دکترین به سمت تهاجم است. وحیدی همچنین موظف به تقویت مهارت‌های مدیریتی و ایدئولوژیک در سلسله مراتب سپاه شده است.

سرلشکر مصطفی ایزدی، جانشین فرمانده کل سپاه است. وظیفه او افزایش آمادگی سازمانی و توزیع نقش‌ها بر اساس دستورالعمل‌های فرمانده کل قوا است. این انتصاب نشان می‌دهد که سپاه در حال بازآرایی درونی برای انطباق با شرایط جدید است.

دریادار علی عظمایی، فرمانده نیروی دریایی سپاه هم پیش از شهادت شهید علیرضا تنگسیری، معاون او بوده که در بحبوحه تنش‌های تنگه هرمز، مسئولیت حیاتی‌ترین نقطه جغرافیایی استراتژیک کشور را بر عهده می‌گیرد. تنگه هرمز، شریان اصلی انرژی جهان و اهرم فشار ایران در مذاکرات بین‌المللی است. ماموریت عظمایی، توسعه تجهیزات، آموزش‌ها و هماهنگی بین نیروی دریایی سپاه و ارتش است. بنابراین انتظار می‌رود فعالیت‌های ایران در این تنگه، تشدید شود.

و در آخرین انتصاب حسین طائب به عنوان رئیس بسیج منصوب شد. او با سابقه طولانی در ریاست دستگاه اطلاعاتی سپاه، ماموریت بازگرداندن بسیج از یک چارچوب صرفا سازمانی به ماهیت اصلی‌اش به عنوان نیروی مقاومت را بر عهده دارد. شعار هر ایرانی یک بسیجی، نشان‌دهنده مبتنی‌تر کردن امنیت بر مشارکت مردمی است. طائب همچنین موظف به تقویت شبکه اطلاع‌رسانی مردمی، گسترش فعالیت‌های مسجدمحور، و استفاده از فناوری‌های نوین برای مقابله با تهدیدات شده است.

تهران دیگر منتظر نمی‌ماند

تغییرات صورت گرفته در ۱۹ مرداد ۱۴۰۵، پیامدهای متعددی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد.

در سطح داخلی، انسجام ساختاری نیروهای مسلح و تمرکز فرماندهی، امکان تصمیم‌گیری سریع‌تر در شرایط بحرانی را فراهم می‌آورد. انتخاب فرماندهانی با تجربه جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، نشان‌دهنده تاکید بر تداوم نسلی و انتقال تجربه است. همچنین تقویت نقش بسیج به عنوان شبکه مردمی-امنیتی، عمق استراتژیک کشور را در برابر تهدیدات هیبریدی افزایش می‌دهد.

در سطح منطقه‌ای نیز تغییر دکترین از پاسخ متقابل به ضربه اول، معادلات بازدارندگی را به نفع ایران تغییر می‌دهد. دشمنان منطقه‌ای اکنون باید این واقعیت را بپذیرند که هر تجمع نظامی یا نشانه‌ای از مقدمات تجاوز، با پاسخ پیش‌دستانه روبه‌رو خواهد شد. تقویت نیروی دریایی سپاه و تمرکز بر تنگه هرمز، اهرم‌های چانه‌زنی ایران در مذاکرات احتمالی را افزایش می‌دهد.

همچنین در سطح بین‌المللی، این تغییرات، به طور مستقیم بر محاسبات استراتژیک آمریکا و متحدانش تاثیر می‌گذارد. تهران دیگر منتظر نمی‌ماند تا واشنگتن نیروهایش را بسیج کند و عملیاتی را آغاز کند. موضوعی که هزینه هرگونه ماجراجویی نظامی را به شدت افزایش می‌دهد. همان‌طور که اسماعیل کوثری، مشاور سابق فرمانده کل سپاه، تاکید می‌کند: دشمنان جمهوری اسلامی باید به این جمع‌بندی برسند که هرگونه اقدام نظامی علیه ایران، هزینه‌ای سنگین و غیرقابل تحمل خواهد داشت.

بازدارندگی واقعی در گرو اقتدار عملی

با توجه به این موارد، آنچه در ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ رقم خورد، صرفا یک تغییر اداری نبود بلکه اعلام رسمی یک تحول راهبردی بود. ایران از یک بازدارندگی تدافعی که متکی بر صبر استراتژیک و پاسخ متقابل بود به سمت یک بازدارندگی تهاجمی حرکت کرده است که بر تنبیه متجاوز و ضربه پیش‌دستانه متکی است.

این تحول، پاسخی منطقی به عهدشکنی‌های مکرر دشمنان و نشانه‌ای از اعتماد به نفس راهبردی جمهوری اسلامی است. شش فرمانده جدید، نه تنها تجربه و تخصص لازم برای این ماموریت خطیر را دارند بلکه نماد وفاداری به آرمان‌های انقلاب و آمادگی برای دفاع همه‌جانبه از کشور هستند.

اکنون دشمنان ایران باید این واقعیت را بپذیرند که هرگونه ماجراجویی نظامی، با شکست روبه‌رو خواهد شد و متجاوز را تا سر حد تنبیه و پشیمانی تعقیب خواهد کرد. این همان بازدارندگی واقعی است که تنها از مسیر اقتدار عملی و اراده پاسخگویی حاصل می‌شود.

گزارش مهم فارن‌پالیسی درباره انتصابات رهبر انقلاب

آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای در حال برنامه‌ریزی برای یک جنگ طولانی است

نشریه آمریکایی فارن پالیسی در خصوص انتصاب فرماندهان جدید نظامی توسط رهبر انقلاب نوشت: «انتصاب‌ها نشان دهنده تأکید بیشتر بر عملیات تهاجمی و تحمیل هزینه‌های شدیدتر برای تقویت بازدارندگی و ادغام دقیق‌تر سیاست‌های نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و امنیت داخلی است.»

نشریه آمریکایی فارن پالیسی که به‌طور تخصصی در موضوعات بین‌المللی فعالیت می‌کند، در تحلیل اخیر خود نوشت: «[آیت‌الله] مجتبی خامنه‌ای در حال برنامه‌ریزی برای یک جنگ طولانی است و انتصاب‌های جدید او، خطوط کلی استراتژی نظامی‌اش را آشکار کرد.»

این نشریه آمریکایی در خصوص بازسازی ساختار فرماندهی ایران نوشت: «رهبر ایران در مجموعه‌ای گسترده از انتصابات، فرماندهی ارشد ایران را به‌طور مؤثر بازسازی کرده و نهادهای مسئول مدیریت جنگ و دیپلماسی را سازماندهی مجدد کرده است. این انتخاب‌ها نشان می‌دهد که تهران در حال بازسازی نهاد امنیتی خود پیرامون درس‌های جنگ و آماده شدن برای یک رویارویی طولانی‌مدت با ایالات‌متحده و اسرائیل است.»

نویسنده این مقاله معتقد است که ساختار جدید فرماندهی نظامی ایران، نشان‌دهنده تأکید بیشتر بر عملیات تهاجمی و تحمیل هزینه‌های شدیدتر برای تقویت بازدارندگی و ادغام دقیق‌تر سیاست‌های نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و امنیت داخلی است.

همچنین در خصوص ترکیب این ساختار با موضوع دیپلماسی و مذاکره نوشت: «این انتصابات نشان می‌دهد که تهران در تلاش است دیپلماسی را با مفهوم سخت‌تری از بازدارندگی، که بر حفظ و تقویت توانایی خود در آسیب رساندن به دشمنانش متمرکز است، ترکیب کند تا مذاکرات به‌جای مکث دیگری قبل از درگیری مجدد، به یک توافق پایدار منجر شود.»

او در خصوص انتصاب سرلشکر رضایی به دبیری شعام توضیح داد: «رضایی مدت‌هاست به‌عنوان یک متفکر استراتژیک و نهادساز در درون نهاد نظامی ایران شناخته می‌شود. در طول ۱۶ سال فرماندهی سپاه، او به تبدیل آن به یک سازمان نظامی گسترده کمک کرد و نیروهای زمینی، هوایی و دریایی آن را توسعه داد. بنابراین نقش او فراتر از کمک به هدایت جنگ ایران و عراق، به ایجاد نهادها و قابلیت‌هایی گسترش یافت که نحوه اعمال قدرت نظامی ایران را برای دهه‌های آینده شکل می‌داد.»

فارن پالیسی ادامه داد: «بقیه انتصابات [آیت‌الله] خامنه‌ای نیز این تصویر را تقویت می‌کند. علی عبداللهی، رئیس جدید ستاد کل نیروهای مسلح، موظف به تکمیل ادغام قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا در ستاد کل شده است؛ سازمان‌دهی مجددی که فرماندهی و هماهنگی در زمان جنگ را متمرکزتر خواهد کرد. مأموریت او بر آمادگی برای تهدیدهای متعارف، مدرن، شناختی و ترکیبی، تأکید دارد.

در همین حال، احمد وحیدی رسماً به‌عنوان فرمانده سپاه پاسداران انتخاب شد. آیت‌الله خامنه‌ای به او دستور داده است که ضمن حفظ آمادگی برای عملیات تهاجمی قدرتمند علیه دشمن، بازدارندگی حداکثری را دنبال کند. روی‌هم‌رفته، این اقدامات نشان‌دهنده تلاشی برای ادغام فرماندهی زمان جنگ ایران در عین پذیرش شکلی تهاجمی‌تر از بازدارندگی است که در آن حملات با مقابله‌به‌مثل بیشتری روبرو می‌شوند تا دشمنان را متقاعد کنند که هر دور جدید درگیری، آن‌ها را در موقعیت بدتری قرار می‌دهد.»

فارن پالیسی در خصوص نیروی دریایی سپاه گزارش داد: «علی عظمایی، که جایگزین علیرضا تنگسیری شده، در زمانی مسئولیت را بر عهده می‌گیرد که کنترل تنگه هرمز به مهم‌ترین منبع اهرم فشار ایران بر واشنگتن و اقتصاد جهانی تبدیل شده است. مأموریت او بر آمادگی رزمی بیشتر، نظارت اطلاعاتی و هماهنگی با نیروی دریایی منظم و سایر نهادهای دولتی تأکید دارد.»

این نشریه آمریکایی در خصوص رئیس جدید سازمان بسیج نوشت: «در داخل، حسین طائب، رئیس سابق اطلاعات سپاه به‌عنوان رئیس بسیج به جایگاه برجسته‌ای بازگردانده شده است. به طائب دستور داده شده که «شبکه اطلاعات عمومی» خود را تقویت کند، از فناوری‌های جدید بهره ببرد و سازمان‌دهی در سطح محله را تعمیق بخشد.»

تهران راهبرد قبل از جنگ را تکرار نمی‌کند

به عقیده فارن پالیسی، پس از خروج ایالات‌متحده از برجام، تهران عمدتاً آنچه را که به‌عنوان «صبر استراتژیک» شناخته می‌شود، دنبال کرد و پاسخ‌های خود به تحریم‌ها، ترورها، خرابکاری‌ها و حملات اسرائیل را تنظیم کرد و درعین‌حال به دنبال جلوگیری از درگیری گسترده‌تر و حفظ فضا برای دیپلماسی بود.

اما تهران اکنون معتقد است که این خویشتن‌داری، نتیجه معکوس داشته و این برداشت را در واشنگتن و اسرائیل تقویت کرده است که ایران ضعیف و آسیب‌پذیر، پاسخ‌های آن قابل پیش‌بینی و هزینه‌های حمله به آن قابل مدیریت است.

بنابراین، درسی که از جنگ‌های پس از ژوئن ۲۰۲۵ گرفته شده، صرفاً این نیست که ایران به قابلیت‌های نظامی بیشتری نیاز دارد؛ بلکه باید تمایل خود را برای استفاده از آن‌ها به روش‌هایی نشان دهد که هزینه‌های نظامی و اقتصادی به‌اندازه کافی شدیدی را تحمیل کند؛ تا دشمنان خود را از تشدید دوباره تنش منصرف نماید.

روزنامه گویه
سیاسی، فرهنگی، اجتماعی
گویه

شناسنامه

روزنامه منطقه ای گویه
سیاسی، فرهنگی، اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید محمدحسین دریاباری
سردبیر: ابوالفضل رئیس جعفری
دبیر سیاسی و مدیر اجرایی: محمدعلی محمدیان
خبرنگار و مدیر داخلی: معصومه ربیع نیا
خبرنگار و مدیر سازمان آگهی: فهیمه حسین پور
خبرنگار و مسئول نیازمندی ها: محمد طلعتی رستمی
خبرنگار: حسن آرام - ۰۹۱۰۶۹۳۹۱۴۵
خبرنگار: سیده سمیه شفیعیان ۰۹۱۱۹۰۸۱۶۳۳
نشانی دفتر مرکزی: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه سوم، واحد ۳۰۴
شماره تماس: ۳۷۸۴۲۵۵۶ - ۳۷۸۴۲۵۵۷ - ۰۹۱۲۷۶۲۵۹۸۷
لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز
گستره توزیع: استان‌های قم، اصفهان، مازندران، مرکزی و سمنان
قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان
انتشار یادداشت ها و مطالب نویسندگان در روزنامه گویه الزاما رای روزنامه نمی باشد.

روزنامه منطقه ای گویه
نمایندگان و خبرنگاران روزنامه گویه در استان ها و شهرستان ها

اصفهان: الهام ندیمی ۰۹۱۳۴۲۸۲۷۷۴
سمنان: علی رضا رحیمیان ۰۹۱۲۵۷۳۳۸۰۲
مازندران:
مرکزی:
شهرستان فیروزکوه: محمد مرادپور ۰۹۱۲۲۴۷۲۱۹۴
تهران:

یادداشت

رسانه؛ چشم تیزبین یا تزئین جلسات؟

مدیران با سابقه و فتو تیتر!

اختصاصی گویه - وحید حاج سعیدی

برگزاری جلسات در هیات دولت، ادارات، نهادها و سازمان های دولتی و خصوصی امری طبیعی و رایج است. از سویی اهمیت رسانه و ضرورت آگاهی‌بخشی در جامعه امروز امری بدیهی است و کمتر کسی را می‌توان یافت که منکر این حقیقت اجتماعی باشد. نقش و جایگاه کنونی رسانه‌ها در عصر حاضر تا جایی قابل اعتنا و ارزشمند است که عده‌ای از کارشناسان آن را به‌عنوان ابزاری قدرتمند در جهت توسعه همه‌جانبه مقولات فرهنگی، مذهبی، علمی، سیاسی، هنری و... قلمداد می‌کنند که در کنار رسالت اصلی خود، که همان خبرپراکنی است، می‌تواند به یک ابزار آموزشی همه‌کاره و کارآمد نیز بدل شود. در چنین شرایطی، قطعاً مسئولان نیز بیش از سایر افراد جامعه بر اهمیت و جایگاه این پدیده اجتماعی صحه می‌گذارند و حجت این مدعا را می‌توان به‌صورت ویژه در پیام‌های تبریک آنان در روز خبرنگار مشاهده کرد.

آنان خبرنگاران و متولیان عرصه رسانه را چشمان تیزبین جامعه و پل ارتباطی میان مردم و مسئولان می‌دانند که با انتشار اخبار و اطلاع‌رسانی دقیق و مسئولانه، زمینه‌ساز تصمیم‌گیری بهتر، افزایش اعتماد عمومی و تقویت سرمایه اجتماعی می‌شوند.

اما با وجود اهمیت چشمگیر رسانه و اذعان کتبی و شفاهی مسئولان به این امر، در عمل شاهد تناقضات عینی در عرصه خبر و خبررسانی هستیم. فی‌المثل، عمده جلساتی که در ادارات برگزار می‌شود، فاقد خروجی و اطلاع رسانی است. به گواه تصاویر منتشرشده، اکثر حاضران در برخی از این جلسات افرادی تازه‌کار و نومدیر نیستند و سابقه مدیریتی برخی از آن‌ها به بیش از سی و اندی سال در پست‌های مختلف می‌رسد؛ تا جایی که مجموع سنوات مدیریتی افراد حاضر در این نشست ها، افزون بر چند صد سال است.

گاها موضوعات جلسه نیز از مهم‌ترین مسائل روز جامعه و آینده‌محور است و قطعاً جامعه‌ای که آینده‌نگری داشته باشد و به آن بهای اصولی داده شود، در آینده با چالش‌ها و آسیب‌های کمتری مواجه خواهد شد. اما دریغ از انتشار یک خط از مصوبات، تصمیمات و بحث‌های صورت‌گرفته در این جلسات! باور بفرمایید گاهی اوقات محتوا و مطالبی که از جلسات محرمانه سران سه قوه در رسانه‌ها منتشر می‌شود، از اطلاعات و محتوای منتشر شده از این جلسات بیشتر است.

البته باید پذیرفت مادامی که برای انتشار اخبار به رئیس دفتر، راننده، عکاس، هنرمند، ادمین پیج و بلاگر اتکا کنیم، خروجی این جلسات بیشتر از چند عکس و یک خط نوشته، یا به عبارت باکلاس‌تر، «فتوتیتر» در کانال اطلاع‌رسانی اداره متبوع نخواهد بود! تا نظر شما چه باشد؟

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۶۵۶۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای اسداله احمدی فرزند اسمعیل بشماره شناسنامه ۹۰۵ صادره از محمودآباد ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۰۰ / ۱۰۴۳۶ مترمربع پلاک ۳۱۱ فرعی از ۳۲ اصلی بخش ۱۱ واقع در ارمک کلا خریداری از مالک رسمی آقای اسماعیل احمدی محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف. ۲۲۵۱۰۹۳
تاریخ انتشار اول: ۲۵ / ۰۵ / ۱۴۰۵
تاریخ انتشار دوم: ۰۹ / ۰۶ / ۱۴۰۵
مهدی آزاد - از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک استان مازندران

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۸۱۴۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای شعبانعلی رمضانی فرزند رمضان بشماره شناسنامه ۶۸۱ صادره از نور ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۷۲ مترمربع پلاک ۱۴۴۳ فرعی از ۱۵ اصلی بخش ۱۰ واقع در تلیکسر خریداری از مالک رسمی آقای غلامعلی یوسفی محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف. ۲۲۵۱۰۹۲
تاریخ انتشار اول: ۲۵ / ۰۵ / ۱۴۰۵
تاریخ انتشار دوم: ۰۹ / ۰۶ / ۱۴۰۵
مهدی آزاد - از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک استان مازندران

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۸۶۳۳ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم سعیده سیاهی فرزند داود بشماره شناسنامه ۲۶۴۸۶۷۸۶۰۳ صادره از بندرانزلی که سه دانگ مشاع از ششدانگ به مساحت ۵۳ / ۲۲۵ مترمربع پلاک ۲۱۶ فرعی از ۲۵ اصلی بخش ۲ واقع در ولم خریداری از مالک رسمی آقای فضل اله قریشی محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف. ۲۲۵۱۰۹۱
تاریخ انتشار اول: ۲۵ / ۰۵ / ۱۴۰۵
تاریخ انتشار دوم: ۰۹ / ۰۶ / ۱۴۰۵
مهدی آزاد - از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک استان مازندران

اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۱۶۰۰۸۶۳۵ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فتانه رسیده وند فرزند خسرو بشماره شناسنامه ۱۰ صادره از شمیران در سه دانگ مشاع از ششدانگ به مساحت ۵۳ / ۲۲۵ مترمربع سه دانگ مشاع از ششدانگ به مساحت ۵۳ / ۲۲۵ مترمربع پلاک ۲۱۶ فرعی از ۲۵ اصلی بخش ۲ واقع در ولم خریداری از مالک رسمی آقای فضل اله قریشی محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف. ۲۲۵۱۰۹۰
تاریخ انتشار اول: ۲۵ / ۰۵ / ۱۴۰۵
تاریخ انتشار دوم: ۰۹ / ۰۶ / ۱۴۰۵
مهدی آزاد - از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک استان مازندران